

بالحاجۃ منجنی» در این صورت، «قبو» قید تنجس است؛ حال آنکه قبیله و باطن بوی بول بعد از قبیله منجنی موجود است، اگر این تیر
ملاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نماند، عرف همچنان آب را منجنی می‌داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می‌نامند.

۱۲- مواد از «حیثیت قیدییه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ۲۷۹ و ۲۸۰
جواب: قیودی که عرفاً مقوم و شیخ حکم هستند مثلاً اگر شارع فرمود باشد: «اکرم الذبیب» در این صورت، ذبیب بودن، قید وجوب اکرام است. حال آنکه ریزه مهمان
کسی شده باشد تا وقتی ذبیب است، وجوب اکرام، ناشی از قید ذبیب بودن است و پس از انتزاع قید، عرف حکم می‌کند که وجوب مذکور منقضی است؛ لذا اگر ریزه از
خانه میزبان خارج شد اول در خارج از منزل میزبان هم حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را امانه وجوب قلمی می‌داند چون
«ذیف بودن» را مقوم و منوع حکم می‌داند این قیود را حیثیات قیدییه می‌نامند. قیودی که عرفاً مقوم حکم نیستند مثلاً اگر شارع فرمود باشد: «الله المشر
ملاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نماند، عرف همچنان آب را منجنی می‌داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می‌نامند.

۱۱- قاعده «مقتضی و مانع» چیست؟ و یک فرق آن با «استصحاب» را بنویسید. ۲۲۷ و ۲۲۸
جواب: قاعده مقتضی و مانع تعدای است که می‌گوید هرگاه مقتضی برای چیزی منجز و متین بود و شک کردیم که آیا مانعی که جاری تأثیر این مقتضی را
بگیرد آمده است یا خیر، باید تا گمانت بر عدم آن مانع و مانع مقتضی وجود مقتضی ملاً یقین به وجود دلیل بر وجوب نماز جمعه داریم و شک داریم
که آیا زمان غیبت مانع از استمرار این وجوب در این زمان هست یا خیر، یا می‌گوییم بر عدم مالیت و حکم می‌کنیم به وجوب جمعه
و قیود مانع از مقتضی مثل شرب سبم کرده باشیم و بعد شک در وجود مانعی مثل شرب دیوانه مانع از این مقتضی یکسوم بر اساس این قاعده بنا بر انتزاعی مانع گذاشته

۱۰- مقصود از عبارت «من ارکان قاعده منجزیه العلم الاجمالی ان یکون کل من الترفیض مشمولاً فی نفسه لدلیل اصل البراهه یقطع النظر
عن التعارض» را توضیح داده، مثالی بزنید که این رکن در آن موجود باشد. ۲۵۰ و ۲۵۱
جواب: یکی از شرایط منجزیت و حیثیت علم اجمالی آن است که یا قطع نظر از علم اجمالی بجزان در هر یک از طرفین اصل (براهت) جاری گردد و چیزی
نخواهد بود که می‌گوئیم جریان براهت در هر دو طرف امکان ندارد، اما اگر یکی از طرفین قطع نظر از تعارض اصل را در طرفی اصل برات را قی حد نفسه
بنپذیرد، اصل در طرف دیگر منقضی ندارد و جاری می‌شود. لذا علم اجمالی منجز نیست. مثال: اگر علم اجمالی به نجاست یکی از دو طرف دلالت باشم و یکی از آنها
خارج از محل ایضا باشد، طرف خارج از محل ایضا فی نفسه جاری برات نیست چون مکلف در معرض مخالفت با آن قرار ندارد تا شک کند و برات جاری شود پس
براهت در طرف دوم منقضی ندارد.

۹- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور الی استحقاق جریان البراهه فی کل اطراف العلم الاجمالی، لأنها ترجیح فی المخالفة القاطمه»
را توضیح داده، جواب شهید صدر را بر آن را بیان کنید. ۲۲۷ و ۲۲۸
جواب: مشهور علما معتقدند جریان اصل برات در تمام اطراف علم اجمالی محال است زیرا وجوب علم (و او اجملی) مقتضی امتثال حکمی است که علم اجمالی به
آن داریم پس اگر بتوان در اطراف برات را جاری کرد لازماً مانعی این است که بتوانیم با آن حکم بالاجمال مخالفت قلمی کنیم و این مسیبت حرام است زیرا
قیح است عقلاً در نتیجه ترجیح مخالف محال است. جواب شهید صدر را به این نوع حکم عقل دلت کنیم. در این مورد حکم عقلی منقضی است به عدم ترجیح ظاهری
از جانب مولی در نتیجه ترجیح مخالف حکم عقل نیست بلکه موضوع آن رایج می‌کند، و اگر بگوییم حکم عقل منقضی است از جهت نسبت ادعایی بدون دلیل است.

۸- بعضی به دلیل وحدت سابق در حدیث رفع قائل به اختصاص «رفع ما لا یصلحون» به شبهه موضوعیه شده‌اند، کیفیت استدلال آنها را
بنویسید. ۲۲۴ و ۲۲۵
جواب: اسم موصول یعنی کلمه «هنا» در این حدیث چهار بار تکرار شده در سه مورد آن «ما اکرموا علیه و ما لا یصلحون و ما استسروا الیه» مراد از آن موضوع
خارجی و یا فعل خارجی است نه تکلیف و لذا برای حفظ وحدت سابق همانی در «ما لا یصلحون» هم حمل بر موضوع خارجی می‌شود و لذا مختص به شبهه
موضوعیه خواهد شد.

۷- را توجه به عبارت «و یسکن تلخیص استدلال المحقق الثانی علی قاعده قبح العقاب بلا بیان بالاستنباط بالاعراف العقلابیه و
استفحاح مسأله الامر فی المجتمعات العقلابیه مأموره علی مخالفة تکلیف غیر واصل» استدلال مرحوم ثانی را در جواب شهید صدر را
بنویسید. ۲۱۶ و ۲۱۷
جواب: استدلال مرحوم ثانی، عرف و عقلا، عقاب عند را بوسیله مولای عرفین به خاطر مخالفت با تکلیف غیر معلوم قبح می‌شود.
او حدود حق اطاعت مولی عرفی را تکلیف قلمی و معلوم می‌داند فلذا محدود حق اطاعت شارع هم تکلیف قلمی و معلوم است؛ بنابراین عقاب شارع منقضی است و
عرفیه زمانی صحیح است که تکلیف واصل و معلوم باشد.

۶- قیاس حق طاعت خدا را حق طاعت مولای عرفین بدون دلیل است زیرا حق طاعت ارباب و موالی عرفیه، جعلی می‌باشد و به تبع همین جعل
جواب شهید صدر را قیاس حق طاعت خدا را حق طاعت مولای عرفین بدون دلیل است زیرا حق طاعت ارباب و موالی عرفیه، جعلی می‌باشد و به تبع همین جعل
و مستحق ندارد آن معلوم می‌شود که مثلاً حق عبودیت تکلیف منقطع به جعل می‌گردد، اما حق طاعت خداوند متعال ذاتی تکلیفی می‌باشد، فلذا منقطع بودن دایره
حق محمول، ملازم با منقطع بودن دایره حق ذاتی تکلیفی نمی‌باشد، بلکه برای تجدید دایره حق خداوند متعال باید به عقل عملی رجوع نمود که مقتضی تمسک است.
۵- بعضی به دلیل وحدت سابق در حدیث رفع قائل به اختصاص «رفع ما لا یصلحون» به شبهه موضوعیه شده‌اند، کیفیت استدلال آنها را
بنویسید. ۲۲۴ و ۲۲۵
جواب: اسم موصول یعنی کلمه «هنا» در این حدیث چهار بار تکرار شده در سه مورد آن «ما اکرموا علیه و ما لا یصلحون و ما استسروا الیه» مراد از آن موضوع
خارجی و یا فعل خارجی است نه تکلیف و لذا برای حفظ وحدت سابق همانی در «ما لا یصلحون» هم حمل بر موضوع خارجی می‌شود و لذا مختص به شبهه
موضوعیه خواهد شد.

امتحانات متمرکز عمومی (محلخ ۲)

پهلو ۱۳۰۲-۱۳۰۳
موسسه ۹۹۹
تلف ۹۹۹۹۹۹۹

ردیف	نام	تاریخ	موضوع
۱	محمدعلی	۲۰ شهریور	اصول فقه
۲	محمدعلی	۲۰ شهریور	اصول فقه
۳	محمدعلی	۲۰ شهریور	اصول فقه

کتابت	۱۳۹۱/۱۳۹۲
تاریخ	۱۳۹۲/۸/۱۳
محل	اصول فقه ۲
کتاب	الحاقه الفایده صدر فایده
صفحه	ارتباط من ۵۲۸ کتاب اصل ۳۳۹-۳۴۰ ۱۳۱۵-۳۴۰

نام نام خانوادگی: کلاس:
 شماره پرسنلی: شماره ثبت نام:
 شماره کارت ملی: شماره شناسنامه:
 شماره شناسنامه: شماره شناسنامه:

۱- به نظر شهید صدر **قاعده اولیه** و **ثابویه** در «شک در تکلیف» به ترتیب چیست؟ ص ۳۱۷ و ۳۱۹

- الف. احتیاط عقلی و برائت عقلی
- ب. برائت عقلی و برائت شرعی
- ج. احتیاط عقلی و برائت شرعی
- د. برائت شرعی و احتیاط عقلی

۲- **شک** در «**وجوب نماز آیات** به واسطه خسوف»، **شک** در تکلیف است یا مکلف به؟ مجرای چه اصلی است؟ ص ۲۴۰

- الف. تکلیف - برائت
- ب. تکلیف - اشتغال
- ج. مکلف به - برائت
- د. مکلف به - اشتغال

۳- در مثال «**اذا أتى المكلف بفعل مترسلاً ثم علم إجمالاً بأن الشارع أوجب عليه إما هذا الفعل أو فعل آخر، فعلى الأول يكون التكليف قد سقط بالإيمان بالمكلف به و على الثاني يكون ثابتاً فالتكليف لا يعلم ثبوته فعلاً كدام يك از ارکان اربعه متجزیه علم اجمالی اختلال پیدا** کرد است؟ ص ۲۵۲

- الف. الركن الأول
- ب. الركن الثاني
- ج. الركن الثالث
- د. الركن الرابع

۴- **دستی مقداری انگور دارد و یقین دارد که «هذا العنب اذا غلى حرم»** پس از مدتی انگورها تبدیل به کشمش می شوند و **شک** می کند که «**هذا الزبيب اذا غلى حرم أو لا**»، این مورد، مثال برای کدام استصحاب است؟ ص ۲۸۸

- الف. استصحاب مجهولة التاريخ
- ب. استصحاب کلی قسم سوم
- ج. استصحاب قریحیات
- د. استصحاب تلبیخی

۵- مثال «**اذا كان على يقين من نجاسة يوم السبت فشك يوم الاحد في نجاسته يوم السبت**» مجرای کدام قاعده یا اصل است؟ ص ۳۱۷

- الف. اصل برائت
- ب. قاعده یقین
- ج. اصل استصحاب
- د. قاعده مقتضی و مانع

۶- تعارض بین «**اذا خیر برائت عقلی**» یا «**اذا خیر واحد**» به چه نحو است؟ ص ۲۰۵

- الف. ظاهر و نص
- ب. مورد و وارد
- ج. عام و خاص
- د. محکوم و حاکم

۷- نحوه استدلال به آیه شریفه «قُلْ لَا أُجِدُ فِي سَأَلِيكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مَا نَزَّلَ بِهِ الْوَحْيَ» بر براهین شرعی را توضیح داده، شهید صدر (ره) چه اشکالی بر این استدلال وارد می‌کند؟ ص ۲۲۰-۲۲۰ نبره

جواب: در این آیه خداوند متعال نحوه صحابه (و صحابته) با عبود را به پاسخی می‌آمورد. خداوند نحوه اثبات براهین و عدم حرمت را «علم و دعاء» و «حاشا» دلیل می‌کند و این نشان از آن است که حیثیت دلیل (بر حکم شرعی) کالی است در نامتن و عدم عقاب و این همان اثبات براهین شرعی است. جواب اشکال این است که نیایش پیامبر در وحی الهی، به معنای عدم وجود حکم است، یعنی هر چه که بر پیامبر وحی شود و حرمتش به پاسخی اعلام نگردد، در واقع حرام نبوده و حکم حرمت برایش شریع نشده است. نمی‌توان این قضیه را قیاس کرد با «حاشا» مگر آنکه «حاشا» در واقع امری بین رفتن خصوص باشد. (به عبارت دیگر، تکلیف نمی‌تواند پس از فحش و باس بگیرد، «چون من نیایشم پس این چیز در واقع حرام نیست و اصلاً حرمتی جعل نشده است»؛ چرا که شاید حکم جعل شده، و به ما نرسیده باشد. پس این آیه - که اثبات عدم جعل می‌کند - با اثبات باطن براهین شرعی، بیگانه است.)

۸- اشکال مطرح در عبارت «الاعتراض الاول علی أدلة البرائة الشرعية هو أن هذه الأدلة إنما تتصل حالة التمسك بالبدوی لا المقنن بعلم إجمالي، و التقیه حینما یلاحظ الشبهات المحکمیه ککلی یوجد لیه علم إجمالي» را توضیح داده، جواب شهید صدر (ره) از این اشکال را بنویسید. ص ۲۲۲-۲۲۲ نبره

جواب: اشکال شده که ادله براهین در جایی جاری می‌شوند که شک، بدوی باشد نه مقنون به علم إجمالي؛ در حالی که فقه علم دارد به وجود تعدادی تکلیف واقعی - مثلاً در نا - در بین مجموع شبهات حکمی و با وجود این علم إجمالي. در هیچ‌کدام از شبهات حکمی نمی‌توان براهین شرعی جاری کرد. یستیع قبول داریم که فقه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله علم إجمالي به وجود یک سری تکلیف واقعی دارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله آن «علم إجمالي» منحل می‌شود به «علم تفصیلی» به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده. (و آن تکالیف استنباط شده نیز کمتر از مقدار معلوم بالاجمال نیست) و «شک بدوی» در مابقی شبهات، چرا که علم به وجود تکلیف در میان آنها برایش باقی نمی‌ماند (و شک در این مابقی بدوی است) که محل اجرای براهین شرعی است.

۹- برخی از ادله «براهین شرعی» اخلاق داشته و شامل شک قبل از فحش نیز می‌شود؛ با این وجود، شهید صدر (ره) این اصل را مشروط به فحش می‌داند و سه دلیل بر مدعای خود ارائه کرده است، دو دلیل آن را بنویسید. ص ۲۲۹ و ۲۲۰-۲۲۰ نبره

جواب: (سه جوابی که شهید صدر (ره) می‌فرماید عبارتند از) ۱. بعضی از ادله براهین شرعی ثابت می‌کند مشروطیت و مدیونیت را در صورتی که پیامبر بر تکالیف در معرض وصول بوده، که با فحش به دست می‌آمده است. اصل آیه «و ما کنا معصین حتی نبت رسولاً» که برای اثبات براهین شرعی به آن استدلال شده است، گفتم که «حمت رسول» مثالی است برای بیان حکم پس «عدم نیایش» در محل وصول تکلیف باشد، غایت است برای عدم عقاب پس هر جا چنین نیایش باشد استحقاق عقاب نیز ثابت است و تکلیف شاک، قبل از فحش، احتمال تحقق بیان و تحقق غایت را می‌دهد پس با اجماع از فحش است. [۲. تکلیف علم إجمالي دارد به وجود تکالیفی در بین شبهات حکمی. این علم إجمالي با «فحش» منحل می‌شود به «علم تفصیلی» و «شک بدوی» که شک بدوی محل جریان اصل براهین است. پس بدون فحش، محلی برای اجرای اصل براهین نیست. ۳. روایاتی داریم دال بر وجود علم در روز قیامت از تکلیف می‌رسند: «چرا عمل نکردی (به تکالیف)؟» جواب می‌دهد: «چون (به تکالیف) علم نداشتم» - سؤال می‌شود که «چرا برای دانستن بلاش نگردی؟» چنین روایاتی قید می‌زند اطلاقی (یعنی آمده در) دلیل براهین را و ثابت می‌کند که «شک بدون فحش» علم شرعی (و واقع عقاب) نیست.

۱۰- رکن چهارم برای «تفخیر علم إجمالي» را بیان کرده، اختلاف این رکن در «دوران امر بین معذورین» را با مثالی تبیین کنید. ص ۲۵۶-۲۵۶ نبره

جواب: رکن چهارم برای تفخیر علم إجمالي، این است که علم إجمالي باید به گویای باشد که اگر در همه اطراف آن، اصل براهین را جاری کنیم در حقیقت، حکم به جواز مخالفت ظلمیه کرده باشیم و در مقام عمل نیز مخالفت ظلمیه ممکن باشد؛ اما در این مثال رکن چهارم متحقق نمی‌شود. اگر علم إجمالي داریم که در مورد دین میت کافی، تکلیف الزامی صادر شده است؛ اما نمی‌دانیم که آن تکلیف، آیا «موجب دین» است یا «حرمت دین». مطلب در اینجا دال بر بین معذورین است که حتی اگر در هر دو طرف شبهه (یعنی حرمت) براهین جاری کنیم باز هم به مخالفت ظلمیه گرفتار نمی‌شویم (چون در این مثال، مخالفت ظلمیه - همانند موافقت ظلمیه - شمال است؛ چرا که در مقام عمل، با دین صورت می‌گیرد - که با وجوب سازگار است - و با دین ترک می‌شود - که با حرمت سازگار است.)

امتحانات مرکز عمومی (ع)

اصول فقه ۱-۲
۹۳ صفحه
۹۳ عدد
۹۳ عدد

پوینت

کتاب	۹۳۳۳/۱۸
نوع	۱۳۹۱/۱-۲۷
نویسنده	اصول فقه ۴
موضوع	مدرس فی علم الاصول (اصول فقه)
تعداد کتب	۲۱۵-۲۲۱

نام و نام خانوادگی	شماره	کلاس	شماره	نام

۱- در استدلال به حدیث رفع، بر براءت شرعی، کدام گزینه با نظر شهید صدر (ره) سازگار نیست؟ ص ۲۲۳ تا ۲۲۵

الف. آن وحدة السیاق تقتضی کون المصادیق من سنخ واحد. ص ۲۲۴
ب. الرفع فی الحدیث یكون رفعاً ظاهریاً یعنی تأمین الشاک.
ج. الاطلاق يقتضی شمول الحدیث للشبهة الموضوعیة والحکیمة.
د. یسکن ان یُراد به «ما لا یعلمون» التکلیف المشکوک فی کتا الشبهین.

۲- به نظر شهید صدر (ره) جریان اصول مؤتمنه در اطراف «علم اجمالی» ثبوتاً و اثباتاً به ترتیب چه حکمی دارد؟ ص ۲۴۷ و ۲۴۹

الف. محال عقلاً - محال عقلاً
ب. ممکن عقلاً - محال عقلاً
ج. ممکن عقلاً - محال عقلاً
د. ممکن عقلاً - ممکن عقلاً

۳- اگر علم اجمالی به وجود تکلیف در بین چند امر را به آن امور سرایت نداده و علم را فقط منجز جامع بدانیم: آنگاه طبق مسلک «قیح عقاب بلا بیان» و مسلک «حق الطاعة» حکم عقلی به ترتیب چه خواهد بود؟ ص ۲۴۷

الف. وجوب موافقت قطعی - وجوب موافقت قطعی
ب. جواز مخالفت قطعی - وجوب موافقت احتمالی
ج. جواز مخالفت احتمالی - جواز مخالفت احتمالی
د. وجوب موافقت احتمالی - وجوب موافقت قطعی

۴- در کدام گزینه، حیثیت کشف بر اساس «غلیة أن العادث یبقی» استوار است؟ ص ۲۶۷

الف. قاعده یقین
ب. قاعده تجاوز
ج. اصل استحباب
د. قاعده مقتضی و مانع

۵- آیا کلمه «الشک» در روایت زراره (که می فرماید: لا تنقض الیقین بالشک ابدأ) شامل حالت ظن می شود؟ چرا؟ ص ۲۷۷

الف. نعم؛ بقرینه مورد الروایة و کون السائل ظاناً بالحدث.
ب. نعم؛ بقرینه قوله «و لكن انقضه یقین آخر».
ج. لا؛ لتنوع الظن بالمعتبر و غیر المعتبر.
د. لا؛ لان الشک لا یشمل الظن وضعاً.

۶- دلیل عدم جریان اصول عملیه هنگام وجود دلیل محرز قطعی چیست؟ ص ۳۱۹

الف. ورود دلیل محرز بر اصل
ب. حکومت دلیل محرز بر اصل
ج. دلیل محرز، تخصصاً خارج است.
د. چون دلیل محرز اهم است از اصل.

۸- عبارت «الاعتراض الاثر علی أدلة البرائة الشرعية هو أن الاثارة خاصة بمورد الشک المبرور دون المقنون بالعلم الاجمالي و واضح ان القیبه لو لاحلا جمیع الشبهات حاصل له علم اجمالی ثبوت تکالیف فلا یمکن اجراء البرائة» را شرح داده و جواب شهید (ره) از اشکال را بنویسید. ص ۲۳۲ و ۲۳۳ - ۲ نمره

جواب اشکال اولی که به ادله برات وارد کرده اند این است که این ادله برات در جایی جاری می شود که تک بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی و در شبهات حکمی تک مقرون به علم اجمالی است چون قیبه وقتی به مجموع شبهات حکمی نظر می کند مثلاً اگر کسی تا شبهه دارد یعنی دارد یک سری تکالیف واصلی در میان آن ها وجود دارد که مثلاً کمتر از پنج تا نیست و با وجود این علم اجمالی جاس برای اجراء برات شرعی در هیچ کدام از این شبهات حکمی که هر یک از آنها از اطراف این علم اجمالی هستند باقی نمی ماند.

جواب شهید (ره) بله قیبه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله علم اجمالی در وجود یک سری تکالیف واصلی دارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله آن علم اجمالی منحل می شود به علم تفصیلی به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده و کمتر از معلوم بالااجمال او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود تکالیفی در میان آنها برایش باقی می ماند و لذا شک در این ملایمی بدوی است و جایی برات شرعی.

۹- وجه عدم شمول ادله برات نسبت به تکلیف مشکوک استصحابی و گراهشی چیست؟ ص ۲۴۰ - ۲۴۰ نمره

جواب زیرا اگر هدف از اجراء برات، اثبات ترحیمی در ترک است، این ترحیمی در امور استصحابی و گراهشی، یعنی است و نیازی به اصل برات ندارد و اگر هدف از اجراء برات، اثبات عدم رجحان احتیاط است، این قبضی البطلان است چون احتیاط علی ای حال راجع است.

۱۰- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور الی استحالة جریان البرائة فی کل اطراف العلم الاجمالی، لانها ترحیمی فی المخالفة القطعیة» را توضیح داده، جواب شهید صدر (ره) بر آن را بیان کنید. ص ۲۴۲ - ۲ نمره

جواب مشهور علما معتقدند جریان اصل برات در تمام اطراف علم اجمالی منحل است زیرا وجود علم (ولو اجمالی) منقضی استل حکمی است که علم (اجمالی) به آن داریم پس اگر برات در اطراف برات جاری کرد، لازمیاتی این است که بتوانیم با آن حکم بالااجمال مخالفت فعلی کنیم و این معصیت حرام است شرعاً و قیبح است عقلاً در نتیجه ترحیمی منحل است، جواب شهید صدر (ره) باید در نوع حکم عقلی رفت کنیم در این مورد حکم عقلی منقضی است به عدم ترحیمی ظاهری از جانب مولی، در نتیجه ترحیمی مخالف حکم عقلی نیست بلکه موضوع آن راجع می کند و اگر بگویید حکم عقلی منقضی است از جانبی بدون دلیل است.

۱۱- تفصیل در عبارت «و قد یفعل بین أن یکون الشرط محتملاً باحاطة المتعلق و بین کونه محتملاً باحاطة الموضوع» دربارہ جریان برات در شرط مشکوک را در ضمن مثال تبیین نموده، اشکال نموده، جواب صدر (ره) بر آن را بنویسید. ص ۲۴۹ و ۲۵۰ - ۲ نمره

جواب: در خطاب «یعنی رقیه متعلق، متعلق و موضوع، رقیه است، گاهی شک تعلق می گردد به دنا حکم عقلی و گاهی تعلق می گردد به شرعاً ایمان در رقیه در حالت اول برات جاری می شود، زیرا رقیه مومن مشایق و جویب نیست، پس شک در ایمان شک در وجوب نیست تا بتوان برات جاری کرد. اشکال شهید هر چند برات جاری نمی شود، زیرا رقیه مومن مشایق و جویب است، پس شک در ایمان رقیه در وجوب شک در وجوب نیست تا بتوان برات جاری کرد. اشکال شهید هر چند سفید کردن رقیه به ایمان متعلق امر نیست، اما تقیه عقلی به ایمان رقیه متعلق امر است، پس شک در قید بودن ایمان در واقع، شک در سفید بودن عقلی به ایمان رقیه است، و از آن جهت که تقیه تحت اختیار تکلف است و تعلق وجوب به آن متعلق است پس حکام شک در وجوب این تقیه، نسبت به آن برات جاری می شود.

۱۲- با توجه به صحیح «قلت له الرجل یتام و هو علی وضوء...» چرا برخی قائل شده اند که عبارت «و لا یفعلش البتین بالمشک» اقاده عموم نمی کند، یک جواب از آن بنویسید. ص ۲۴۹ - ۲ نمره

جواب: استلال برای علم اقامه عموم زیرا در «لا یفعلش البتین بالمشک» دو احتمال برای «الامر» مطرح است یکی جنس و دیگری عهد که به وضوء بر می گردد و اثر در مانع انعقاد اطلاق است. (۱ نمره) جواب: عبارت «فانه علی یقین من وضوءه» ظاهر در تعلیل در امر عرفی است و عرف نیز یقین را به طبیعی یقین حمل می کند.

۱۳- با توجه به عبارت «انه فی الشبهة الحکمیة اذا کان الموضوع باقیاً بکامل قیوده فلا یمکن طرور الشک فی البقاء فلا بد من زوال بعضها و معه تختل الوحدة» اشکال به «رکن ثالث استصحاب در شبهه حکمی» را تبیین کرده، پاسخ تفصیلی ارائه دهید. ص ۲۳۲ - ۲ نمره

۱) نمره] جواب دیگر در کتاب]

جواب: اشکال در شبهات حکمی اگر موضوع کاملاً باقی باشد پس شک در بقاء نیست (مگر به نحو نسخ) و اگر موضوع تغییر کرده است دیگر قسبه متقیه با قسبه مشکوک وحدت ندارد. جواب: وحدت مشیر در استصحاب وحدت عرفی است نه وحدت دلی به عبارت دیگر قیود عرفی در قسم هستند، قیودی که مقوم موضوع هستند (حیثیه) تقییداً و قیودی که مقوم موضوع نیستند [حیثیه تعلیلیه] در اکتلا در قیود اول استصحاب جاری نمی شود و در نومی جاری می شود.

۱۴- برای «استصحاب حکم معلق» مثال زده، دلیل مرحوم نائینی (ره) بر عدم جریان آن را بنویسید. ص ۲۶۸ - ۲ نمره

جواب: ما قسبه شرطیه داریم که می گوید اگر این انکار توجیه حرام می شود ولی ما شک داریم حال که انکار تبدیل در کسبش شده است این قسبه شرطیه هنوز باقی است یعنی باز هم با عللان جنس می شود یا نه استصحاب می کنیم آن قسبه شرطیه را دلیل مرحوم نائینی (ره) در حکم شرعی فقط جعل و محصول داریم و حمل که شکلی در یافتن نیست (رکن ثانی منحل است) و در محصول نیز یقین به حدوث نداریم (رکن اول منحل است) و اما قسبه شرطیه در عالم تشریع چیزی جز امر مستوع از حمل حرمت بر موضوع مقهورانوجود نیست پس اثر شرعی ندارد تا استصحاب قسبه جاری شود.

۱۵- «وروده» را با مثالی توضیح داده و فرق اصلی آن را با «عراض» و «تراجم» بنویسید. ص ۲۷۸ و ۲۸۰ - ۲ نمره

جواب: در ورود تاقی بین دو محصول است به این نحو که فلیت که حکم با هم تاقی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفسی یا اثبات می کند. زیرا فلیت حکم معلق به تحقق موضوع است، مثال دو محصول در دو حکم «انا وجد الماء فلیتوبنا الصلاة» و «انا لم نجد الماء فلیتوبنا الصلاة» با هم تاقی دارند زیرا هنگامی که آب ندانسته باشد موضوع حکم اول متعلق و اثر نتیجه حکم فعلی نیست یعنی دو حکم نمی توانند با هم فعلی باشند اگر چه دو عمل با هم تاقی ندارند (۱/۵ نمره) فرق در تراض تاقی بین دو عمل است و در تراجم تاقی بین دو امتثال است ولی در ورود تاقی بین دو محصول است. (۱/۵ نمره)

۲

۱

۲

۲

۲

۲

۲

۲

مجلس	۲۰	شماره	۱۰
تاریخ	۱۳۹۸	شماره	۱۰
موضوع	تعمیرات	شماره	۱۰
تاریخ	۱۳۹۸	شماره	۱۰

امتحانات مرکز عمومی (۲)

سازمان آزمون‌ها
تهران
شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸
پست الکترونیک: info@amoozesh.gov.ir

نام خانوادگی	نام
شماره شناسنامه	شماره کارت
تاریخ تولد	تاریخ آزمون
موضوع	موضوع
محل آزمون	محل آزمون

نام: شهر: استان: شماره پرسنلی: ۱۰

۱۰- شک در «وجوب غسل» به دلیل «شک در حدث» است یا تکلیف است یا مکلفیه؟ مجرای چه اصلی است؟ ۲۲۸

- الف مکلفیه - برائت
- ب مکلفیه - ائتنال
- ج تکلیف - ائتنال
- د تکلیف - برائت

۱۱- عدم منجزیت در شبهه غیر مجتموره مستند به چه امری است؟ ۲۲۷

- الف خروج برخی از اولاد از محل ائتنال
- ب عدم اوم وقوع در مخالفت قطعی
- ج جریان اسائه الوالیه در همه احوال
- د حکومت فاعله غیر و حج

۱۲- بنابر نظر شهید صدر (ره) کدام تعریف از «استصحاب» با تمام ابیضات سازگار است؟ ۲۰۲

- الف موجهه الحاله السابقه
- ب الحکم بقاء ما کان
- ج البقن بالحیث
- د الشک فی القاء

۱۳- در کدام مورد «تقیض یقین» تکوینی است؟ ۲۰۳

- الف فاعله مقننی و مانع
- ب اصل استصحاب
- ج اصل ائتنال
- د فاعله یقین

۱۴- مثال «یقین داریم آب کی سابق، دیگر کی نیست و لکن شک داریم ظهر از کی بودن خارج شده یا صبح» بر کدام مورد تطبیق می‌گردد؟ ۱۵

- الف شک در تقدم و تاخر
- ب شک در ترجیحات
- ج مجهول التاريخ
- د توارد حالتین

۱۵- نسبت بین دو حکم «ان الشاک فی الرکعة الثانية یجید الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ۲۸۱

- الف ورود
- ب تقید
- ج حکومت
- د تخصص

۱۶- کیفیت استعمال به آیه شریفه «لا یُکَلِّفُ اللهُ نَفْسًا اُولًا مَا اُتَاهَا» المذوق ۴ بر برائت را پوشش و ائتنال شیخ اعظم (ره) به آن را تبیین نماید. ص ۲۲۴ - ۲

- الف ورود
- ب تقید
- ج حکومت
- د تخصص

۱۷- خواص «هائه» موصول افلاقی دارد لذا مراد از آن معنای جامع بین فعل و تکلیف به انبازاری که به او مراجعه می‌شود و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به انبازاری که به او مراجعه می‌شود است. پس قضا شیخ به تکلیفی که به او رسیده است، مسؤول است. اعتراض شیخ (ره): اراده جامع از «هائه» ممکن نیست، زیرا اگر معنای تکلیف اجابت شود «هائه» مقول محال است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مقول به نسبت بین فعل و مقول به نسبت بین فعل و مقول محال می‌باشد و از آن جایی که استعمال افلاقی واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به سباق آیه قبل، «هائه» معنی در معنای مال است.

۷- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور الی استحاله جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالي، لأنها ترخیص فی المخالفة القطعیة»

□ □ ۲

را توضیح داده، جواب شهید صدر: «بر آن را بیان کنید» ص ۲۴۲ - ۲ نبره
جواب مشهور علما معتقدند جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی است. زیرا وجود علم (او اجمالی) مقتضی استحال حکم است که علم اجمالی
به آن داریم پس اگر بتوان در اطراف برائت را جاری کرد، لازماً این است که بتوانیم با آن حکم بالاجمال مخالفت قطعی کنیم و این معصیت حرام است زیرا
و قیوح است عقلاً در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقل شهید صدر است. جواب شهید صدر: باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی منطبق است به عدم ترخیص
ظاهر از جانب مولی. در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقل نسبت به موضوع آن را رافع می‌کند. و اگر بگویید حکم عقل منطبق نیست ادعای بدون دلیل است.

□ □ ۱

۸- مثالی برای علم اجمالی دائر بین «تعیین و تخصیص» نوشته اختلال کدام رکن موجب عدم تنجیح تعیین می‌گردد؟ ص ۲۵۱ - ۱ نبره
جواب: علم ما به وجوب بوده است بین اکران زید هر چند باشد یا اکران زید بوسیله اعداء کتاب (۱۵). اختلال رکن ثالث (۱۵). (نبره)

□ □ ۲

۹- مراد از «هیئت تقدیریة» و «هیئت تعلیلیة» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۳۲ - ۲ نبره
جواب: قیودی که عرفاً مفهوم موضوع هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الصیغ» در این صورت، صیغ بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید چهار
کسی شده باشد تا وقتی صیغ است. وجوب اکرام ناشی از قید صیغ بودن است و پس از انتفاء قید، عرف حکم می‌کند که وجوب مذکور منتهی است؛ لذا اگر زید
از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان حکم به وجوب اکرامش کردند در این صورت، عرف این وجوب جدید را اذنیه وجوب قلمی نمی‌داند. چون
«صیغ بودن» را مفهوم موضوع می‌داند این قیود را حیثیات تقدیری می‌نامند. قیودی که عرفاً مفهوم موضوع نیستند مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اللاء المتعبر بالتحلیمة
متنجس» در این صورت، «تغیر» قید تنجیس است؛ حال اگر ای تغیر قلمی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجیس موجود است. اگر این تغیر مثلاً
زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس می‌داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می‌نامند.

□ □ ۲

۱۰- حکم استحباب «کلی قسم سوم» را در ضمن مثال بیان کرده دلیل حکم را تبیین کنید. ص ۲۷۰ - ۲ نبره
جواب: اگر یقین داشته باشیم که زید وارد مسجد شده و پس از مدتی خارج گردیده است ولی شک کنیم که همزمان با خروج زید و یا قبل از خروجش (یا خالد داخل
مسجد گردید به گونه‌ای که مسجد خالی از انسان نمانده باشد یا نه. چنانچه بخواهیم طبعی انسان را در مسجد استحباب کنیم این مورد از مضائق استحباب
کلی قسم سوم خواهد بود [که انضمام فرد اول یقینی و وجود فرد ثانی مشکوک می‌باشد]. در این قبیل موارد، استحباب جاری نمی‌شود (۱) (نبره) زیرا رکن سوم
استحباب مختل است و وجود کلی که حدوثش در زمان اول قطعی و یقینی بود [حجمه طبعی ضمن فرد اول] یا وجود کلی که یقائنش در زمان ثانی مشکوک است
[حجمه طبعی ضمن فرد دوم] فرق دارد و متعلق یقین و شک متحد نیستند (۱) (نبره)

□ □ ۲

۱۱- مراد از قاعده «جمع عرفی» چیست؟ مدارک آن از نگاه شهید صدر (چه امری است؟) ص ۲۸۱ - ۲ نبره
جواب: چنانچه تمایزی بین دو دلیل در نظر عرف مستقر نباشد، به این صورت که یکی از دو دلیل قرینه باشد برای تفسیر آنچه از دیگری اراده شده است، لازم است
با توجه به قریناتی که متکلم برای بیان مقصود خود در دلیل دوم آورده است، در دلیل اول تصرف کنیم. مدارک آن از متکلم دو کلام صادر شود که ظاهر هر یک
با دیگری در تالیف باشد، یکی از آن‌ها در مقام تفسیر دیگری آورده شده باشد، لازم است دلیل مفسر مقدم شود، چه اینکه لازمه فهمیدن مقصود متکلم این است
که از مجموع کلام او همان گونه که خودش اراده کرده است فهمیده شود.

امتحانات سمرقند عمومی (سطح ۲)

شماره شناسنامه	۱۵	شماره برگه	۱۰
نام خانوادگی		نام	
شماره پرسنلی		شماره	
شماره کارت ملی		شماره	

شماره پرسنلی	۲۸۶۲/۲۲۲
نام	۱۳۸۷/۵/۱۸۸
شماره	۲
شماره پرسنلی	۲۸۶۲/۲۲۲

کلاس: ... گروه: ... شماره: ...

۱- چرا قیاس حتی الطاعة خداوند یا حتی الطاعة بین عقلاء صحیح نیست؟ من ۲۲۲

- الف. حتی الطاعة لهم، ذاتی است.
- ب. حتی الطاعة لهم، یقینی است.
- ج. حتی الطاعة لهم، واجب است.
- د. حتی الطاعة لهم، جعلی است.

۲- مراد از موصول در حدیث رفع: «رفع ... ما لا یعلمون ...» چه فرض کرده تا شامل شبهات موضوعیه و حکمییه هر دو باشد؟ من ۲۲۸

- الف. تکلیف ظاهری
- ب. تکلیف واقعی
- ج. فعل خارجی
- د. تکلیف فعلی

۳- مثال «أذا كان علی بن یقین من عدالة زيد يوم الخميس فشك يوم الجمعة في عدالته يوم الخميس» مجرای کدام قاعده است؟ من ۲۵۳

- الف. قاعده مقتضی و مانع
- ب. اشتغال عقلی
- ج. قاعده یقین
- د. استحباب

۴- عبارت «قد یفترض وجود موضوع واحد نظراً علیها حائتان متضادتان کل واحدة موضوع لِحکم شرعی ...» ناظر به کدام گزینه است؟ من ۲۷۳

- الف. التک فی التمام و التام
- ب. التک بین المخذورین
- ج. مجولی التاریخ
- د. تدرج الحائثین

۵- عبارت «اعتراض الشيخ الاعظم (ره) بان ارادة الجامع من الموصول فی قوله تعالی: (لا یكلف الله نفساً الا ما آتاهما) الباقی (۷) غیر ممکنه لانه یلحاظ التکلیف مفعولاً مطلقاً و یلحاظ المال مفعولاً به ...» فالاولی هی نسبة الحدیث الی بعض الطوارء، و الثانية نسبة المعایر الی المعایر» را تبیین نموده، اعتراض بر چیست؟ من ۲۲۵ - ۲۲۰

جواب اعتراض شیخ (ره) اراده جامع از «ما» ممکن نیست، زیرا اگر معنای تکلیف لِحفاظ شود «ما» مفعول مطلق است به تعبیری؛ لا یكلف الله نفساً الا ما آتاهما، نسبت بین فعل و مفعول مطلق نسبت بین حدیثی آتاهما (و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به به تعبیری؛ لا یكلف الله نفساً الا ما آتاهما، نسبت بین فعل و مفعول مطلق نسبت بین حدیثی (لِکَلْف) و یکی از اشکال آن (تکلیف) است ولی نسبت بین فعل و مفعول به اینگونه نیست و مفعول به یکی از اشکال فعل نیست بلکه معنای آن است. در نتیجه نسبت بین فعل و مفعول مطلق با فعل و مفعول به معنایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به ساقی آیه قبل: «ما» متعین در معنای مال است. (۵) (نموده استدلالی که به آن اعتراض شده است: «ما» موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنایی جامع بین مال فعل و تکلیف است. (۵)

۶- چگونه برخی از کلمه «عینیه» در حدیث: «کل شیء فیہ حلال و حرام فهو لک حلال ابدان حتی تعرف الحرام منه بعینیه فتدعه» برای اختصاص حدیث به شبهات موضوعیه استدلال می نمایند؟ یا مثال تبیین نمایید. من ۲۳۰ - ۲۲۰

جواب: لازمه حدیث بر شبهه حکمییه این است که کلمه «عینیه» تأکید صرف باشد برای حتی تعرف الحرام منه، به خلاف صورتی که حمل بر شبهه موضوعیه کرده اند مثلاً «شک دارد این گوشت مذکی است یا میت» و علم اجمالی دارد که گوشت حرامی در کل گوشت‌های شهیر وجود دارد» در این صورت حتی تعرف الحرام منه ناظر به علم اجمالی به حرمت است و بعینیه ناظر به علم تفصیلی به متکوک الحرامه است و با توجه به اینکه حمل بر تأکید خلاف ظاهر است پس حمل حدیث بر شبهه موضوعیه متعین می گردد.

۸- بعضی با تمسک به استصحاب، بر آنست که در شبهات بی‌بینه اثبات کرده‌اند، یکی از دو استصحاب ذکر شده را تسبیح کنند. مس ۲۴۱ - ۱ شماره

استصحاب اول می‌توان عدم تکلیف قبل از شریعت را استصحاب نمود زیرا پیشتر از اجابت شریعت (به دلیل نبره‌ی بودن تسبیح انکار) حکم مشکوک وجود نداشت لذا می‌توان عدم وجودش را هم چنان استصحاب کرد. آنچه دوم می‌توان استصحاب کرد عدم تکلیف قبل از بلوغ را.

۹- با توجه به روایت «الامور ثلاثة امر بین الامرین فاجتنبه و امر تخلف فيه و امر الله عز و جل» استصحاب به اجتناب در شبهه بدوی را تقریر کرده، یک نقد بپوشید. مس ۲۵۲ - ۲ شماره

جواب: استصحاب حکم در شبهات بدوی از قسم ثالث هستند و با توجه به روایت اولیها را مرکب شده و به عبارتی مثال زد کرد که عبارت اولیها اینهاست (۱) شماره نقد اولیها: رد به خیاره سکن است به معنی احتیاط یا بلکه به معنی رجوع به حکم و سنت ائمه است؛ اگر قبول کنیم رد به خیاره یعنی احتیاط در شبهات بدوی احتیاط لازم نمی‌آید زیرا با توجه به آله بر آنست شبهات بدوی از قسم اولیها بوده و از بوردی است که تسبیح اولیهاست (۱) شماره

۱۰- ارکان قاعده منجزیت علم اجمالی را بپوشید. مس ۳۱۴ - ۲ شماره

جواب: یکی از ارکان وجود علم به جامع، یعنی وقوع علم به جامع و عدم بر آنست آن به طرف است. یکی سوژه هم در طرف صرف نظر از تراض مشمول آله بر آنست باشد. یکی چهارم: جریان بر آنست در هر دو طرف باعث تراض بر مخالفت قضیه شود.

۱۱- برخی در موارد «تمسک در شریعت» بین «معلق» و «معلق معلق» تفصیل داده‌اند، دلیل ایشان را به همراه مثال تسبیح نشانید. مس ۳۷۰ - ۲ شماره

جواب: در اثنی رفته، شریعت گاهی شریعت مطلق است مثل دعا حکم عقیق و گاهی شریعت مطلق متعلق است مثل اجابت برای رفته. در صورت اول بر آنست بر آنست می‌شود زیرا اقلیت دعا هنگام عقیق یعنی امر به تطبیع عقیق به دعا پس تمسک در قیود، به تمسک در وجوب تطبیع می‌گردد و بر آنست جاری می‌شود ولی در صورت دوم بر آنست جاری نمی‌شود زیرا اقلیت اجابت برای رفته به دلیل اینکه غیر اجتنابی است (مفروض نیست) به معنی امر به تطبیع نیست (چون قیود شریعت تکلیف است) در نتیجه تمسک در قیودیت به تمسک در وجوب تطبیع نمی‌گردد تا بر آنست جاری شود.

۱۲- با توجه به صحیح «قلت له الرجل ینام و هو علی وضوء...» چرا برخی قائل شده‌اند که عبارت «و لا یغنی البیض بالشمک» افاده عموم نمی‌کند، یک جواب از آن بپوشید. مس ۷۸۰ و ۷۸۱ - ۲ شماره

جواب: استلال برای عدم افاده عموم: زیرا در «لا یغنی البیض بالشمک» دو احتمال برای «الای» مطرح است یکی جنس و دیگری عدد که به وضوء بر می‌گردد و فرد تابع ابتداء انطلاق است. (۱) شماره جواب عبارت «فانه علی ینام» ظاهر در تمسک به امر بر آنست است و عرف نیز چنین را به طبعی همین حمل می‌کند. (۱) شماره جواب دیگر در کتاب

۱۳- با توجه به عبارت «انه فی التسمیة المحکمة اذا کان الموضوع باقیاً تکامل فبوجه فلا یسکن طرد الشمک فی البقاء فلا بد من زوال یغنیها و معه تجزئ الوحدة» اشکال به هر کس ثالث استصحاب در شبهه «حکمی» را تسبیح کرده، پاسخ تفصیلی ارائه دهید. مس ۷۸۴ و ۷۸۵ - ۲ شماره

جواب: در شبهات حکمی اگر موضوع کاملاً باقی باشد پس تمسک در بقا نیست (مگر به نحو استخار و اگر موضوع تسبیح کرده است دیگر قضیه مبتدیه یا قضیه مشکوک است)؛ در موارد وحدت معتبر در استصحاب وحدت عرفی است نه وحدت ذقی به عبارت دیگر قیود عرفی دو قسم هستند: قیودی که مفهوم موضوع هستت اجنبیه وحدت بتازاد جواب وحدت معتبر در استصحاب وحدت عرفی است نه وحدت ذقی به عبارت دیگر قیود عرفی دو قسم هستند: قیودی که مفهوم موضوع هستت اجنبیه قضیه (۱) و قیودی که مفهوم موضوع نیستت اجنبیه تأملیه (۲) اختلال به قیود اول استصحاب جاری نمی‌شود و در دومی جاری می‌شود.

۱۴- برای «استصحاب حکم معلق» مثال زده، دلیل موجود تأییدی (یا بر عدم جریان آن را بپوشید. مس ۳۹۱ - ۲ شماره

جواب: ما قضیه شریعه داریم که می‌گوید اگر این انکار بچونند حرام می‌شود ولی ما تمسک داریم حال که انکار تبدیل به کفایت شد است این قضیه شریعه هنوز باقی است یعنی اثر هم با غیاب اجتناب می‌شود یا نه استصحاب می‌کنیم آن قضیه شریعه را، دلیل موجود تأییدی (زایا) در حکم شریعی قطعا جعل و مجعول داریم و در جمل که شکی در بتائین نیست (ازکن ثانی مجعول است) و در مجعول نیز یقین به حدوث بتائینم ازکنی اول مجعول است) و اما قضیه شریعه در تمام تسبیح چیزی جز جعل که شکی در بتائین نیست بتازاد تا استصحاب قضیه جاری شود.

۱۵- «ورود» را به همراه مثالی توضیح داده و فرق اصلی آن را با «تعارض» و «توافق» بپوشید. مس ۳۰۲ - ۲ شماره

جواب: در ورود تأییدی بین دو مجعول است به این نحو که فلیت دو حکم با هم تأییدی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نیز با ایات می‌کند مثال: دو مجعول در حکم «لا یجوز السلاوة» و «لا یجوز السلاوة» فلیتیم «السلاوة» با هم تأییدی دارند زیرا هنگامی که اب نالت با بند موضوع حکم اول متعلق و در نتیجه حکم فعلی نیست (۱) شماره فوق در تأییدی تأییدی بین دو مجعول است و در تمام تأییدی بین دو استمال است ولی در ورود تأییدی بین دو مجعول است. (۱) شماره



امتحانات مرکز عمومی (سطح ۲)

مجموعه سؤالات: ۱۰-۱۲
تعداد سؤالات: ۱۰
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه

ردیف	نام خانوادگی	شماره ثبت	تاریخ تولد
۱			
۲			
۳			

کرمشهر	۱۳۳۲/۱۰
شماره	۱۳۳۲/۶۶/۱۰
محل	اصول هفتم ۲
گروه	دوره دوم علم الایمان - حلقه باب چهارم
مدرس	راشدان سرکلاسا، ۱۳۸۱ تاسیسات، ۳۳۳۳۳۳۳۳

نام خانوادگی: کرمشهر شهرت: علم:
 شماره پرسنلی: ۱۵

۱- به نظر شهید صدر ایدها فاعله اولیه و ثانویه در شک در تکلیف، به ترتیب چیست؟ (۲۴)

الف. احتیاط عقلی و برائت عقلی

ب. برائت عقلی و برائت شرعی

ج. احتیاط عقلی و برائت شرعی

د. برائت شرعی و احتیاط عقلی

۲- در روایت «ما حجب الله علمه عن العباد فهو موضوع عنهم»، کلمه «العباده» باید چگونه لحاظ شود تا بتوان با آن برائت در تکلیف مشکوک را اثبات نمود؟ (۲۴)

الف. عموم بلی

ب. اطلاق احوالی

ج. عموم مجموعی

د. عموم استثنایی

۳- در دو مورد «خروج یکی از اطراف علم اجمالی از محل ابتلاء» و «شبهه غیر محصوره» به ترتیب کدام یک از ارکان علم اجمالی مختل می شود؟ (۲۶ و ۲۷)

الف. رکن چهارم - رکن سوم

ب. رکن سوم - رکن چهارم

ج. رکن سوم - رکن دوم

د. رکن دوم - رکن سوم

۴- در کدام مورد «مقتضی یقین» تکوینی است؟ (۲۷)

الف. قاعده مقتضی و مانع

ب. اصل اشتجاب

ج. اصل اشتغال

د. قاعده یقین

۵- مثال «یقین داریم آب گر ساقی، دیگر گر نیست و لکن شک داریم ظهور از گر بودن خارج شده یا صحیح» بر کدام مورد تطبیق می کند؟ (۲۸)

الف. شک در تقدم و تاخر

ب. موضوعات مرکب

ج. مجهول التاریخ

د. توارد حالتین

۶- نسبت بین دو حکم «ان الشاک فی الرکعة الثانية بعد الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ (۲۰)

الف. تخصیص

ب. حکومت

ج. ورود

د. تشبیه

۷- استدلال به حدیث «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهنی» بر «برائت» را تقریر کرده، چه اشکالی بر آن مطرح است؟ (۲۴-۲۰ نموده)

الف. اشکال: اطلاق سابق لسان دامن است و تخصیص که شک در تکلیف دارد در حق او صدق می کند که بگویند نهنی به او نرسیده است، پس علم ورود نهنی اقدم وصول نهنی است؛ یعنی بخشی از تکلیف مشکوک است یعنی برائت از تکلیف مشکوک (اصول اشکال) بر معنای «مورد» در روایت، دو احتمال وجود دارد زیرا می توان ورود را به دو نحو احاطا کرد، ۱. وصول به مکتب ۲. صدور از شارع، با توجه به اینکه دو احتمال در معنای ورود است که در یک معنا نمی تواند برائت ثابت شود، برائت ثابت نیست. (اصول)

۸- در کدام مورد «مقتضی یقین» تکوینی است؟ (۲۷)

الف. قاعده مقتضی و مانع

ب. اصل اشتجاب

ج. اصل اشتغال

د. قاعده یقین

۹- در کدام مورد «مقتضی یقین» تکوینی است؟ (۲۷)

الف. قاعده مقتضی و مانع

ب. اصل اشتجاب

ج. اصل اشتغال

د. قاعده یقین

۱۰- در کدام مورد «مقتضی یقین» تکوینی است؟ (۲۷)

الف. قاعده مقتضی و مانع

ب. اصل اشتجاب

ج. اصل اشتغال

د. قاعده یقین

۸- با توجه به عبارت «لقد يستدل له بوحدة السباق لاسم الموسول» چگونه حدیث رفع مختص به شبهه موضوعیه می‌شود یا سبغ آن چیست؟ ص ۲۴۶ - ۲ نمره

جواب: برخی حدیث رفع را مختص شبهات موضوعیه می‌دانند زیرا جمله در «ما یصلوا الیه» و فقرات دیگر ظهور در رفع موضوع دارد در نتیجه در «ما لا یصلون» هم به قرینه ساق مراد شبهات موضوعیه است. جواب: اسم موسول از ساق است و آن به معنای شیء است و در نهایت می‌توان گفت که معنای جمله مختلف است. تفاوت در مساق موجب از پس بران وحدت مساق نیست.

۹- عبارت «الإعراض الأول علی أدلة البرائة الشریعة هو أن الأدلة خاصة بعمود الشک المبرور دون المقرون بالمعلم الاجمالي و واضح ان القیة لو لاحظ جمیع الشبهات حصل له علم اجمالی بثبوت تکالیف فلا یسکن اجراء البرائة» را شرح داده و جواب شهید (ره) از اشکال را بنویسید. ص ۲۵۱ - ۲ نمره

جواب: اشکال اولی که به الله برات وارد کرده‌اند این است که این آیه برات در جایی جاری می‌شود که شک بدون باشد نه مقرون به علم اجمالی و در شبهات حکمیة شک مقرون به علم اجمالی است چون قیة وقتی به مجموع شبهات حکمیة نظر می‌کند مثلاً اگر نیست تا شبهه دارد یعنی اگر شک سری تکالیف وقتی در مساق آن ما وجود دارد که مثلاً کسر از پنج تا نیست، و با وجود این علم اجمالی جایی برای اجرای برات شرعی در هیچ کدام از این شبهات حکمیة که هر یک از آن‌ها از اطلاق این علم اجمالی هستند باقی نمی‌ماند.

جواب شهید ص ۲۵۱: بلکه قیة قبل از استنباط احکام شرعی از ادله علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف وقتی وارد می‌شود که شک استنباط احکام شرعی از ادله آن علم اجمالی منحل می‌شود به علم تقسیمی به این معنی که تکالیف از تکالیف که استنباط کرده و کسر از معلوم بالا جمالی او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود تکلیفی در محلی آن‌ها برایش باقی نمی‌ماند و لذا شک در این مابقی بدون است و جایی برات شرعی.

۱۰- رکن چهارم از ارکان «مخبریت علم اجمالی» را به همراه مثالی که عدم این رکن موجب سقوط تنجز علم اجمالی هستند را بیان کرده، دلیل رکنیت آن را بنویسید. ص ۲۲۷ و ۲۲۸ - ۲ نمره

جواب: رکن چهارم اجرای برات در همه اطراف موجب ترخیص در مخالفت فقهیه نبود و وقوع مخالفت فقهیه به این شرعی در خارج امکان داشت باشد مثلاً در حالت دوران امر بین محظورین حتی اگر در دو طرف برات جاری شود موجب مخالفت فقهیه نمی‌شود. دلیل رکنیت: محذور اجرای برات در دو طرف به دلیل این است که موجب مخالفت فقهیه نمی‌شود که با تکلیف معلوم بالا جمالی منافات دارد (اعتقاد یا ملامت) پس وقتی اجرای برات در اطراف موجب مخالفت فقهیه شود می‌توان آن را اجرائی و با اجرای برات در اطراف دیگر علم اجمالی از مخبریت سابقاً می‌شود [یعنی مخالفت فقهیه لازم نیست].

۱۱- برخی در موارد «شک در شرطیت» بین «معلق» و «مستعلق» دلیل داده‌اند، دلیل ایضاً را به همراه مثالی تبیین نمایند. ص ۲۷۰ - ۲ نمره

جواب: در اعلی رتبه، شرما گاهی شرما متعلق است مثل دعا هنگام عقی و گاهی شرما متعلق است مثل ایصال برای رقیه، در صورت اول برات جاری می‌شود زیرا قیودیت دعا هنگام عقی یعنی امر به تقیید عقی به دعا پس شک در حدیث، نه شک در وجوب تقیید بر می‌گردد و برات جاری می‌شود ولی در صورت دوم برات جاری می‌شود زیرا قیودیت ایمان برای رقیه به دلیل اینکه غیر اختیاری است (مغفور نیست) به معنای امر به تقیید نیست [چون قیودت شرما تکالیف است] در نتیجه شک در قیودیت به شک در وجوب تقیید بر نمی‌گردد تا برات جاری نشود.

۱۲- اعتراض اید الله خوری (ره) را در عبارت «اعتراض السید الاستاد یانه یلزم فی التعریف ان یکون تاماً علی کل الاتجاهات و الحال ان بالحدوث» بر تعریف استصحاب بالحکم ببناء ما کان لیس كذلك و بالنسب اعتراض کون الاستصحاب اصلاً اذ علی الامارة یلزم تعریف بالیقین

الجواب: اید الله خوری (ره) به تعریف مشهور از استصحاب اشکال می‌کند که ملامت با تمام مثالی در استصحاب نیست زیرا برخی استصحاب را اصل علمی می‌دانند و برخی استصحاب را امره و این تعریف مناسب با اصل بودن است و تعریف مناسب برای کسانی که استصحاب را امره می‌دانند. یقین به حدوث برات یقین به حدوث امره است برای قاء سابق، نقد شهید ص ۲۵۱. در حقیقت امره بر بناء سابق، خود حدوث است نه یقین به حدوث زیرا یقین قفاً طریق است ۲. هر جد که

حدوث امره است برای قاء سابق، نقد شهید ص ۲۵۱. در حقیقت امره بر بناء سابق، خود حدوث است نه یقین به حدوث زیرا یقین قفاً طریق است ۲. هر جد که دو سبب در حقیقت استصحاب است اما هر دو حکم ظاهری هستند در نتیجه می‌توان به عنوان جامع در تعریف استفاده نمود که هر دو سبب را شامل شود. [نقد دیگر در کتاب]

۱۳- برخی اشکال کرده‌اند که صحیحه وزراء، قلت له، ال رجل یام و هو علی وضوء، التوجیب الحقیقة و الخفتان علیة الوضوء... قال: لا، حی یستقیان آیه قد نام... و لا یقتضی الیقین ایداً بالمشک، ناظر به قاعده مقتضی و مانع است نه استصحاب، دلیل آن‌ها را به همراه یک نقد بنویسید. ص ۲۸۰ - ۲ نمره

جواب: اشکال: با توجه به اینکه در روایت، یقین به وضوء تعلق گرفته و وضوء نیز از آن الحصول است، در نتیجه بقالی ندارد که در آن شک کنیم بلکه وضوء، مقتضی طهارت است. بنا بر این یقین به مقتضی طهارت تعلق گرفته است و شک متعلق به حدوث مانع است، جواب: همانطور که وضوء برای غسل و مسح استعمال می‌شود به معنای طهارت نیز استعمال می‌شود و شاهد آن اینکه در روایت آمده: «یام و هو علی وضوء» و از حدت به ناطق وضوء تغییر شده است و ظهور در «لا یقتضی الیقین بالمشک» در وحدت متعلق یقین و شک استصحاب را متعین می‌کند.

۱۴- ارکان استصحاب را نام ببرید. ص ۲۸۲ - ۱ نمره

جواب: ۱. یقین به حدوث ۲. بناء ۳. وحدت قیة مشکوک و متشکی ۴. ترتیب اثر بر بناء، حالت سابق

۱۵- موارد از «جهتیت قیودیه» و «جهتیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۸۵ - ۲ نمره

جواب: قیودی که عرفاً مفهوم موضوع هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید همدان کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام نامش از قید ضیف بودن است و پس از انقضاء قید، حکم می‌کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب حدید را اقامه وجوب قبل نمی‌داند؛ چون «ضیف بودن» را مفهوم موضوع می‌داند. این قیود را جهتیت قیودیه می‌نامند. قیودی که عرفاً مفهوم موضوع نیستند مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الیا، الصغیر بالخاصة متنجس» در این صورت، «صغیر» قید تنجس است؛ حال اگر کسی تمیز فعلی باشد و بالمثل بوی بول بدهد، بقیاً حکم تنجس موجود است، اگر این تمیز قبلاً زایل شد و دیگر این بوی بول نماند، عرف همچنان اب را متنجس می‌داند این قیود را جهتیت تعلیلیه می‌نامند.

شماره پرسش	تاریخ	گروه	
۱۳۸۳	۱۳۸۳/۸/۱۹	گروه ۲	
تعداد پرسش	تعداد پاسخ	تعداد پاسخ صحیح	تعداد پاسخ نادرست
۱۳	۱۳	۱۳	۰

امتحان تخصصی ترم حضوری

سال ۱۳۸۳ - ۱۳۸۴

شماره پرسش: ۱۳

۱- قاعده اولیه در صورت شک در تکلیف شرعی، بنابر قاعده قبح بالاین چیست؟ مس ۲۶۹ و ۲۷۰

الف. برات

ب. استحباب

ج. قاعده عقلی

د. احتیاط شرعی

۲- حکم در مسأله «شخصی شک دارد روزه بگیرد یا نه زیرا شک دارد امروز روز اول ماه رمضان است» از حیث اصولی کدام است؟ مس ۲۵۶

الف. شک در تکلیف و مجزای استیصال

ب. شک در مکلف به و مجزای برات

ج. شک در مکلف به و مجزای استیصال

د. شک در تکلیف و مجزای برات

۳- اگر مکلف قبل از علم اجمالی به «یک طرف از علم اجمالی» مضطر شود، کدام یک از ارکان علم اجمالی مختل است؟ مس ۲۶۵

الف. رکن اول

ب. رکن دوم

ج. رکن سوم

د. رکن چهارم

۴- با توجه به عبارت «اذا علمنا ان السورة جزء ولكن شكنا في عمومها للمريض أو اختصاصها بالصحیح» نسبت به وجوب سوره براتی مریض چه حکمی جاری می‌شود؟ مس ۳۲۸ و ۳۲۹

الف. استحباب

ب. احتیاط

ج. برات

د. توقف

۵- در کدام مورد «تقصیقین» تکوینی است؟ مس ۲۷۷

الف. قاعده مقتضی و مانع

ب. اصل استحباب

ج. قاعده یقین

د. اصل استیصال

۶- آیا کلمه «النسک» در روایت زره (که می‌فرماید: لا تنقض یقین بالنسک ابدا) شامل حالت ظن می‌شود؟ چرا؟ مس ۲۸۳

الف. نعم، تقریبه مورد الروایة و كون السائل غائبا بالحدث.

ب. نعم، تقریبه قوله «و لكن اقتضه یقین آخر»

ج. لا، لتبوع العلم بالمتعین و غیر المتعین.

د. لا، لان النسک لا یتمثل العقل وضما.

۷- نحوه استدلال به ایه شریفه «قل لا اجد فی ما اوحی الی حصرها علی طاعم یطعمه الا ان یكون صیفة او ذما مستوفحا...» (البقره ۱۷۵) بر برات شرعی را توضیح داده، شهید صدر (ره) چه اشکالی بر این استدلال وارد می‌کند؟ مس ۲۴۳ - ۲۴۴

جواب: در این ایه، خداوند متعال نحوه محتاجه او محتاجه را به پیامبر می‌آموزد. خداوند نحوه اثبات برات و عدم حرمت را «عدم وجان» و «یقین دلیل» بیان می‌کند و این نشان از آن است که «یقین دلیل بر حکم شرعی» کافی است در تأمین و عدم عقاب و این همان اثبات «برات شرعی» است.

شکال: یقین پیامبر در وحی الهی، به معنای عدم وجود حکم است؛ یعنی هر چه که بر پیامبر وحی شود و حرمتش به پیامبر اعلام نگردد، تر واقع حرام نبوده و حکم حرمت برایش تشریع نشده است. نمی‌توان این قصیه را قیاس کرد یا «یقین مکلف» که احتمال دارد به خاطر از بین رفتن تصویب باشد. (به عبارت دیگر: مکلف نمی‌تواند پس از فحوص و یامی بگوید: «چون من یاقیم پس این چیز در واقع حرام نیست و اصلا حرمتی جعل نشده است»؛ چرا که شاید حکم جعل شده و به ما نرسیده باشد. پس این ایه - که آیات عدم جعل می‌کند - با آیات یا نفی برات شرعی، بیگانه است.)

امتحان مشترک عمومی اختصاصی نیمه حضوری - اسول فقه ۴ - کد: ۳۹۴۱۳۹

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

تاریخ: ۹ صبح ۱۵ روز ۷۰ دقیقه

شماره پام صحیح اول	نمبر عدد	نمبر حرفت
شماره پام صحیح دوم	نمبر عدد	نمبر حرفت

نیم سال دوم ۹۷-۹۶

پایه چهارم ۵ ساله
پایه ششم ۷ ساله

مهر مدرسه

کرتاب:	۲۹۶۲/۲۴
تاریخ:	۱۳۹۷/۰۴/۰۳
مکان:	اصول فقه ۳
کتاب:	دروس فی علم الاصول «الحلقه الثانية - ايراني»
موضوع:	از ابتدای دلیل شرعی غیر لفظی تا ابتدای اصول عملیه (ص ۲۲۰-۱۵۱)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: مدرسه علمیه: شهرستان: استان:

۱- در چه صورتی عمل معصوم (علیه السلام) دلالت بر رجحان عمل دارد؟ ص ۱۵۱

..... / ۵

- الف. اذا لم یحتمل اختصاص المعصوم فیه
- ب. اذا یقترن بقرینة تدل علی عدم الحرمة
- ج. اذا لم یصح استناد ترک الاولی الیه
- د. اذا احرز فعل المعصوم بدافع شرعی

۲- قائلین به «عدم حجیت خبر واحد» به کدام آیه شریفه تمسک کرده‌اند؟ ص ۱۷۲

..... / ۵

- الف. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ ...»
- ب. «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ»
- ج. «مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا»
- د. «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ»

۳- امر مولا به چه نحو باشد حکم به نحو «تخیر عقلی» است؟ ص ۲۰۵

..... / ۵

- الف. اطلاق افرادی
- ب. اطلاق شمولی
- ج. اطلاق بدلی
- د. عموم

۴- نظر شهید صدر (ره) درباره «عقل عملی» و «حسن و قبح» به ترتیب چیست؟ ص ۲۱۷

..... / ۵

- الف. مدرک - واقعی
- ب. منشی - واقعی
- ج. منشی - اعتباری
- د. مدرک - اعتباری

۵- عبارت «ان السیره المتاخرة معاصرة ایضاً للمعصوم (علیه السلام) رغم کونه غائباً، باعتبار انه موجود یسمع و یری» در صدد اثبات چیست؟

..... / ۲

یک جواب شهید صدر (ره) از آن را بنویسید. ص ۱۵۴ - ۲ نمره

جواب: یکی از شروط حجیت سیره، امضاء و در نتیجه معاصرت با معصوم (علیه السلام) می باشد که این عبارت در صدد است که با توجه به وجود حی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در حال حاضر نیازی به اثبات معاصرت تا زمان معصومین (علیه السلام) نیست. (۱ نمره) جواب شهید صدر (ره): الف. اگر کاشفیه سکوت از امضاء را به نکته عقلی بدانیم با توجه به اینکه حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مکلف به نهی از منکر و تعلیم جاهل در زمان غیبت نیست در نتیجه سکوت ایشان دلالت بر امضاء ندارد. (و غرض هم به درجه ای نرسیده است که به خاطر حفظ آن از طریق غیر طبیعی وارد شود) ب. اگر کاشفیه سکوت از امضاء را به نکته استظهاری بدانیم مناط استظهار حال معصوم است که در زمان غیبت از سکوت، امضاء استظهار نمی شود.

۶- عبارت «ان نمو الاحتمال الموافق فی التواتر اسرع من الاجماع لان الخطا المحتمل فی المفردات الاجماع قد لایکون متحد المركز بخلافه فی الاخبار الحسیة فانه عادة یکون واحداً» را به همراه مثال تبیین نمایید. ص ۱۶۰ - ۲ نمره

..... / ۲

جواب: احتمال صدق در تواتر زودتر از اجماع حاصل می شود. (به عبارتی برای حصول یقین در منقول امر حسی به تعداد نقل قول کمتری نسبت به منقول امر حدسی نیاز است) و یکی از دلایل آن این است که خطای محتمل در مفردات اجماع غالباً مرکز واحد ندارند بخلاف اخبار حسی که غالباً دارای مرکز واحد هستند. مثلاً اگر تعداد کثیری بگویند دیدیم زید کشته شد و در صورتی که همه خطا کرده باشند بررسی می کنیم می بینیم شخصی بسیار شبیه به زید بوده که کشته شده و این شباهت باعث خطا در همه شده است. یعنی علت خطای یکی است ولی در مقابل در اجماع ممکن است علمای کثیر حکم به وجوب شستن مو در غسل جنابت بدهند در صورتی که عالمی به روایتی ضعیف تمسک جسته و عالمی دیگر طبق مشهور عمل کرده و عالم دیگر به روایتی غیر تام الدلالة عمل کرده است. در نتیجه احتمال خطا به دلیل عدم وحدت مرکز (علت) خطا، در اجماع بیشتر از تواتر است.

۷- تقریب استدلال به آیه شریفه «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» (حجرات: ۶) بر حجیت خبر واحد را بیان کرده و یک اشکال بر آن را ذکر

نمایید. ص ۱۶۶ و ۱۶۷ - ۲ نمره

۲

جواب: در آیه نبأ (که می‌فرماید: اِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا) یک جمله شرطیه آمده که (دارای حکم، موضوع و شرط است) حکم آن «وجوب تبیین» و موضوع حکم «خبر» است و شرط (یعنی شرط ثبوت آن حکم بر این موضوع) عبارت است از اینکه «فاسقی آن خبر را آورده باشد». این جمله شرطیه (به مقتضای مفهوم شرط) دلالت دارد بر اینکه (هرگاه شرط منتفی باشد، تبیین وجوب ندارد؛ لذا) اگر آورنده‌ی خبر، عادل باشد، تبیین واجب نیست (و این بخاطر حجیت خبر عادل است). (۱/۵ نمره) اشکال: ۱. شرط مذکور (یعنی «خبر آوردن فاسق») شرطی است که موضوع‌ساز (و محقق موضوع) است (پس مفهوم‌گیری از این جمله شرطیه امکان ندارد). ۲. (اگر هم از جمله مذکور مفهوم‌گیری کنیم اشکال دیگری پیش می‌آید) در این آیه برای حکم وجوب تبیین، علتی بیان شده (که عبارت باشد از «پرهیز از به جهالت افتادن») که این علت میان همه خبرهای واحد؛ چه خبر عادل و چه خبر فاسق، مشترک است. (۰/۵ نمره)

۸- چهار احتمال در مدلول روایت «من سمع شيئاً من الثواب على شيء فصنعه كان له و إن لم يكن على مابله» را بنویسید. ص ۱۷۴ -

۲ نمره

۲

جواب: ۱. در مقام جعل حجیت برای مطلق بلوغ، ۲. در مقام انشاء و استحباب واقعی نفسی بر طبق مفاد خبر باشد. ۳. ارشاد به حکم عقل به حسن بودن احتیاط، ۴. وعده‌ای مولوی برای مصلحتی در خود وعد (حتی اگر این مصلحت ترغیب به احتیاطی عقلی باشد).

۹- در بحث حجیت ظهور، موضوع حجیت، ظهور تصویری است یا تصدیقی؟ چرا؟ ص ۱۷۹ - ۱ نمره

۱

جواب: موضوع حجیت، ظهور تصدیقی است، زیرا معنای حجیت ظهور، اثبات مراد و مقصود متکلم به وسیله کلام می‌باشد و آن چه از مقصود متکلم پرده برمی‌دارد، ظهور تصدیقی است.

۱۰- اصطلاحات «واجب مشروط» و «واجب معلق» را با ذکر مثال توضیح دهید. ص ۱۹۱ و ۱۹۷ - ۲ نمره

۲

جواب: واجب مشروط: حکمی که تحقق و فعلیت یافتن آن منوط به تحقق بعضی از قیود در خارج است و تا این قیود در خارج محقق نشوند این حکم موجود نمی‌شود. إذا استطعت وجب عليك الحج، اگر مستطیع شدی حج بر تو واجب است. واجب معلق واجبی است که زمان وجوب (فعلیت وجوب) مقدم بر زمان واجب (امثال) باشد؛ مانند اینکه فرض کنیم قبل از زمان وقوف در عرفه مستطیع شود که در اینجا وجوب حج فعلی است ولی امثال آن متوقف بر رسیدن زمان عمل (ماه حج یا ظهر عرفه) است.

۱۱- دو خصوصیت وجوب گیری را با دلیل تبیین نمائید. ص ۲۱۰ - ۲ نمره

۲

جواب: وجوب گیری خصوصیتی دارد؛ از جمله: ۱. مخالفت با وجوب گیری استحقاق عقاب ندارد، ولی مخالفت با وجوب نفسی استحقاق عقاب دارد؛ زیرا استحقاق عقاب، تنها به این جهت ثابت می‌شود که ترک واجب مستلزم تفویت ملاک است و فرض این است که واجب گیری دارای ملاکی در مقابل ملاک واجب نفسی نیست. ۲. وجوب گیری محرکیتی مستقل در مقابل محرکیت وجوب نفسی ندارد. در نتیجه کسی که از امر نفسی تحرک‌پذیری ندارد، ممکن نیست که به جهت امر گیری در او تحرک ایجاد شود، زیرا تعلق اراده مولی به مقدمه، فقط به جهت رسیدن به ذی‌المقدمه است و بدون آن هیچ اراده‌ای برای مقدمه نمی‌باشد.

۷- نحوه استدلال به آیه شریفه «قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» در اثبات شریعه را توضیح داده، شهید صدر این وجه اشکالی بر این استدلال وارد می‌کند: ص ۲۲۰ - ۲

جواب: در این آیه، خداوند متعال نحوه صحیح او را مشخصاً با «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بیان کرده است و این همان اثبات حرات شریعه است. جواب: اشکال این است که باطن پیامبر را نمی‌توان به معنای عدم وجود حکم استناد نمود چه که بر پیامبر وحی نازل و وحی به پیامبر نازل می‌گردد. در واقع تمام نبوت و حکم برایش برایش نازل شده است. سوال این فلسفه را حل می‌کند: «چون من این چیز در واقع تمام نبوت و اصلاح منی است. پس در این معنی باشد. این عبارت دیگر، تکلیف نمی‌تواند پس از نفس و نفس بگوید: «چون من این چیز در واقع تمام نبوت و اصلاح منی است.» چرا که شاید حکم جعل شده و به ما رسیده باشد پس این آیه - با اثبات عدم عمل می‌کند - با اثبات باقی برات شریعه می‌تواند عمل شده است.

۸- اشکال مطرح در عبارت «الإيماني الاول على أدلة البرزخية» می‌باشد. اشکال در این معنی است: «الاشكال الاول في البرزخية» و التقييد حينما يلحق التيهات المحكية ككل يوجد لديه علم إيماني» را توضیح داده، جواب شهید صدر این است: اشکال را بترسیم. ص ۲۲۲ - ۷ - ۲

جواب: اشکال شده که ادله برات در حالی جاری می‌شود که تنگ، بدون باشد به عنوان علم ایمانی در حالی که قطع علم دارد به وجود خداوند تکلیف واقعی - علاوه بر - در بین جمیع شهادت حکمی و با وجود این علم ایمانی در هیچ‌کدام از شهادت حکمی نمی‌توان برات شریعه جاری کرد. پاسخ: قول داریم که قطع فعل از استنباط احکام شرعی از ادله علم ایمانی به وجود حکم سرری تکلیف واقعی دارد، ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله علم ایمانی، منحل می‌شود به «علم قطعی» به این مقدار که تکلیف از تکلیف استنباط شده نیز کمتر از مقدار علم بالاجمال نسبتاً و تنگ بدونی» چرا که علم به وجود تکلیف در میان آنها برایش باقی نمی‌ماند و تنگ در این باقی بدونی است. عمل امرای برات شرعی است.

۹- برخی از ادله «برایات شرعی» اطلاق داشته و شامل تنگ قبل از نفس نیز می‌شود. با این وجود، شهید صدر این اصل را مشروط به نفس می‌داند و سه دلیل بر مدعای خود ارائه کرده است. دو دلیل آن را بترسیم. ص ۲۲۳ و ۲۲۰ - ۲

جواب: [۱] - چون که شهید صدر (ره) می‌فرماید: «حارثه از [۱] یعنی از ادله برات شریعه ثابت می‌کند. مسئولیت و تبعیت را در صورتی که قطعی بر تکلیف، در برخی وصول بوده که با نفس به دست می‌آمده است. [۲] - هر ما نمی‌توانیم منی تحت رسوای که برای اثبات برات شریعه به آن استدلال شده است. گفتیم که «هیت رسول» مثالی است برای بیان حکم. پس عدم باقی که در محل وصول تکلیف باشد، عایت است برای عدم عتاب پس هر جا جزی پیش باشد استنباطی عتاب نیز ثابت است و تکلیف تنگ. قبل از نفس احتمال تحقق بیان و تحقق عایت را می‌دهد پس باچار از نفس است. [۳] - تکلیف علم ایمانی دارد به وجود تکلیف در بین شهادت حکمی این علم ایمانی با «فهمی» منحل می‌شود به «علم قطعی» و تنگ بدونی که تکلیف بدونی منحل جریان اصل برات است. پس بدون نفس، منحل برای امرای اصل برات نیست. [۴] - روایاتی داریم که در مورد قطع در مورد قیامت که تنگ بدونی منحل جریان اصل برات است. پس بدون نفس، منحل برای امرای اصل برات نیست. [۵] - چون [۱] تکلیف علم ایمانی» سوال می‌شود که «چرا برای دانش ایمانی از تکلیف می‌برسند» «چرا عمل نکردی [۱] تکلیف»؟ جواب می‌دهد: «چون [۱] تکلیف علم ایمانی» سوال می‌شود که «چرا برای دانش ایمانی نکردی»؟ چنین روایاتی قید می‌زاید: «الاما تطلق الامانة مع ادلة البرات را و ثابت می‌کند که «تنگ بدونی» غیر شرعی و رافع عقاب نیست. ص ۲۲۴ - ۲

۲۵۶ - ۲ - ۲

جواب: دین چهارم برای تخریب علم ایمانی این است که علم ایمانی باید به گویای باشد که اگر در همه اطراف آن، اصل برات را جاری کنیم در محقق می‌شود. حکم به جواز مخالفت قطعی کرده باقیم و در مقام عمل نیز مخالفت قطعی ممکن باشد، اما در این مثال دین چهارم محقق نمی‌شود. اگر علم ایمانی داریم که در مورد دین نیست کافر، تکلیف الزامی صادر شده است، اما نمی‌توانیم که آن تکلیف، آیا «موجب دین» است یا «محرک دین» است. در اینجا نیز بین محدودیت است که حتی اگر در هر دو طرف شبهه واجب و مباح برات جاری کنیم باز هم به مخالفت قطعی گرفتار می‌شویم. چون در این مثال، مخالفت قطعی - همانند موافقت قطعی - شمال است، چرا که در مقام عمل با دین صورت می‌گیرد - که با وجوب سازگار است - و با دین ترک می‌شود - که با حرمت سازگار است. [۱]

بالجانبہ منجس» در این صورت، «تپو» قید نجس است؛ حال آنکه این قید فاسی داشته باشد و بالفعل بوی بول بعد یقیناً حکم نجس موجود است، اگر این تپیر عملاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نماند، عرف همچنان آب را منجس می‌داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می‌نامند.

۱۲- مواد از «حیثیت تقیدیہ» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراہ مثال توضیح دهید. ۲۷۹ و ۲۸۰

مطلوب است، ولی در استنباط بر اساس «غلبه اینکه حادث باقی می‌ماند» است.

۱۱- قاعده «مقتضی و مانع چیست؟» و یک فرق آن با «استصحاب» را بنویسید. ۳۲۷ ص ۱۵

جواب: قاعدهی مقتضی و مانع تعدداتی است که می‌گوید هرگاه مقتضی برای چیزی متجز و متین بود و شک کردیم که آیا مانعی که جاری تأثیر این مقتضی را ببرد آید یا خیر، باید تا گمانت بر عدم آن مانع و مانع مقتضی و وجود مقتضی ملاً یقین به وجود دلیل بر وجوب نماز جمعه داریم و شک داریم که آیا زمان غیبت مانع از استمرار این وجوب در این زمان هست یا خیر، یا می‌گوییم بر عدم مالیت و حکم می‌کنیم به وجوب جمعه و لکن ما آخر مقتضی مثل شرب سم کرده باشیم و بعد شک در وجود مانعی مثل شرب دیوان مانع از این مقتضی بکنیم بر اساس این قاعده بنا بر انتزاعی مانع گذاشته می‌شود و لذا مقتضای منی موت ثابت می‌شود.

۹- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور الی استحقاق جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالي، لآنها ترجیح فی المخالفة القاطمیه» را توضیح داده، جواب شهید صدر را بر آن را بیان کنید. ۲۲۷ و ۲۴۸

جواب: مشهور علما معتقدند جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی محال است زیرا وجوب علم (یا او اجمالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم اجمالی به آن داریم پس اگر بتوان در اطراف برائت را جاری کرد لازماً منافی این است که بتوانیم با آن حکم بالاجمال مخالفت قضا کنیم و این مسیبت حرام است زیرا قبح است عقلاً در نتیجه ترجیح مخالف حکم عقل نیست بلکه موضوع آن رایج می‌گردد، و اگر بگوییم حکم عقل مانع نیست از ادعای بودن دلیل است.

۸- بعضی به دلیل وحدت سابق در حدیث رفع قائل به اختصاص «رفع ما لا یصلحون» به شبهه موضوعیه شده‌اند، کیفیت استنباط آنها را بنویسید. ۳۲۴ ص ۱۱

جواب: اسم موصول یعنی کلمه «هنا» در این حدیث چهار بار تکرار شده که در سه مورد آن «ما اکرموا علیہ و ما لا یصلحون» و ما استلوا الیه» مراد از آن موضوع خارجی و یا فعل خارجی است نه تکلیف و لذا برای حفظ وحدت سابق همانایی در «ما لا یصلحون» هم حمل بر موضوع خارجی می‌شود و لذا مختص به شبهه موضوعیه خوانده شد.

امتحانات متمرکز عمومی (محلخ ۲)

بسم الله الرحمن الرحيم
 ۱۴۰۲ هـ ق
 ۱۴۰۲ هـ ق

ردیف	نام خانوادگی	شماره	تاریخ تولد
۱			
۲			
۳			

کتابت	۱۳۹۷/۱۲/۲۶
تاریخ	۱۳۹۷/۸/۲۲
محل	اصول فقه ۲
کتاب	الحائضه الحائضه
موضوع	ارتباط مناسبات مناسبات مناسبات

نام خانوادگی: شماره:
 کد ملی: شماره پرسنلی:
 شماره: ۴۰

۱- به نظر شهید صدر \llcorner قاعده اولیه و ثانویه در «شک در تکلیف» به ترتیب چیست؟ ص ۳۱۷ و ۳۱۹

- الف. احتیاط عقلی و برائت عقلی
- ب. برائت عقلی و برائت شرعی
- ج. احتیاط عقلی و برائت شرعی
- د. برائت شرعی و احتیاط عقلی

۲- شک در «وجوب نماز آیات» به واسطه خسوف، شک در تکلیف است یا مکلف به؟ مجرای چه اصلی است؟ ص ۲۴۰

- الف. تکلیف - برائت
- ب. تکلیف - اشتغال
- ج. مکلف به - برائت
- د. مکلف به - اشتغال

۳- در مثال «اذا أتى المكلف بفعل مترسلاً ثم علم إجمالاً بأن الشارع أوجب عليه إماماً هذا الفعل أو فعل آخر، فعلى الأول يكون التكليف قد سقط بالإيمان بالمكلف به و على الثاني يكون ثابتاً فالتكليف لا يعلم ثبوته فعلاً» کدام یک از ارکان اربعه منجزیه علم اجمالی اختلال پیدا کرده است؟ ص ۲۵۲

- الف. الرکن الأول
- ب. الرکن الثاني
- ج. الرکن الثالث
- د. الرکن الرابع

۴- کسی مقداری انگور دارد و یقین دارد که «هذا الغنم اذا غلى حرم». پس از مدتی انگورها تبدیل به کنشش می‌شوند و شک می‌کند که «هذا الزبيب اذا غلى حرم أو لا؟». این مورد، مثال برای کدام استصحاب است؟ ص ۲۸۸

- الف. استصحاب مجهولة التاريخ
- ب. استصحاب کلی قسم سوم
- ج. استصحاب تفریجات
- د. استصحاب تلبیغی

۵- مثال «اذا كان على يقين من نجاسة يوم السبت فشكل يوم الاحد في نجاسته يوم السبت» مجرای کدام قاعده یا اصل است؟ ص ۳۱۷

- الف. اصل برائت
- ب. قاعده یقین
- ج. اصل استصحاب
- د. قاعده مقتضی و مانع

۶- تعارض بین «اذا خیر برائت عقلی» یا «اذا خیر واحد» به چه نحو است؟ ص ۲۰۵

- الف. ظاهر و نص
- ب. مورد و وارد
- ج. عام و خاص
- د. محکوم و حاکم

۷- نحوه استدلال به آیه شریفه «قُلْ لَا أُجِدُّ فِي تَأْوِيلِ آيَاتِ كِتَابِي...» (تبار، ۱۳۵) بر براهین شرعی را توضیح داده، شهید صدر (ره) چه اشکالی بر این استدلال وارد می‌کند؟ ص ۲۲۰-۲۲۰ تیره

جواب: در این آیه خداوند متعال نحوه صحابه (و مباحثه) با عبود را به پاسبر می‌آمورد. خداوند نحوه اثبات براهین و عدم حرمت را «همم و حلاله» و «مباحثه دلیل» می‌کند و این نشان از آن است که حیثیت دلیل (بر حکم شرعی) کالی است در نامن و عدم عقاب و این همان اثبات براهین شرعی است. جواب اشکال این است که نیایش پاسبر بر وجهی الهی، به معنای عدم وجود حکم است، یعنی هر چه که بر پاسبر وحی نشود و حرمتش به پاسبر اعلام نگردد، در واقع حرام نبوده و حکم حرمت برایش شرع نشده است. نمی‌توان این قضیه را قیاس کرد با «مباحثه تکلیف» که احتمال دارد به خاطر از بین رفتن خصوص باشد. (به عبارت دیگر، تکلیف نمی‌تواند پس از فحوص و تأسیس بگردد، «چون من یاطبق پس ان چیز در واقع حرام نیست و اصلاً حرمتی جعل نشده است»؛ چرا که شاید حکم جعل شده و به ما نرسیده باشد. پس این آیه - که اثبات عدم جعل می‌کند - با اثبات باقی براهین شرعی، بیگانه است.)

۸- اشکال مطرح در عبارت «الاعتراض الاول علی أدلة البرائة الشرعية هو أن هذه الأدلة إنما تتصل حالة التمسك بالبدوی لا المقنن بعلم إجمالي، و التقیه حینما یلاحظ الشبهات المحکمیه ککلی یوجد لیه علم إجمالي» را توضیح داده، جواب شهید صدر (ره) از این اشکال را بنویسید. ص ۲۲۲-۲۲۲ تیره

جواب: اشکال شده که ادله براهین در جایی جاری می‌شوند که شک، بدوی باشد نه مقنون به علم إجمالي؛ در حالی که فقه علم دارد به وجود تعدادی تکلیف واقعی - مثلاً در نا - در بین مجموع شبهات حکمی و با وجود این علم إجمالي. در هیچ‌کدام از شبهات حکمی نمی‌توان براهین شرعی جاری کرد. یستخرج فیقول داریم که فقه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله علم إجمالي به وجود یک سری تکلیف واقعی دارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، آن «علم إجمالي» منحل می‌شود به «علم تفصیلی» به این مقدار از تکلیف که استنباط کرده. (و آن تکلیف استنباط شده نیز کمتر از مقدار معلوم بالاجمال نیست) و «شک بدوی» در مباحث شبهات، چرا که علم به وجود تکلیف در میان آنها برایش باقی نمی‌ماند (و شک در این مباحث بدوی است) که محل اجرای براهین شرعی است.

۹- برخی از ادله «براهین شرعی» اخلاق داشته و شامل شک قبل از فحوص نیز می‌شود؛ با این وجود، شهید صدر (ره) این اصل را مشروط به فحوص می‌داند و سه دلیل بر مدعای خود ارائه کرده است، دو دلیل آن را بنویسید. ص ۲۲۹ و ۲۲۰-۲۲۰ تیره

جواب: (سه جوابی که شهید صدر (ره) می‌فرماید عبارتند از) ۱. بعضی از ادله براهین شرعی ثابت می‌کند مشروطیت و مدیونیت را در صورتی که باقی بر تکلیف، در معرض وصول بوده، که با فحوص به دست می‌آمده است. اصل آیه «و ما کانا معصبین حتی نبعث رسوله» که برای اثبات براهین شرعی به آن استدلال شده است، گفتیم که «حمت رسول» مثالی است برای بیان حکم پس «عدم باقی» که در محل وصول تکلیف باشد، غایت است برای عدم عقاب پس هر جا چنین باقی باشد استحقاق عقاب نیز ثابت است و تکلیف شاک، قبل از فحوص، احتمال تحقق بیان و تحقق غایت را می‌دهد پس باچار از فحوص است. ۲. تکلیف علم إجمالي دارد به وجود تکلیفی در بین شبهات حکمی. این علم إجمالي با «فحوص» منحل می‌شود به «علم تفصیلی» و «شک بدوی» که شک بدوی محل جریان اصل براهین است. پس بدون فحوص، محلی برای اجرای اصل براهین نیست. ۳. روایاتی داریم دال بر وجود علم در روز قیامت از تکلیف می‌رسند: «چرا عمل نکردی (به تکلیف)؟» جواب می‌دهد: «چون (به تکلیف) علم نداشتم» - سؤال می‌شود که «چرا برای دانش تلاش نکردی؟» چنین روایاتی قید می‌زند اطلاق (ادعا شده در) دلیل براهین را و ثابت می‌کند که «شک بدون فحوص» علم شرعی (و واقع عقاب) نیست.

۱۰- رکن چهارم برای «تفخیر علم إجمالي» را بیان کرده، اختلاف این رکن در «دوران امر بین معذورین» را با مثالی تبیین کنید. ص ۲۵۶-۲۵۶ تیره

جواب: رکن چهارم برای تفخیر علم إجمالي، این است که علم إجمالي باید به گویای باشد که اگر در همه اطراف آن، اصل براهین را جاری کنیم در حقیقت، حکم به جواز مخالفت ظلمیه کرده باشیم و در مقام عمل نیز مخالفت ظلمیه ممکن باشد؛ اما در این مثال رکن چهارم متحقق نمی‌شود. اگر علم إجمالي داریم که در مورد دین میت کافی، تکلیف الزامی صادر شده است؛ اما نمی‌دانیم که آن تکلیف، آیا «موجب دین» است یا «حرمت دین». مطلب در اینجا دال بر بین معذورین است که حتی اگر در هر دو طرف شبهه (یعنی حرمت) براهین جاری کنیم باز هم به مخالفت ظلمیه گرفتار نمی‌شویم (چون در این مثال، مخالفت ظلمیه - همانند موافقت ظلمیه - شمال است؛ چرا که در مقام عمل، با دین صورت می‌گیرد - که با وجوب سازگار است - و با دین ترک می‌شود - که با حرمت سازگار است) -

امتحانات مرکز عمومی (ع)

اصول فقه ۱-۲
۹۳ صفحه
۹۳ عدد سؤال

پاسخنامه

کتاب	۹۳۲۲/۱۸
نوع	۱۳۹۱/۱-۲۷
نویسنده	اصول فقه ۴
موضوع	مدرس فی علم الاصول (اصول فقه)
تعداد صفحات	۹۳ (۱۳۹۱ تا ۱۳۹۰)

نام و نام خانوادگی	شماره	کلاس	شماره	نام

- ۱- در استدلال به حدیث رفع، بر براءت شرعی، کدام گزینه با نظر شهید صدر (ره) سازگار نیست؟ ص ۲۲۳ تا ۲۲۵
- الف. آن وحدة السیاق تقتضی کون المصادیق من نسخ واحد. ص ۲۲۴
 ب. الرفع فی الحدیث یكون رفعاً ظاهرياً بمعنى تأمین الشك.
 ج. الاطلاق يقتضی شمول الحدیث للشبهة الموضوعية والحکمية.
 د. یسکن ان يُراد به «ما لا یعلمون» التکلیف المشکوک فی کتا الشبهین.
- ۲- به نظر شهید صدر (ره) جریان اصول مؤتمنه در اطراف «علم اجمالی» ثبوتاً و اثباتاً به ترتیب چه حکمی دارد؟ ص ۲۴۷ و ۲۴۹
- الف. محال عقلاً - محال عقلاً
 ب. ممکن عقلاً - محال عقلاً
 ج. ممکن عقلاً - محال عقلاً
 د. ممکن عقلاً - ممکن عقلاً
- ۳- اگر علم اجمالی به وجود تکلیف در بین چند امر را به آن امور سرایت نداده و علم را فقط منجز جامع بدانیم: آنگاه طبق مسلک «قیح عقاب بلا بیان» و مسلک «حق الطاعة»، حکم عقلی به ترتیب چه خواهد بود؟ ص ۲۴۷
- الف. وجوب موافقت قطعی - وجوب موافقت قطعی
 ب. جواز مخالفت قطعی - وجوب موافقت احتمالی
 ج. جواز مخالفت احتمالی - جواز مخالفت احتمالی
 د. وجوب موافقت احتمالی - وجوب موافقت قطعی
- ۴- در کدام گزینه، حیثیت کشف بر اساس «غلیه أن العادث یبقی» استوار است؟ ص ۲۶۷
- الف. قاعده یقین
 ب. قاعده تجاوز
 ج. اصل استحباب
 د. قاعده مقتضی و مانع
- ۵- آیا کلمه «الشک» در روایت زراره (که می فرماید: لا تنقض الیقین بالشک ابدأ) شامل حالت ظن می شود؟ چرا؟ ص ۲۷۷
- الف. نعم؛ بقرینه مورد الروایة و کون السائل ظاناً بالحدث.
 ب. نعم؛ بقرینه قوله «لو لکن انقضه یقین آخر».
 ج. لا؛ لتنوع الظن بالمعتبر و غیر المعتبر.
 د. لا؛ لان الشک لا یشمل الظن وضعاً.
- ۶- دلیل عدم جریان اصول عملیه هنگام وجود دلیل محرز قطعی چیست؟ ص ۳۱۹
- الف. ورود دلیل محرز بر اصل
 ب. حکومت دلیل محرز بر اصل
 ج. دلیل محرز، تخصصاً خارج است.
 د. چون دلیل محرز اهم است از اصل.

۸- عبارت «الاعتراض الاذن علی أدلة البرائة الشرعیة هو أن الأدلة خاصة بمورد الشک المبرور دون المقنون بالعلم الاجمالی و واضح ان القیبه لو لاحلا جمیع الشبهات حاصل له علم اجمالی ثبوت تکالیف فلا یمکن اجراء البرائة» را شرح داده و جواب شهید (ره) از اشکال را بنویسید. ص ۲۳۲ و ۲۳۳ - ۲ نمره

جواب اشکال اولی که به ادله برات وارد کرده این است که این ادله برات در جایی جاری می‌شود که تک بیوی باشد نه مطلق. به علم اجمالی و در شبهات حکمیة تک مطلق به علم اجمالی است چون قیبه وقتی به مجموع شبهات حکمیة نظر می‌کند مثلاً اگر کسی تا شبهه دارد یعنی دارد یک سری تکالیف واهی در میان آن‌ها وجود دارد که مثلاً کمتر از پنج تا نیست و با وجود این علم اجمالی، جاس برای اجرای برات شرعی در هیچ کدام از این شبهات حکمیة که هر یک از آن‌ها از اطراف این علم اجمالی هستند باقی نمی‌ماند.

جواب شهید (ره) بله، قیبه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله علم اجمالی که وجود یک سری تکالیف واهی دارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، آن علم اجمالی منحل می‌شود به علم تفصیلی به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده و کمتر از معلوم بالااجمال او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود تکالیفی در میان آن‌ها برایش باقی می‌ماند و لذا شک در این مابقی بدوی است و جایی برات شرعی.

۹- وجه عدم شمول ادله برات نسبت به تکلیف مشکوک استصحابی و گراهمی چیست؟ ص ۲۴۰ - ۱ نمره

جواب: زیرا اگر هدف از اجرای برات، اثبات ترحیمی در ترک است، این ترحیمی در امور استصحابی و گراهمی، بقیض است و نیازی به اصل برات ندارد و اگر هدف از اجرای برات، اثبات عدم رجحان احتیاط است، این بقیض البطلان است چون احتیاط علی ای حال راجح است.

۱۰- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور الی استحالة جریان البرائة فی کل اطراف العلم الاجمالی، لأنها ترحیمی فی المخالفة القطعیة» را توضیح داده، جواب شهید صدر (ره) بر آن را بیان کنید. ص ۲۴۲ - ۲ نمره

جواب: مشهور، علما معتقدند جریان اصل برات در تمام اطراف علم اجمالی منحل است زیرا وجود علم (ولو اجمالی) بقیض استلزام حکمی است که علم (اجمالی) به آن داریم پس اگر بدون در اطراف، برات را جاری کرد، لازمیاتی این است که بتوانیم با آن حکم بالااجمال مخالفت فعلی کنیم و این معصیت حرام است شرعاً و قبیح است عقلاً در نتیجه ترحیمی منحل است، جواب شهید صدر (ره) باید در نوع حکم عقلی رفت کنیم در این مورد حکم عقلی منحل است به عدم ترحیمی ظاهری از جانب مولی، در نتیجه ترحیمی مخالف حکم عقلی نیست بلکه موضوع آن راجح می‌کند و اگر بگویید حکم عقلی منحل نیست ازبانی بدون دلیل است.

۱۱- تفصیل در عبارت «و قد یفعل بین أن یکون الشرط محتملاً باحاطة المتعلق و بین کونه محتملاً باحاطة الموضوع» دربارہ جریان برات در شرط مشکوک را در ضمن مثال تبیین نموده، اشکال نموده، جواب صدر (ره) بر آن را بنویسید. ص ۲۴۹ و ۲۵۰ - ۲ نمره

جواب: در خطاب «متعلق» یعنی متعلق، شرطی، رفته است، گاهی شک تلقی می‌گردد به دنا حکم عقلی و گاهی تلقی می‌گردد به سرما ایمان در رفیع در حالت اول برات جاری می‌شود، زیرا رفیع مومن مشاقق و جویب نیست، پس شک در رفیع در ایمان شک در وجوب نیست تا بتوان برات جاری کرد. اشکال شهید هر چند برات جاری نمی‌شود، زیرا رفیع مومن مشاقق و جویب نیست، اما تفریق عقلی بر ایمان رفیع منطقی امر است، پس شک در رفیع بودن ایمان در واقع، شک در رفیع بودن عقلی به ایمان رفیع سفید کردن رفیع به ایمان منطقی امر نیست، اما تفریق عقلی بر ایمان رفیع منطقی امر است، پس شک در رفیع بودن ایمان در واقع، شک در رفیع بودن عقلی به ایمان رفیع است، و از آن جهت که تفریق تحت اختیار حکم است و تلقی وجوب به آن منقول است پس حکم شک در وجوب این تفریق، نسبت به آن برات جاری می‌شود.

۱۲- با توجه به صحیحہ «قلت له الرجل یتام و هو علی وضوء...» چرا برخی قائل شده‌اند که عبارت «و لا یفعل البقیض بالمشک» اقاده عموم نمی‌کند، یک جواب از آن بنویسید. ص ۲۴۹ - ۲ نمره

جواب: استلال برای عدم اقاده عموم زیرا در «لا یفعل البقیض بالمشک» دو احتمال برای «الامر» مطرح است یکی جنس و دیگری عهد که به وضوء بر می‌گردد و اثر در مانع انعقاد اطلاق است. (۱ نمره) جواب: عبارت «فانه علی یقین من وضوءه» ظاهر در تعلیل در امر عرفی است و عرف نیز یقین را به طبیعی یقین حمل می‌کند.

۱۳- با توجه به عبارت «انه فی الشبهة الحکمیة اذا کان الموضوع باقیاً بکامل قیوده فلا یمکن طرور الشک فی البقاء فلا بد من زوال بعضها و معه تختل الوحدة» اشکال به «رکن ثالث استصحاب در شبهه حکمیة» را تبیین کرده، پاسخ تفصیلی ارائه دهید. ص ۲۳۲ - ۲ نمره

۱) نمره | جواب دیگر در کتاب

جواب: اشکال در شبهات حکمیة اگر موضوع کاملاً باقی باشد پس شک در بقاء نیست (مگر به نحو نسخ) و اگر موضوع تغییر کرده است دیگر قسبه متفرقه با قسبه مشکوک وحدت ندارد. جواب: وحدت مشیر در استصحاب وحدت عرفی است نه وحدت دلی به عبارت دیگر قیود عرفی در قسم هستند، قیودی که مضمون موضوع هستند (حقیقه) و قیودی که مضمون موضوع نیستند (حقیقت متفرقه) در اکتلا در قیود اول استصحاب جاری نمی‌شود و در نومی جاری می‌شود.

۱۴- برای «استصحاب حکم منطقی» مثال زده، دلیل مرجوم نائبی (ره) بر عدم جریان آن را بنویسید. ص ۲۶۸ - ۲ نمره

جواب: ما قسبه شرطیه داریم که می‌گوید اگر این انکار، توجیه حرام می‌شود ولی ما شک داریم حال که انکار تبدیل در کسبش شده است این قسبه شرطیه هنوز باقی است یعنی باز هم با علان جنس می‌شود یا نه استصحاب می‌کنیم آن قسبه شرطیه را دلیل مرجوم نائبی (ره) در حکم شرعی فقط جعل و حصول داریم و حمل که شکلی در یافتن نیست (رکن ثانی منحل است) و در حصول نیز یقین به حدوث نداریم (رکن اول منحل است) و اما قسبه شرطیه در عالم تشریع چیزی جز امر مستوع از حمل حرمت بر موضوع مقررگوشود نیست پس اثر شرعی ندارد تا استصحاب قسبه جاری شود.

۱۵- «ورود» را با مثالی توضیح داده و فرق اصلی آن را با «عارض» و «تراجم» بنویسید. ص ۲۷۸ و ۲۸۰ - ۲ نمره

جواب: در ورود تاقی بین دو مجتول است به این نحو که فلیت که حکم با هم تاقی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را فی یا اثبات می‌کند. زیرا فلیت حکم منطقی به تحقق موضوع است، مثال دو مجتول در دو حکم «انا وجد الماء فلیتوبنا الصلاة» و «انا لم نجد الماء فلیتوبم الصلاة» با هم تاقی دارند زیرا هنگامی که آب نداشته باشد موضوع حکم اول منطقی و هر نتیجه حکم فعلی نیست یعنی دو حکم نمی‌توانند با هم فعلی باشند اگر چه دو عمل با هم تاقی ندارند (۱/۵ نمره) فرق در تراض تاقی بین دو مجتول است و در تراجم تاقی بین دو امتثال است ولی در ورود تاقی بین دو مجتول است. (۱/۵ نمره)

۱) ۲)

۲) ۲)

۲) ۲)

۲) ۲)

مجلس	۲۰	شماره	۱۰
تاریخ	۲۰۱۸	شماره	۱۰
موضوع	تعمیرات	شماره	۱۰
تاریخ	۲۰۱۸	شماره	۱۰

امتحانات مرکز عمومی (۲)

سازمان آزمون‌ها و گزینش‌ها
شماره: ۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰
تاریخ: ۱۳۹۷/۰۷/۰۲
موضوع: اصول فقه ۲
کتاب: فقه امامیه در علمای اسلام
موضوع: اصول فقه ۲
تاریخ: ۱۳۹۷/۰۷/۰۲

نام: شماره:

۱۵- شک در وجوب غسل به دلیل «شک در حدث» است یا تکلیف است یا مکلف به؟ مجرای چه اصلی است؟ ۲۲۸

- ۱- شک در وجوب غسل به دلیل «شک در حدث» است یا تکلیف است یا مکلف به؟ مجرای چه اصلی است؟ ۲۲۸
- الف. مکلفه - برائت
- ب. مکلفه - ائتمال
- ج. تکلیف - ائتمال
- د. تکلیف - برائت

۱۶- عدم منجزیت در شبهه غیر مجزوه مستند به چه امری است؟ ۲۲۷

- ۲- عدم منجزیت در شبهه غیر مجزوه مستند به چه امری است؟ ۲۲۷
- الف. خروج برخی از اوزار از محل ائمه
- ب. عدم اوزار وقوع در مخالفت قطعه
- ج. جریان اسائه الوالیه در همه اوزار
- د. حکومت فاعله غیر و حج

۱۸- بنابر نظر شهید صدر (ره) کدام تعریف از «استصحاب» با تمام ابیجانات سازگار است؟ ۲۵۲

- ۳- بنابر نظر شهید صدر (ره) کدام تعریف از «استصحاب» با تمام ابیجانات سازگار است؟ ۲۵۲
- الف. موجهه الحاقه السابقة
- ب. الحکم بقاء ما کان
- ج. البقیه بالحیث
- د. الشک فی القی

۱۹- در کدام مورد «تقیض یقین» تکوینی است؟ ۲۵۳

- ۴- در کدام مورد «تقیض یقین» تکوینی است؟ ۲۵۳
- الف. فاعله مقتضی و مانع
- ب. اصل استصحاب
- ج. اصل ائتمال
- د. فاعله یقین

۲۰- مثال «یقین داریم آب کی سابق، دیگر کی نیست و لکن شک داریم ظهر از کی بودن» خارج شده یا صحیح؟ بر کدام مورد تطبیق می‌کنند؟ ۲۷۱

- ۵- مثال «یقین داریم آب کی سابق، دیگر کی نیست و لکن شک داریم ظهر از کی بودن» خارج شده یا صحیح؟ بر کدام مورد تطبیق می‌کنند؟ ۲۷۱
- الف. شک در تقدم و تاخر
- ب. شک در ترجیحات
- ج. مجهول تاریخ
- د. توارد حالتین

۲۱- نسبت بین دو حکم «ان الشاک فی الرکعة الثانية یجید الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ۲۸۱

- ۶- نسبت بین دو حکم «ان الشاک فی الرکعة الثانية یجید الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ۲۸۱
- الف. ورود
- ب. تقیید
- ج. حکومت
- د. تخصیص

۲۲- کیفیت استلال به آیه شریفه «لا یُکَلِّفُ اللهُ نَفْسًا اُولًا مَا اَتَاهَا» المذوق ۴ بر برائت را پوشش و ائتمال شیخ اعظم (ره) به آن را تبیین

- ۷- کیفیت استلال به آیه شریفه «لا یُکَلِّفُ اللهُ نَفْسًا اُولًا مَا اَتَاهَا» المذوق ۴ بر برائت را پوشش و ائتمال شیخ اعظم (ره) به آن را تبیین
- الف. استلال به آیه شریفه
- ب. استلال به آیه شریفه
- ج. استلال به آیه شریفه
- د. استلال به آیه شریفه

جواب: «ها»ی موصول افلاقی دارد لذا مراد از آن معنای جامع بین فعل و تکلیف است. به این معنا که انسان بر مقابل مال قضا به اندازه‌ای که به او روزی داده می‌شود و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازه‌ای که به او می‌رسد مکلف است. پس قضا شیخ به تکلیفی که به او رسیده است، مسؤول است. اعتراض شیخ (ره): اراده جامع از «ها» ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف احداث شود «ها» مقول محال است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مقول به نسبت بین فعل و مقول به نسبت بین فعل و مقول محال می‌ماند است. و از آن جایی که استعمال افلاقی واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به سباق آیه قبل، «ها» معنی در معنای مال است.

۷- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور الی استحاله جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالي، لأنها ترخیص فی المخالفة القطعیة»

□ □ ۲

را توضیح داده، جواب شهید صدر: «بر آن را بیان کنید» ص ۲۴۲ - ۲ نبره
جواب مشهور علما معتقدند جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی است. زیرا وجود علم او (احتمالی) مقتضی استحال حکم است که علم اجمالی
به آن داریم پس اگر بتوان در اطراف برائت را جاری کرد، لازماً این است که بتوانیم با آن حکم بالاجمال مخالفت قطعی کنیم و این معصیت حرام است شریاً
و قیوح است عقلاً. در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقل نسبت به موضوع آن را رافع می‌کند، و اگر نگویند حکم عقل منافی نسبت ادعایی بدون دلیل است.
نظاری از جانب مولی، در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقل نسبت به موضوع آن را رافع می‌کند، و اگر نگویند حکم عقل منافی نسبت ادعایی بدون دلیل است.

□ □ ۱

۸- مثالی برای علم اجمالی دائر بین «تعیین و تخصیص» نوشته اختلال کدام رکن موجب عدم تنجیح تعیین می‌گردد؟ ص ۲۵۱ - ۱ نبره
جواب: علم ما به وجوب بوده است بین اکران زید هر چند باشد یا اکران زید بوسیله اعداء کتاب (۱۵). اختلال رکن ثالث (۱۵). (نبره)

□ □ ۲

۹- مراد از «هیئت تقدیریة» و «هیئت تعلیلیة» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۳۲ - ۲ نبره
جواب: قیودی که عرفاً مفهوم موضوع هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الصیغ» در این صورت، صیغ بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید چهارم
کسی شده باشد تا وقتی صیغ است، وجوب اکرام ناشی از قید صیغ بودن است و پس از انتفاء قید، عرف حکم می‌کند که وجوب مذکور منافی است؛ لذا اگر زید
از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان حکم به وجوب اکرامش کردند، در این صورت، عرف این وجوب جدید را اذنیه وجوب قلمی نمی‌داند. چون
«صیغ بودن» را مفهوم موضوع می‌داند، این قیود را حیثیات تقدیری می‌نامند. قیودی که عرفاً مفهوم موضوع نیستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اللاء المتغیر بالتحلیف»
متنصص «در این صورت، «تغییر» قید تنجیح است؛ حال اگر ای تغیر قلمی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد، یقیناً حکم تنجیح موجود است. اگر این تغیر فعلاً
زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنصص می‌داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می‌نامند.

□ □ ۲

۱۰- حکم استصحاب «کلی قسم سوم» را در ضمن مثال بیان کرده دلیل حکم را تبیین کنید. ص ۲۷۰ - ۲ نبره
جواب: اگر یقین داشته باشیم که زید وارد مسجد شده و پس از مدتی خارج گردیده است ولی شک کنیم که همزمان با خروج زید و یا قبل از خروجش (یا خالد داخل
مسجد گردید به گونه‌ای که مسجد خالی از انسان نمانده باشد یا نه. چنانچه بخواهیم طبعی انسان را در مسجد استصحاب کنیم این مورد از مضائق استصحاب
کلی قسم سوم خواهد بود [که انضمام فرد اول یقینی و وجود فرد ثانی مشکوک می‌باشد]. در این قبیل موارد، استصحاب جاری نمی‌شود (۱) (نبره) زیرا رکن سوم
استصحاب مختل است و وجود کلی که حدوثش در زمان اول قطعی و یقینی بود [حیثه طبعی ضمن فرد اول] یا وجود کلی که بقاقتش در زمان ثانی مشکوک است
[حیثه طبعی ضمن فرد دوم] فرق دارد و متعلق یقین و شک متحد نیستند (۱) (نبره)

□ □ ۲

۱۱- مراد از قاعده «جمع عرفی» چیست؟ مدارک آن از نگاه شهید صدر (چه امری است؟) ص ۲۸۱ - ۲ نبره
جواب: چنانچه تمایزی بین دو دلیل در نظر عرف مستقر نباشد، به این صورت که یکی از دو دلیل قرینه باشد برای تفسیر آنچه از دیگری اراده شده است، لازم است
با توجه به قریناتی که متکلم برای بیان مقصود خود در دلیل دوم آورده است، در دلیل اول تصرف کنیم. مدارک آن از متکلم دو کلام صادر شود که ظاهر هر یک
با دیگری در تالیف باشد، یکی از آن‌ها در مقام تفسیر دیگری آورده شده باشد، لازم است دلیل مفسر مقدم شود، چه اینکه لازمه فهمیدن مقصود متکلم این است
که از مجموع کلام او همان گونه که خودش اراده کرده است فهمیده شود.

□ □ ۲

امتحانات سمرقند عمومی (سطح ۲)

شماره شناسنامه	۱۵	شماره برگه	۱۰
نام خانوادگی		نام	
شماره ثبت نام		شماره	
شماره کارت ملی		شماره	

شماره	۲۸۶۲/۲۲۲
نام	۱۳۸۷/۵/۱/۸
شماره	۲
شماره	

کلاس: ... گروه: ... شهر: ... شماره: ...

۱- چرا قیاس حتی الطاعة خداوند یا حتی الطاعة بین عقلاء صحیح نیست؟ ۲۲۲

- الف. حتی الطاعة لهم، ذاتی است.
- ب. حتی الطاعة لهم، یقینی است.
- ج. حتی الطاعة لهم، واجب است.
- د. حتی الطاعة لهم، جعلی است.

۲- مراد از موصول در حدیث رفع: «رفع ... ما لا یعلمون ...» چه فرض کرده تا شامل شبهات موضوعیه و حکمییه هر دو باشد؟ ۲۲۸

- الف. تکلیف ظاهری
- ب. تکلیف واقعی
- ج. فعل خارجی
- د. تکلیف فعلی

۳- مثال «أذا كان علی بن یقین من عدالة زيد يوم الخميس فشك يوم الجمعة فی عدالته يوم الخميس» مجرای کدام قاعده است؟ ۲۵۳

- الف. قاعده مقتضی و مانع
- ب. اشتغال عقلی
- ج. قاعده یقین
- د. استحباب

۴- عبارت «قد یفترض وجود موضوع واحد نظراً علیه حاتان متضادان کل واحدة موضوع لحکم شرعی ...» ناظر به کدام گزینه است؟ ۲۷۳

- الف. التک فی التمام و التام
- ب. التک بین المخدومین
- ج. مجولی التاریخ
- د. تدرج الحالتین

۵- عبارت «اعتراض الشیخ الاعظم (ره) بان ارادة الجامع من الموصول فی قوله تعالی: (لا یكلف الله نفساً الا ما آتاهها) الا ان غیر ممکنه لانه یلحاظ التکلیف مفعولاً مطلقاً و یلحاظ المال مفعولاً به ...» فالاولی هی نسبة الحدیث الی بعض الطوارق، و الثانية نسبة المعارف الی المعارف» را تبیین نموده، اعتراض بر چیست؟ ۲۲۵ - ۲۲۶

جواب اعتراض شیخ (ره) اراده جامع از «ما» ممکن نیست، زیرا اگر معنای تکلیف لِحاف شود «ما» مفعول مطلق است به تعبیری؛ لا یكلف الله نفساً الا ما آتاهها، نسبت بین فعل و مفعول مطلق نسبت بین حدیثی الی آتاهها «و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به به تعبیری؛ لا یكلف الله نفساً الا ما آتاهها، نسبت بین فعل و مفعول مطلق نسبت بین حدیثی (تکلیف) و یکی از اشکال آن (تکلیف) است ولی نسبت بین فعل و مفعول به اینگونه نیست و مفعول به یکی از اشکال فعل نیست بلکه معانی آن است. در نتیجه نسبت بین فعل و مفعول مطلق با فعل و مفعول به معانی است، و از آن جایی که استعمال افقا واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به ساقی آیه قبل: «ما» متعین در معنای مال است. (۱۵) (نموده است)

۶- چگونه برخی از کلمه «عینیه» در حدیث: «کل شیء فیہ حلال و حرام فهو لک حلال ابدان حتی تعرف الحرام منه بعینیه فتدعه» برای اختصاص حدیث به شبهات موضوعیه استدلال می نمایند؟ یا مثال تبیین نمایید. ۲۲۰ - ۲۲۰

جواب: لازمه حدیث بر شبهه حکمییه این است که کلمه «عینیه» تأکید صرف باشد برای حتی تعرف الحرام منه، به خلاف صورتی که حمل بر شبهه موضوعیه کرده اند مثلاً «شک دارد این گوشت مذکی است یا میت» و علم اجمالی دارد که گوشت حرامی در کل گوشت‌های شهیر وجود دارد» در این صورت حتی تعرف الحرام منه ناظر به علم اجمالی به حرمت است و بعینیه ناظر به علم تفصیلی به متکوک الحرامه است و با توجه به اینکه حمل بر تأکید خلاف ظاهر است پس حمل حدیث بر شبهه موضوعیه متعین می گردد.



امتحانات مرکز عمومی (سطح ۲)

مجموعه سؤالات: ۱۰-۱۲
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه

ردیف	نام	نمره	مجموعه نمرات
۱	شماره ثبت نام		
۲	نام خانوادگی		
۳	تاریخ تولد		
۴	شماره شناسنامه		
۵	تاریخ تولد		

کتابخانه	۱۳۳۲/۱۰
شماره	۱۳۳۲/۶۶/۱۰
محل	اصول هفتم ۲
گروه	دوره دوم علم الاموال - حلقه باب حروریه
مدرس	راشدان سرگودا ۱۳۳۲/۱۰/۱۳۳۲

نام و نام خانوادگی: کلاس: شماره پرسنلی: شماره ثبت نام:
 شماره پرسنلی: ۱۳۳۲/۱۰/۱۳۳۲

۱- به نظر شهید صدر ایدها قاعده اولیه و ثانویه در تشکیف، به ترتیب چیست؟ (۲۴)

الف. احتیاط عقلی و برائت عقلی

ب. برائت عقلی و برائت شرعی

ج. احتیاط عقلی و برائت شرعی

د. برائت شرعی و احتیاط عقلی

۲- در روایت «ما حجب الله علمه عن العباد فهو موضوع عنهم»، کلمه «العباده» باید چگونه لحاظ شود تا بتوان با آن برائت در تکالیف مشکوک را اثبات نمود؟ (۲۴)

الف. عموم بلی

ب. اطلاق احوالی

ج. عموم مجموعی

د. عموم استثنایی

۳- در دو مورد «خروج یکی از اطراف علم اجمالی از محل ابتلاء» و «شبهه غیر محصوره» به ترتیب کدام یک از ارکان علم اجمالی مختل می شود؟ (۲۶ و ۲۷)

الف. رکن چهارم - رکن سوم

ب. رکن سوم - رکن چهارم

ج. رکن سوم - رکن دوم

د. رکن دوم - رکن سوم

۴- در کدام مورد «تقصیق مناج»

الف. قاعده مقتضی و مانع

ب. اصل اشتجاب

ج. اصل اشتغال

د. قاعده یقین

۵- مثال «یقین داریم آب گر ساقی، دیگر گر نیست و لکن شک داریم ظهور از گر بودن خارج شده یا صحیح» بر کدام مورد تطبیق می کند؟ (۲۴)

الف. شک در تقدم و تاخر

ب. موضوعات مرکب

ج. مجهول التاریخ

د. توارد حالتین

۶- نسبت بین دو حکم «ان الشاک فی الرکعة الثانية بعد الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ (۲۰)

الف. تخصیص

ب. حکومت

ج. ورود

د. تشبیه

۷- استدلال به حدیث «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی» بر «برائت» را تقریر کرده، چه اشکالی بر آن مطرح است؟ (۲۴-۳ نمره)

الف. اشکال: اطلاق سابق لسان دامن است و تخصیص که شک در تکلیف دارد در حق او صدق می کند که بگویند نهی به او نرسیده است. پس علم ورود نهی اقدم وصول نهی است. یعنی بخشی از تکلیف مشکوک است یعنی برائت از تکلیف مشکوک (اصول اشکال) بر معنای «ورود» در روایت. دو احتمال وجود دارد زیرا می توان ورود را به دو نحو احاطا کرد. ۱. وصول به مکلف. ۲. صدور از شارع. با توجه به اینکه دو احتمال در معنای ورود است که در یک معنای نهی تواند برائت ثابت شود. برائت ثابت نیست. (اصول)

۸- در صورتی که در یک حکم «ان الشاک فی الرکعة الثانية بعد الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ (۲۰)

الف. اشکال: اطلاق سابق لسان دامن است و تخصیص که شک در تکلیف دارد در حق او صدق می کند که بگویند نهی به او نرسیده است. پس علم ورود نهی اقدم وصول نهی است. یعنی بخشی از تکلیف مشکوک است یعنی برائت از تکلیف مشکوک (اصول اشکال) بر معنای «ورود» در روایت. دو احتمال وجود دارد زیرا می توان ورود را به دو نحو احاطا کرد. ۱. وصول به مکلف. ۲. صدور از شارع. با توجه به اینکه دو احتمال در معنای ورود است که در یک معنای نهی تواند برائت ثابت شود. برائت ثابت نیست. (اصول)

۸- با توجه به عبارت «لقد يستدل له بوحدة السباق لاسم الموصول» چگونه حدیث رفع مختص به شبهه موضوعیه می‌شود یا بسط آن چیست؟ ص ۲۴۶ - ۲ نمره

جواب: برخی حدیث رفع را مختص شبهات موضوعیه می‌دانند زیرا جمله در «ما الصلوا لله» و فقرات دیگر ظهور در رفع موضوع دارد در نتیجه در «ما لا یصلون» هم به قرینه ساق مراد شبهات موضوعیه است. جواب اسم موصول در تمام موارد به یک معنا است و آن به معنای شیء است و در نهایت می‌توان گفت که معنای همه مختلف است. تفاوت در مساق موجب از پس بران وحدت مساق نیست.

۹- عبارت «الإعراض الأول علی أدلة البرائة الشریعة هو أن الأدلة خاصة بمرور الشک المبدئى دون المتعین بالمعلم الاجمالي و واضح ان القیة لو لاحظ جمیع الشبهات حصل له علم اجمالی بثبوت تکالیف فلا یسکن اجراء البرائة» را شرح داده و جواب شهید (ره) از اشکال را بنویسید. ص ۲۵۱ - ۲ نمره

جواب: اشکال اولی که به الله برات وارد کرده‌اند این است که این آیه برات در جایی جاری می‌شود که شک بدون باشد نه مقرون به علم اجمالی و در شبهات حکمیة شک مقرون به علم اجمالی است چون قیة وقتی به مجموع شبهات حکمیة نظر می‌کند مثلاً اگر نیست تا شبهه دارد یعنی اگر شک سری تکالیف وقتی در مساق آن ما وجود دارد که مثلاً کسر از پنج تا نیست و با وجود این علم اجمالی جایی برای اجرای برات شرعی در هیچ کدام از این شبهات حکمیة که هر یک از آن‌ها از اطلاق این علم اجمالی هستند باقی نمی‌ماند.

جواب شهید ص ۲۵۱: بلکه قیة قبل از استنباط احکام شرعی از ادله علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف وقتی وارد می‌شود که شک استنباط احکام شرعی از ادله آن علم اجمالی منحل می‌شود به علم تقسیمی به این معنی که تکالیف از تکالیف که استنباط کرده و کسر از معلوم بالاخصال او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود تکلیفی در محال آن‌ها برایش باقی نمی‌ماند و لذا شک در این مابقی بدون است و جایی برات شرعی.

۱۰- رکن چهارم از ارکان «مخبریت علم اجمالی» را به همراه مثالی که عدم این رکن موجب سقوط تنجز علم اجمالی هستند را بیان کرده، دلیل رکنیت آن را بنویسید. ص ۲۳۷ - ۲ نمره

جواب: رکن چهارم اجرای برات در همه اطراف موجب ترخیص در مخالفت فقهیه نبود و وقوع مخالفت فقهیه به این شرعی در خارج امکان داشت باشد مثلاً در حالت دوران امر بین محظورین حتی اگر در دو طرف برات جاری شود موجب مخالفت فقهیه نمی‌شود. دلیل رکنیت: محذور اجرای برات در دو طرف به دلیل این است که موجب مخالفت فقهیه نمی‌شود که با تکلیف معلوم بالاخصال منافات دارد (اعتقاد یا ملامت) پس وقتی اجرای برات در اطراف موجب مخالفت فقهیه شود می‌توان آن را اجرائی و با اجرای برات در اطراف دیگر علم اجمالی از مخبریت سابقاً می‌شود [یعنی مخالفت فقهیه لازم نیست].

۱۱- برخی در موارد «شک در شرطیت» بین «معلق» و «مستعلق» دلیل داده‌اند، دلیل ایضاً را به همراه مثالی تمییز نمایند. ص ۲۷۰ - ۲ نمره

جواب: در اعلی رتبه، شرما گاهی شرما متعلق است مثل دعا هنگام عقی و گاهی شرما متعلق است مثل ایصال برای رقیه. در صورت اول برات جاری می‌شود زیرا قیودیت دعا هنگام عقی یعنی امر به تقیید عقی به دعا پس شک در حدیث، نه شک در وجوب تقیید بر می‌گردد و برات جاری می‌شود ولی در صورت دوم برات جاری می‌شود زیرا قیودیت ایمان برای رقیه به دلیل اینکه غیر اختیاری است (مغفور نیست) به معنای امر به تقیید نیست [چون قیودت شرما تکالیف است] در نتیجه شک در قیودیت به شک در وجوب تقیید بر نمی‌گردد تا برات جاری نشود.

۱۲- اعتراض اید الله خیرمی (ره) را در عبارت «اعتراض السید الاستاد بانه یلزم فی التعریف ان یکون تاماً علی کل الاتجاهات و الحال ان بالحدوث» بر تعریف استصحاب بالحکم ببناء ما کان لیس كذلك و بالنسب اعتراض کون الاستصحاب اصلاً اذ علی الامارة یلزم تعریف بالیقین بالحدوث» اید خیرمی (ره) به تعریف مشهور از استصحاب اشکال می‌کند که ملامت با تمام مثالی در استصحاب نیست زیرا برخی استصحاب را اصل علمی می‌دانند و برخی استصحاب را امره و این تعریف مناسب با اصل بودن است و تعریف مناسب برای کسانی که استصحاب را امره می‌دانند. یقین به حدوث برات یقین در حدوث امره است برای قاء سابق. نقد شهید ص ۲۵۱: ۱. در حقیقت امره بر بناء سابق، خود حدوث است نه یقین به حدوث زیرا یقین قفاً طریق است ۲. هر جد که حدوث امره است برای قاء سابق، نقد شهید ص ۲۵۱: ۱. در حقیقت امره بر بناء سابق، خود حدوث است نه یقین به حدوث زیرا یقین قفاً طریق است ۲. هر جد که دو میا در حقیقت استصحاب است اما هر دو حکم ظاهری هستند در نتیجه می‌توان به عنوان جامع در تعریف استفاده نمود که هر دو معنا را شامل شود. (نقد دیگر در کتاب)

۱۳- برخی اشکال کرده‌اند که صحیحه وزراء، قلت له، ال رجل یام و هو علی وضوء، التوجیب الحقیقه و الخففتان علیه الوضوء... قال: لا، حی یستقیان آیه قد نام... و لا یقتضی الیقین ایداً بالمشک» ناظر به قاعده مقننی و مانع است نه استصحاب، دلیل آن‌ها را به همراه یک نقد بنویسید. ص ۲۸۰ - ۲ نمره

جواب: اشکال: با توجه به اینکه در روایت، یقین به وضوء تعلق گرفته و وضوء نیز از آن الحصول است، در نتیجه بقای ندارد که در آن شک کنیم بلکه وضوء مقننی طهارت است. بنابر این یقین به مقننی طهارت تعلق گرفته است و شک متعلق به حدوث مانع است، جواب: همانطور که وضوء برای غسل و مسح استعمال می‌شود به معنای طهارت نیز استعمال می‌شود و شاهد آن اینکه در روایت آمده: «یام و هو علی وضوء» و از حدت به ناطق وضوء تغییر شده است و ظهور در «لا یقتضی الیقین بالمشک» در وحدت متعلق یقین و شک استصحاب را متعین می‌کند.

۱۴- ارکان استصحاب را نام ببرید. ص ۲۸۲ - ۱ نمره

جواب: ۱. یقین به حدوث ۲. بناء ۳. وحدت قیة مشکوک و متشکی ۴. ترتیب اثر بر بناء. حالت سابق

۱۵- موارد از «جهتیت قیودیه» و «جهتیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۸۵ - ۲ نمره

جواب: قیودیه که عرفاً مفهوم موضوع هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید همدان کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام نامی از قید ضیف بودن است و پس از انقضاء قید، عرف حکم می‌کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب حدید را اقامه وجوب قبل نمی‌داند چون «ضیف بودن» را مفهوم موضوع می‌داند. این قیود را جهتیت قیودیه می‌نامند. قیودیه که عرفاً مفهوم موضوع نیستند مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الیا، الصغیر بالخاصة متنجس» در این صورت، «صغیر» قید تنجس است؛ حال اگر کسی تمیز فعلی باشد و بالمثل بوی بول بدهد، یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تمیز قبلاً زایل شد و دیگر این بوی بول نماند، عرف همچنان اب را متنجس می‌داند این قیود را جهتیت تعلیلیه می‌نامند.

شماره پرسش	پرسش	گزینه صحیح	گزینه اشتباه	توضیحات
۱۰	۱- قاعده اولیه در صورت شک در تکلیف شرعی، بنابر قاعده قبح بایمان چیست؟ مس ۲۶۹ و ۲۷۰	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	الف. برات <input checked="" type="checkbox"/> ب. استحباب <input type="checkbox"/> ج. اشتغال عقلی <input type="checkbox"/> د. احتیاط شرعی <input type="checkbox"/>
۱۰	۲- حکم در مساله «شخصی شک دارد روزه بگیرد یا نه زیرا شک دارد امروز روز اول ماه رمضان است» از حیث اصولی کدام است؟ مس ۲۵۶	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	الف. شک در تکلیف و مجزای اشتغال <input type="checkbox"/> ب. شک در مکلف به و مجزای برات <input type="checkbox"/> ج. شک در مکلف به و مجزای اشتغال <input type="checkbox"/> د. شک در تکلیف و مجزای برات <input checked="" type="checkbox"/>
۱۰	۳- اگر مکلف قبل از علم اجمالی به «یک طرف از علم اجمالی» مضطر شود، کدام یک از ارکان علم اجمالی مختل است؟ مس ۲۶۵	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	الف. رکن اول <input checked="" type="checkbox"/> ب. رکن دوم <input type="checkbox"/> ج. رکن سوم <input type="checkbox"/> د. رکن چهارم <input type="checkbox"/>
۱۰	۴- با توجه به عبارت «اذا علمنا ان السورة جزء ولكن شكنا في عمومها للمريض أو اختصاصها بالصحيح» نسبت به وجوب سوره براتی مریض چه حکمی جاری می‌شود؟ مس ۳۲۸ و ۳۲۹	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	الف. استحباب <input type="checkbox"/> ب. احتیاط <input type="checkbox"/> ج. برات <input checked="" type="checkbox"/> د. توقف <input type="checkbox"/>
۱۰	۵- در کدام مورد «تقصیقین» تکوینی است؟ مس ۲۷۷	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	الف. قاعده مقتضی و مانع <input type="checkbox"/> ب. اصل استحباب <input type="checkbox"/> ج. قاعده یقین <input checked="" type="checkbox"/> د. اصل اشتغال <input type="checkbox"/>
۱۰	۶- آیا کلمه «النسک» در روایت زراره (که می‌فرماید: لا تنقص اليقين بالنسك ابدا) شامل حالت ظن می‌شود؟ چرا؟ مس ۲۸۳	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	الف. نعم، تقریبه مورد الروایة و كون السائل غائبا بالحدث. <input type="checkbox"/> ب. نعم، تقریبه قوله «و لكن اقتضه يقين آخر» <input checked="" type="checkbox"/> ج. لا، لتبوع الظن بالمتعين و غير المتعين. <input type="checkbox"/> د. لا، لان النسك لا يشمل الظن وصفا.
۲	۷- نحوه استدلال به ایه شریفه «قل لا اجد فی ما اوحی الی حصرها علی طاعم یطعمه الا ان یكون صیفة او ذما مستوفحا...» (البقره ۱۷۵) بر برات شرعی را توضیح داده، شهید صدر (ره) چه اشکالی بر این استدلال وارد می‌کند؟ مس ۲۴۳ - ۲۴۴	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	الف. در این ایه، خداوند متعال نحوه محتاجه او محتاجه را به پیامبر می‌آموزد. خداوند نحوه اثبات برات و عدم حرمت را «عدم وجدان» و «یقین دلیل» بیان می‌کند و این نشان از آن است که «یقین دلیل ابر حکم شرعی» کافی است در تأمین و عدم عقاب و این همان اثبات «برات شرعی» است. ب. در این ایه، خداوند متعال نحوه محتاجه او محتاجه را به پیامبر می‌آموزد. خداوند نحوه اثبات برات و عدم حرمت را «عدم وجدان» و «یقین دلیل» بیان می‌کند و این نشان از آن است که «یقین دلیل ابر حکم شرعی» کافی است در تأمین و عدم عقاب و این همان اثبات «برات شرعی» است. ج. در این ایه، خداوند متعال نحوه محتاجه او محتاجه را به پیامبر می‌آموزد. خداوند نحوه اثبات برات و عدم حرمت را «عدم وجدان» و «یقین دلیل» بیان می‌کند و این نشان از آن است که «یقین دلیل ابر حکم شرعی» کافی است در تأمین و عدم عقاب و این همان اثبات «برات شرعی» است. د. در این ایه، خداوند متعال نحوه محتاجه او محتاجه را به پیامبر می‌آموزد. خداوند نحوه اثبات برات و عدم حرمت را «عدم وجدان» و «یقین دلیل» بیان می‌کند و این نشان از آن است که «یقین دلیل ابر حکم شرعی» کافی است در تأمین و عدم عقاب و این همان اثبات «برات شرعی» است.

۸- حرمت براتش تشریع شده است، نمی‌توان این قسبه را قیاس کرد یا «یقین مکلف» که احتمال دارد به خاطر از بین رفتن تصویر باشد. (به عبارت دیگر: مکلف حرمت براتش تشریع نشده است، نمی‌توان این قسبه را قیاس کرد یا واقع حرام نیست و اصلا حرمتی جعل نشده است) چرا که شاید حکم جعل شده و به ما نمی‌تواند پس از فحوص و یامی بگوید: «چون من یاقوم پس این چیز در واقع حرام نیست و اصلا حرمتی جعل نشده است» چرا که شاید حکم جعل شده و به ما نرسیده باشد. پس این ایه - که آیات عدم جعل می‌کند - با آیات یا نفی برات شرعی، بیگانه است.

امتحانات مشترک عمومی اختصاصی پیمه جمهوری اسلامی فقہ ۴ کد: ۳۹۴۱۳۹

۷- چهار ویژگی واجب غیری را نام ببرید.

۸- دلیل قائلین به «کفایت تعدد عنوان در رفع تنافی اجتماع امر و نهی حتی با وحدت معنوی» را تبیین کرده، چرا بنا بر تقریب مرحوم نائینی از «تنافی» یعنی تنافی بین «نهی از حصه» و «ترخیص در تطبیق» این دلیل وجه نیست؟

۹- دو دلیل بر «اقتضاء الحرمة لبطان العادة» را به اختصار نوشته، چه تفاوتی در نتیجه دارند؟

۱۰- استدلال محقق اصفهانی از «برائت عقلیه» بر صینای «قیح ظلم» تقریر کرده و جواب شهید صدر از آن را بنویسید.

۱۱- اعتراض مطروح در عبارت «قد یعترض علی الاستدلال بآیه (و ما كنا معذبين حتى نبعث رسولا) علی البرائة الشرعية بان الآیه الکریمه انما تنفی العقاب لاستحقاقه والجواب...» را تبیین کرده، جواب شهید صدر از آن را بنویسید.

۱۲- با توجه به عبارت «ان حسن الاحتیاط کحسن الطاعة و قبح المعصية واقع فی مرحلة متأخرة عن الحكم الشرعی و قد تقدم المسلك القائل بان الحسن و القبح الواقعیین فی هذه المرحلة لا یستتبعان حکماً شرعياً» اشکال به جعل مولوی استحباب احتیاط را تبیین نموده و جواب شهید صدر از آن را بنویسید.

سؤال زیر مختص طلاب غیر حضوری مکاتباتی می باشد.

۱۳- نظر شهید صدر از «در باره ملازمه بین «حکم عقل نظری» و «حکم شارع» را با دلیل تبیین نماید.

«سامانه پیام کوتاه ۰۰۰۰۱۷۱۷۳۱۴۴۴۱ اداره سنجش معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می باشد.»

«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می باشد.»

امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

پیمان اول ۱۳-۹۹
شماره دفتر و اسناد: ۹۰

کتاب:	۳۹۲۱/۶۵
کلاس:	۱۳۹۲/۱-۱۳۹۲
موضوع:	اصول ۳
کتاب:	دروس فی علم الاصول (المعلقة لثالثه)
محل:	مرکز ایتا، ۳ طابق اول، خیابان ولیعصر، تهران، ایران (۱۳۹۲-۱۳۹۳) فی القریه (از تاریخ ۱۳۹۳ تا تاریخ ۱۳۹۴)

نام و نام خانوادگی:	شماره:
تاریخ:	محل:

نام و نام خانوادگی:	شماره:
تاریخ:	محل:

- ۱- مرد و بازگشت وظائف عملیه عقلیه در حقیقت به چیست؟ (۱۸)
 - الف. اصله الاشیاء
 - ب. قاعده الاشتغال
 - ج. حق المقامه اثباتاً و نقیاً
 - د. قاعده قبح العقاب بلا بیان
- ۲- طبق مسلک شهید صدر، حکم اولی عقل به وجوب رعایت احتمالات، مقید به چیست؟ (۴۰)
 - الف. عدم اثبات تکالیف قطعی
 - ب. عدم اثبات تکالیف احتمالی
 - ج. عدم ترخیص قطعی از شارع
 - د. عدم ترخیص احتمالی از شارع
- ۳- حدیث «کل شیء مطلق حتی برد قیه نهی» در چه صورت بر برانث شرعی دلالت می کند؟ (۴۹) (۲)
 - الف. اذا كان الوجود بمعنى الوصول.
 - ب. اذا كان الوجود بمعنى الصدور.
 - ج. اذا كان الوجود بمعنى الوجود.
 - د. سواء كان الوجود بمعنى الوصول أو الصدور.
- ۴- نظر شهید صدر، در مورد امکان جریان اصل مؤمن در اطراف علم اجمالی چیست؟ (۱۰۰)
 - الف. ثبوتاً فقط در برخی اطراف ممکن است.
 - ب. اثباتاً و ثبوتاً در هیچ طرف ممکن نیست.
 - ج. اثباتاً در همه اطراف ممکن است.
 - د. ثبوتاً در همه اطراف ممکن است.
- ۵- با اضطرار به طرف معینی از اطراف علم اجمالی (در صورتی که اضطرار قبل از علم اجمالی حاصل شود)، کدام رکن علم اجمالی از بین می رود؟ (۱۳۶ و ۱۳۷)
 - الف. رکن اول
 - ب. رکن دوم
 - ج. رکن سوم
 - د. رکن چهارم
- ۶- علم اجمالی در مثال: «علم المرأة إجمالاً - إذا ضاعت عليها أيام العادة - بحرمة المكث في المسجد في بعض الأيام من الشهر» چه نامیده می شود؟ (۱۵۴)
 - الف. علم اجمالی به فرد مرد
 - ب. علم اجمالی به تدریجیات
 - ج. علم اجمالی به اقل و اکثر
 - د. علم اجمالی به قصیر و طویل

امتحانات متمرکز تکمیلی، اصول ۳، کد: ۳۹۲۱/۶۵

۹- با توجه به عبارت «هناک اعتراض: ان السیره مردوع عنها بالآیات الناهیه عن العمل بالظن واجاب المحقق الاصفهانی: ان ظهور العمومات المدعی ردعها لا دلیل علی حجیته لان الدلیل علی حجیة الظهور هو السیره العقلانیة و مع انعقادها علی العمل بخبر الثقة لا یمکن انعقادها علی العمل بالظهور المانع عن ذلك» جواب محقق اصفهانی (ره) از اشکال را تبیین کرده، رد شهید صدر (ره) بر آن را بنویسید. ص ۲۳۸ - ۲ نمره

جواب: محقق اصفهانی (ره) جواب می‌دهد که بنا بر ادعا رادع سیره بر عمل طبق ظن، ظهور آیات ناهیه است و ظهور به واسطه سیره حجت است، اگر بگوییم سیره بر عمل به خبر ثقة منعقد شده است دیگر نمی‌شود سیره دیگری که مانع این سیره است منعقد شود زیرا عمل به دو نقیض است که استحاله دارد. جواب شهید صدر (ره): معنای انعقاد سیره بر ظهور این است که بوسیله ظهور می‌توان مراد مولی را کشف نموده که منجز نیز هست و این منافات ندارد که سیره عقلاء بر عملی استقرار یابد که با مدلول ظهوری از کلام مولی مخالفت کند. در نتیجه عمل عقلاء با مدلول آیات ناهیه منافات دارد نه اینکه با سیره عقلاء بر عمل طبق ظهور منافات داشته باشد تا منجر به عمل به نقیضین شود.

۱۰- کیفیت پیدایش و حجیت «اصالة عدم النقل» را بیان کرده، چرا در صورت یقین به تغییر وضع و شک در تاریخ آن، نمی‌توان به این اصل تمسک نمود؟ ص ۲۷۴ - ۲ نمره

جواب: این اصل بر اساس یک تخیلی است که در عرف قائم است که منشأ آن ثبات لغت و عدم تغییر آن است، پیشرفت لغت به قدری کند است که باعث شده افراد عرف چنین تلقی کنند که هیچ تغییر و نقلی یا گذشت زمان حاصل نمی‌شود، این تلقی گرچه صحیح نیست و فریبنده است ولی تلقی چنان عام و فراگیر است که موجب شده عقلاء هنگام احتمال تغییر بنا بر الغاء آن بگذارند، و شارع با سکوت خود این بناء را امضاء کرده است. البته حجیت آن به این معنا نیست که شارع نقل و تغییر را مردود نداند، بلکه به این معناست که به این سیره غلط در بین عقلاء راضی است و اهداف و اغراضش از این طریق حاصل می‌شود. (۱ نمره) زیرا سیره در عدم نقل در زمان مشکوک جریان ندارد و این به این خاطر است که بنائات عقلاء بر اساس کاشفیت نوعیه است و چون نقل حالت استثنائی است احتمال آنرا ملغی می‌دانند ولی وقتی نقل محقق شد و در زمانش شک دارند، حیثیت کاشفی نیست تا نفی کنند احتمال تقدم نقل را. (۱ نمره)

۱۱- مراد از «ثبوت الامرین بالضدین علی نحو الترتیب» را توضیح داده، دلیل صاحب کفایه (ره) بر استحاله آن را تبیین کنید. ص ۳۰۸ - ۲ نمره

جواب: قدرت به معنای عام (قدرت تکوینی و عدم ابتلاء به امر ضد) شرط تکالیف است و برای ابتلاء دو معنا متصور است یکی از دو معانی این است که مکلف مشغول به ضد شده باشد یعنی تا زمانی که مشغول به ضد نشده باشد امر فعلیت دارد و این معنای ترتیب است. دلیل صاحب کفایه: محال است زیرا مستلزم این است که هنگامی که مکلف در صدد عصیان تکلیف به انقاذ غریب (ضد) است هر دو تکلیف نسبت به او فعلیت داشته باشد و این محال است، اما فعلیت تکلیف نسبت به انقاذ به دلیل اینکه مجرد در صدد عصیان بودن موجب اسقاط تکلیف نمی‌شود، و اما فعلیت تکلیف نسبت به صلاة به دلیل اینکه هر دو قید قدرت تکوینی و عدم ابتلاء به ضد به نحو اشتغال محقق است. [رساندن مفهوم کفایت می‌کند.]

۱۲- «شروط ترتیب» و «شروط اتصاف» را به همراه مثالی تبیین کرده، منظور از اینکه شروط اتصاف شرط اراده‌اند ولی شروط ترتیب شرط مراد چیست؟ ص ۳۲۴ - ۲ نمره

جواب: شرط اتصاف: شرطی که با وجود آن، فعل به مصلحت [مالک] متصف می‌شود مانند مرض زیرا تا زمانی که شخص مریض نباشد خوردن دواء برایش مصلحت ندارد- شرط ترتیب: شرطی که با وجود آن مصلحت بر فعل مترتب می‌شود مانند خوردن دواء بعد از طعام - شروط اتصاف شرط اراده‌اند به این معنا که تا زمانی که شخص مریض نشود اراده خوردن دواء نمی‌کند ولی در مورد شروط ترتیب حتی قبل از طعام، اراده برای تناول دواء موجود است ولی به حصه‌ای خاص از تناول که همان تناول دواء بعد از طعام است به این معنا شروط ترتیب شرط مراد هستند.

* سؤال زیر مختص طلاب غیر حضوری می‌باشد:

۱۳- وجه قائلین سقوط حجیت ظهور تضمینی با از بین رفتن ظهور استقلالی را در ضمن مثال بیان نمایید. ص ۲۸۹ - ۲ نمره

جواب: بعضی از اصولیین قائلند که عام بعد از اینکه با مخصص منفصل تخصیص خورد دیگر در باقی حجت نیست یعنی دلالت‌های ضمنیه‌اش از حجیت می‌افتد مثلاً آگه مولی گفت: (اکرم کل من فی الدار) و افراد در خانه ۱۰۰ نفر بودند بعد با مخصص منفصل ۱۰ نفر از آن‌ها را استثنا کرد فهمیده می‌شود که «کل» که از ادات عموم است در معنای حقیقی خودش که استیعاب و عمومیت نسبت به همه افراد است استعمال نشده، یعنی مراد واقعی مطابق با مراد استعمالی و موضوع له نیست، و معنای این کلام این است که ادات عموم در غیر معنای موضوع له استعمال شده است. به عبارت دیگر استعمالش مجازی است؛ یعنی در بعضی از افراد استعمال شده است. خوب حالا که در معنای مجازی استعمال شده، معلوم نیست حتماً در باقی که ۹۰ تا استعمال حقیقی شده باشد؛ بلکه ممکن است در ۸۹ یا ۸۰ یا... استعمال شده باشد؛ زیرا هیچ‌یک از معنای مجازی ترجیحی بر دیگری ندارند؛ پس عام نمی‌تواند در مابقی حجت باشد؛ چون ممکن است مولی لفظ عام را در ۸۰ نفر مجازاً استعمال کرده باشد نه ۹۰ نفر.

ره‌نېټه شمري: ۱۰ صبح ۱۴ مه ۱۳۹۳ نمره: ۱۰ صبح ۱۶ مه ۱۳۹۳ نمره: ۸۰ دقیقه	<h2 style="margin: 0;">امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)</h2> <p style="font-size: small;">تهریور سال تحصیلی ۱۴-۱۳ رشته: فقه و روای، مهر ۱۳۹۱</p> <p style="text-align: center; border: 1px solid black; border-radius: 50%; padding: 5px;">مهر مدرسه</p>	<table style="width: 100%; text-align: right; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="border: 1px solid black; padding: 2px;">کتاب: دروس فی علم الاصول - الحلقة الثالثة</td> <td style="border: 1px solid black; padding: 2px;">نمبره: ۳</td> <td style="border: 1px solid black; padding: 2px;">نمبره: ۱۳۹۳/۲۰</td> </tr> <tr> <td style="border: 1px solid black; padding: 2px;">کتاب: جزء اول فی علم الاصول بنی المقدمات قبل الفروع ۱ تا ۱۲۲ کتاب (ص ۱۲۲-۵۲)</td> <td style="border: 1px solid black; padding: 2px;">نمبره: اصول فقه ۳</td> <td style="border: 1px solid black; padding: 2px;">نمبره: ۱۳۹۴/۰۶/۱۱</td> </tr> <tr> <td style="border: 1px solid black; padding: 2px;">کتاب: جزء دوم از فتاوی کتاب تا پایان درس ۱۴ اشغال ۱۳ خطا (ص ۱۳۰-۱۱۵)</td> <td style="border: 1px solid black; padding: 2px;">نمبره: ۳</td> <td style="border: 1px solid black; padding: 2px;">نمبره: ۱۳۹۳/۲۰</td> </tr> </table>	کتاب: دروس فی علم الاصول - الحلقة الثالثة	نمبره: ۳	نمبره: ۱۳۹۳/۲۰	کتاب: جزء اول فی علم الاصول بنی المقدمات قبل الفروع ۱ تا ۱۲۲ کتاب (ص ۱۲۲-۵۲)	نمبره: اصول فقه ۳	نمبره: ۱۳۹۴/۰۶/۱۱	کتاب: جزء دوم از فتاوی کتاب تا پایان درس ۱۴ اشغال ۱۳ خطا (ص ۱۳۰-۱۱۵)	نمبره: ۳	نمبره: ۱۳۹۳/۲۰
کتاب: دروس فی علم الاصول - الحلقة الثالثة	نمبره: ۳	نمبره: ۱۳۹۳/۲۰									
کتاب: جزء اول فی علم الاصول بنی المقدمات قبل الفروع ۱ تا ۱۲۲ کتاب (ص ۱۲۲-۵۲)	نمبره: اصول فقه ۳	نمبره: ۱۳۹۴/۰۶/۱۱									
کتاب: جزء دوم از فتاوی کتاب تا پایان درس ۱۴ اشغال ۱۳ خطا (ص ۱۳۰-۱۱۵)	نمبره: ۳	نمبره: ۱۳۹۳/۲۰									
نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: شماره پرسنلی: شهرت: استان:											
<p>۱- کدام یک از مقدمات زیر، متصف به حرمت غیري می‌شود؟ جزء اول ص ۳۶۴</p> <p>الف. انداختن خود در آتش برای خودکشی <input checked="" type="checkbox"/></p> <p>ب. رفتن نزد همسایه برای غیبت کردن <input type="checkbox"/></p> <p>ج. خواندن ادله مسیحیت برای ارتداد <input type="checkbox"/></p> <p>د. گذاشتن نردبان برای دزدی <input type="checkbox"/></p>											
<input type="text"/> / <input type="text"/>											
<p>۲- چه نقدي شهید صدر (ره) بر قول به «سببیت در اجزای احکام ظاهری» وارد می‌کند؟ جزء اول ص ۲۸۰</p> <p>الف. يستلزم تقویت المصلحة <input type="checkbox"/></p> <p>ب. یوجب المخالفة القطعية <input type="checkbox"/></p> <p>ج. يساقو عدم الحجية <input type="checkbox"/></p> <p>د. یلزم التصویب <input checked="" type="checkbox"/></p>											
<input type="text"/> / <input type="text"/>											
<p>۳- با قبول امتناع اجتماع امر و نهی، چرا دلیل نهی بر دلیل امر مقدم می‌شود؟ جزء اول ص ۳۹۴</p> <p>الف. اطلاق شمولی نهی اقوی از اطلاق امر است. <input checked="" type="checkbox"/></p> <p>ب. دلیل خاص، نهی را مقدم کرده است. <input type="checkbox"/></p> <p>ج. عبادت منهی عنه مقربیت ندارد. <input type="checkbox"/></p> <p>د. ملاک نهی اهم است. <input type="checkbox"/></p>											
<input type="text"/> / <input type="text"/>											
<p>۴- ثمره‌ای را که بر این فرق اماره و اصل «ان الفرق بينهما ينشأ من ناحية أخذ الشك في لسان الدليل وعدم أخذه في لسان دليل حجیة الامارة» مترتب است، کدام است؟ جزء دوم ص ۱۶</p> <p>الف. شمول اطلاق اماره نسبت به عالم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. حکومت دلیل اماره بر دلیل اصل <input checked="" type="checkbox"/></p> <p>ج. ورود دلیل اماره بر دلیل اصل <input type="checkbox"/></p> <p>د. حجیت مثبتات اماره و اصول <input type="checkbox"/></p>											
<input type="text"/> / <input type="text"/>											
<p>۵- اثبات‌کننده قاعده «حق الطاعة» کدام است؟ جزء دوم ص ۳۹</p> <p>الف. عقل نظری <input type="checkbox"/></p> <p>ب. عقل عملی <input checked="" type="checkbox"/></p> <p>ج. بناء عقلاء <input type="checkbox"/></p> <p>د. روایات <input type="checkbox"/></p>											
<input type="text"/> / <input type="text"/>											
<p>۶- جواب شهید صدر (ره) به اشکال صاحب کفایه (ره): «لا يمكن تصوير الجامع بين التكليف و الموضوع في حديث الرفع لان اسناد الرفع الى التكليف حقیقی و اسناده الى الموضوع مجازی» چیست؟ جزء دوم ص ۶۱</p> <p>الف. يمكن اجتماع المجازی و الحقیقی <input type="checkbox"/></p> <p>ب. اسناد الرفع الى الموضوع حقیقی <input type="checkbox"/></p> <p>ج. اسناد الرفع الى التكليف مجازی <input checked="" type="checkbox"/></p> <p>د. اسناد الحقیقی و المجازی واحد <input type="checkbox"/></p>											
<input type="text"/> / <input type="text"/>											

۸- دو دلیل برای عدم وجوب موافقت قطعیه و جواز ارتکاب بعضی از اطراف علم اجمالی در شبهه غیر محصوره، بنویسید. ص ۱۴۱ و ۱۴۵

۲

جواب: ۱. به علت زیاد بودن اطراف علم اجمالی، احتمال افتادن در مخالفت پایین می آید به حدی که اطمینان فعلی به عدم تحقق مخالفت یا ارتکاب بعضی افراد، حاصل می شود و این اطمینان یک مؤمن است که با وجود آن ارتکاب برخی اطراف مجاز می شود.
۲. رکن چهارم از ارکان منجزیت علم اجمالی مختل می شود، زیرا جریان اصول در جمیع اطراف، منجر به مخالفت قطعی عملی نمی شود، زیرا کثرت اطراف به حدی است که ارتکاب همه آنها برای مکلف ممکن نیست. پس ارتکاب برخی اطراف جایز است.

۲

۹- علم اجمالی به تدریجیات را با ذکر مثال تبیین نمایید. ص ۱۵۴ س ۲

جواب: هرگاه یکی از دو طرف علم اجمالی تکلیف فعلی، اما طرف دیگر تکلیف منوط به زمان تأخر باشد، آن علم اجمالی را علم اجمالی به تدریجیات گویند و مثال آن اینکه زن علم اجمالی دارد که در بعضی ایام ماه مکت در مسجد برای او حرام است.

۳

۱۰- فرق دوران امر بین اقل و اکثر استقلالی با دوران امر بین اقل و اکثر ارتباطی را با مثال ذکر کنید. ص ۱۷۳

جواب: در اقل و اکثر استقلالی نفس اقل تکلیف مستقل دارد لذا عقوبت و ثواب مستقل دارد اما در اقل و اکثر ارتباطی اقل تکلیف مخصوص ندارد و اگر واجب باشد، اقل در ضمن آن واجب به همان وجوب اکثر است. اقل و اکثر استقلالی مثل اینکه شک دارد ۲ درهم بدهکار است یا ۱ درهم، و ارتباطی مثل اینکه نمی داند نماز واجب ۱۰ جزء دارد یا ۹ جزء.

۳

۱۱- وجه دلالت استصحاب بر وجوب احتیاط در مورد دوران بین اقل و اکثر ارتباطی را تبیین کنید. ص ۱۹۶

جواب: در این مورد علم به جامع وجوب داریم که مرکب بین دو فرد است یعنی اقل و اکثر و وجوب اقل با اتیان آن ساقط می شود ولی وجوب اکثر با اتیان اقل ساقط نمی شود پس بعد از اتیان اقل، شک در سقوط جامع وجوب می کنیم و استصحاب بقاء وجوب آن می شود و برای علم به امتثال وجوب جامع باید احتیاط کنیم و اکثر را اتیان نماییم (رساندن مفهوم کافی است).

امتحانات متمرکز سطح ۳

بیمال دوم ۹۰-۸۹
گرایش فقه و اصول دروسی مهر ۸۸

مهر مدرسه

رشته تحصیلی: ۶۰ صبح	شماره کنونی: ۴۰	شماره کلاس: ۶۵	
شماره نام صحیح اول	شماره نام صحیح دوم	شماره کلاس	شماره گروه
شماره نام صحیح اول	شماره نام صحیح دوم	شماره کلاس	شماره گروه

کدامین: ۱۱۴

شماره: ۹۰/۳/۲۹

مکان: اصول ۳

کتاب: دروس فی علم الاصول حلقه نالته

تاریخ: از اول اصول عملیه تا اول استصحاب، جزء دوم از حلقه نالته (ص ۱۵-۲۰۷)، از درس اول تا آخر درس ۴۰

نام و نام خانوادگی: نام پدر: دروس علی: شهرستان: نام استاد:

۱- بین کدامیک از اصول زیر، تضادم معقول نیست؟ ص ۲۰ س ۳

الف. الاصول العملية الشرعية و الاصول العملية العقلية

ب. الاصول العملية الشرعية و الاصول العملية الشرعية الاخرى

ج. الاصول العملية المحرزة و الاصول العملية البحتة

د. الاصول العملية المحرزة و الاصول العملية التنزیلیة

۲- حدیث «كل شيء مطلق حتى يرد فيه نهي» در چه صورت بر برائت شرعی دلالت می‌کند؟ ص ۴۹ س ۲

الف. اذا كان الورد بمعنى الوصول.

ب. اذا كان الورد بمعنى الصدور.

ج. اذا كان الورد بمعنى التنجز.

د. سواء كان الورد بمعنى الوصول أو الصدور.

۳- شبهات موضوعیه، دائماً چه شکئی را در بر دارند؟ ص ۷۱ س ۷

الف. شكّ در اصل حکم شرعی

ب. شكّ در یکی از اطراف حکم شرعی.

ج. شكّ در قید تکلیف فقط.

د. شكّ در موضوع تکلیف فقط.

۴- نظر شهید صدر در مورد جریان اصول شرعی، در جمیع اطراف علم اجمالی چیست؟ ص ۹۶ و ۹۷

الف. لا يمكن جریان الاصول الشرعية المؤتمنة و المنجزة نبوتاً و لا اثباتاً.

ب. لا يمكن جریان الاصول الشرعية المنجزة اثباتاً الاّ أنه ممكن نبوتاً.

ج. يمكن جریان الاصول الشرعية المؤتمنة عقلاً إلاّ أن ذلك ليس عقلاً.

د. يمكن جریان الاصول الشرعية المنجزة عقلاً إلاّ أنه ممنوع اثباتاً.

۵- به نظر شهید صدر، وجه تمایز اصول عملیه از امارات چیست؟ ص ۱۶ و ۱۷

جواب: اصل عملی، حکمی ظاهری است که در آن اهمیت محصل هنگام تراجم ملاکات واقعی، لحاظ شده است ولی در امارات فقط قوت احتمال در نظر گرفته شده است.

۶- نسبت بین آیه «لا یكلف الله نفساً الاّ ما آتاها»، و أدلهی وجوب احتیاط را تبیین کنید و وجه تقدیم آیه را در صورت تعارض بنویسید. ص ۶۵

جواب: نسبت آن دو عموم من وجه است زیرا آیه به مورد فحص اختصاص دارد ولی أدلهی احتیاط شامل موارد عدم فحص هم می‌باشد و نیز آیه شامل فعل و مال است ولی أدله احتیاط چنین نیست.

در صورت تعارض آیه مقدم می‌شود چون دلیل قرآنی و قطعی است.

۷- ارکان منجزیت علم اجمالی را بیان نمایید. ص ۱۱۳ س ۲

جواب: ۱. اصل علم به جامع، ۲. عدم سربایت علم از جامع به فرد، ۳. هر یک از اطراف علم اجمالی فارغ از علم اجمالی مجرای اصل ترخیص باشند. ۴. جریان اصل ترخیص در هر طرفی منشأ ترخیص در مخالفت قطعیه باشند.

۸- وجه تنافی و عدم تنافی در اجتماع امر و نهی از قبیل «صل» و «لا تمسك فی الحمام» را طبق نظر شهید صدر (ره) تقریب نماید.

۱

۹- دلیل مرحوم نائینی (ره) بر بطلان معامله‌ای که نهی به مسبب تعلق گرفته است را همراه جواب شهید صدر (ره) از آن بنویسید.

۲

۱۰- با توجه به عبارت «و قد اعترض الشیخ الأنصاری (ره) علی دعوی إطلاق اسم الموضوع باسئزامة استعمال هیئة القائمة بالفعل و المفعول فی معنیین» اشکال شیخ (ره) بر دلالت آیه شریفه «لا یكلف الله نفساً الا ما آتاها» یعنی ۴ را توضیح داده و جواب شهید صدر (ره) از آن را بنویسید.

۳

۱۱- با توجه به عبارت «و النقطة المهمة فی هذه المرحلة إفقه الحدیث تصویر الرفع الوارد فی الحدیث فإنه لا یخلو عن إشکال توضیح ان کثیراً مما فرض رفعه فی الحدیث امور تکوینیة ثابتة وجداناً، و من هنا كان لا بد من بذل عناية فی تصحیح هذا الرفع» مشکل فقه الحدیث «رفع ما لا یعلمون» را توضیح داده و سه احتمالی که در حل آن داده شده است را بیان کنید.

۴

۱۲- با توجه به عبارت «ان حسن الاحتیاط كحسن الطاعة و قبح المعصية واقع فی مرحلة متأخرة عن الحكم الشرعی و قد تقدم المسلك القائل بان الحسن و القبح الواقعیین فی هذه المرحلة لا یستیمان حکماً شرعياً» اشکال به جعل مولوی استحباب احتیاط را تبیین نموده و جواب شهید صدر (ره) از آن را بنویسید.

۵

۱۳- سؤال زیر مختص طلاب غیر حضوری می‌باشد.


۳

۱۳- توجیه شیخ انصاری (ره) برای مسئولیت مکلف نسبت به مقدمات مفوتة را همراه نقد شهید صدر (ره) بر آن بنویسید.

«سامانه پیام کوتاه ۱۷۱۷۲۱۴۴۷» اداره سمنش معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سوالات امتحانی می‌باشد.
 «در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و هویت‌کوی ضروری می‌باشد»

۲۹۳۱/۱۵ کلا ۳ امتحانات متمرکز تکمیلی: اصول ۳

برم ۱۸



امتحانات متمرکز تکمیلی (فقه ۳)

کتاب	اصول فقه ۳	کتاب	اصول فقه ۳
موضوع	فقه ۳	موضوع	فقه ۳
تاریخ	۱۳۹۵/۰۴/۰۷	تاریخ	۱۳۹۵/۰۴/۰۷
مکان	تهران	مکان	تهران

نام و نام خانوادگی: _____

شماره پرسنلی: _____

شماره دانشجویی: _____

شماره ثبت نام: _____

۱- در چه مرحله‌ای قید «علم به حکم» می‌تواند در موضوع احکام اخذ شود؟

الف. در مرحله مجعول

ب. در مرحله جعل

ج. در مرحله اراده

د. در مرحله ملامت

۲- در صورت قبول «ملازمه بین وجوب شیء» و وجوب مقدمه آن «اگر واجبی علت نامه برای حرامی باشد و ملامت واجب نیز اهم باشد، دلیل وجوب و دلیل حرمت چه رابطه‌ای با هم دارند؟

الف. ورود

ب. تراجم

ج. تعارض

د. تعلق در امتثال

۳- نظر کسانی که «اختلاف امر و نهی در زمان فعلیت» را رافع «تناهی اجتماع امر و نهی» می‌دانند، مبتنی بر کدام قاعده اصولی است؟

الف. الاضطرار بسبب الاختیار یعنی الاختیار خطایاً

ب. الاضطرار بسبب الاختیار یعنی الاختیار عقلاً

ج. الاحکام تتعاق بالتعاون و الصور الذهنیه

د. الاطلاق ترحیم فی التطبيق او يستلزمه

۴- چگونه برخی امکان «عدم حجیت دلیل عقلی قطعی» را توجیه کرده‌اند؟

الف. نص برخی روایات بر عدم حجیت

ب. تحویل قطع طریقی به موضوعی

ج. تعارض دلیل شرعی با دلیل عقلی

د. نقص عقل در بسیاری موارد

۵- به نظر آیه الله خونی (ره) مجعول در «اصل محرز» چیست؟

الف. العلم بلحاظ مرحله الجنوی العملی

ب. الحکم الواقعی التزیلی

ج. الظن بلحاظ الکاشفیه

د. العلم بلحاظ الکاشفیه

۶- چرا نمی‌توان به حدیث رفع برای «ابطال بیع شخص مضطر» تمسک نمود؟

الف. چون حدیث رفع اطلاق ندارد

ب. چون رفع آن با امتنان منافات دارد

ج. چون حدیث رفع، فقط حکم تکلیفی را برمی‌دارد

د. چون موضوع حدیث عدم علم است نه عدم اضطرار

۱۳۹۵/۰۴/۰۷ : ۱۳۹۵/۰۴/۰۷

امتحانات متمرکز تکمیلی اصول فقه ۳

۱۳۹۵/۰۴/۰۷

سؤال زیر مختص طلاب غیر حضوری می باشد.

۱۳- جواب شهید صدر: از این اشکال که «ادله وجوب احتیاط مختص به شبهات حکمیه هستند و ادله برائت ایبه شریفه «لَا یُکَلِّفُ

اَللّٰهُ نَفْسًا اِلَّا مَآءً اَتَتْهَا» یعنی ۴ و حدیث رفع عام می باشند لذا شبهات حکمیه از تحت ادله برائت خارج می شوند» را بنویسید. ص ۶۶ و

۶۵

جواب: نسبت بین ادله وجوب احتیاط و ایبه کریمه، عموم و خصوص من وجه است. چون ایبه اگر چه از جهت شمولش نسبت به شبهات حکمیه و موضوعیه اطلاق داشت ولی از جهت اینکه اختصاص به موارد بعد از فحش دارد. اخص از ادله احتیاط است. چون ادله احتیاط شامل موارد عدم فحش هم می شود. لذا در مورد اجتماعشان یعنی شبهات حکمیه بعد از فحش تعارض می کنند و دلیل قرآنی بخاطر قطعیت سند و سلطورش بر دلیل روایی مقدم می شود. و اما نسبت بین ادله وجوب احتیاط و حدیث رفع هم عموم و خصوص من وجه است. چه اینکه حدیث رفع اختصاص به موارد شک بدوی دارد و موارد علم اجمالی را شامل نمی شود. در حالی که ادله احتیاط عام است و شامل هر دو صورت می شود. لذا در ماده اجتماع یعنی شک بدوی در شبهات حکمیه تعارض می کنند و حدیث رفع بخاطر اینکه موافق اطلاق کتاب است و ادله احتیاط مخالف اطلاق کتاب است. بر ادله احتیاط مقدم می شود.

۷- با توجه به عبارت «أن الفرق بينهما ينشأ من اختلافهما في نسخ المجمعول في دليل حجية الأمانة و دليل الأصل، فالمجمعول في الأول الطريفة مثلا، و في الثاني الوظيفة العملية، أو التنزيل منزلة اليقين بلحاظ الجری العملي بدون تضمن لجعل الطريفة» فرق بین اصول عملیه و امارات را از دیدگاه مرحوم نائینی رحمه الله به همراه مثال تبیین کنید. ص ۱۵

جواب: مجمعول در امارات طریقت یقینی و کاشفیت نام است. یعنی شارع اماره را نازل منزله علم قرار داده در کاشفیت و طریقت، بطور علم کاشف از واقع است شارع اماره را هم کاشف از واقع قرار داده است مانند خبر واحد که هر چند کاشفیت آن ناقص است ولی شارع با حجت بختیمن به آن نقصانش را نادیده گرفته است. (نمره) اما مجمعول در اصول عملیه با تعیین وظیفه عملی مکلف است در مقام شک بدون اینکه کاشفیت داشته باشد، مثل برکت که اصلا کاشفیت ندارد و یا تنزیل است. یعنی شارع اصل را به لحاظ مقام عمل نازل منزله یقین قرار داده بدون جعل طریقت مثل اصل استصحاب که شارع حکم مستصحب را بمنزله یقین قرار داده است. (۱ نمره)

۸- استدلال به آیه شریفه «قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مَعْزُومًا عَلَىٰ طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِثْلَ أُورْشَلِيمَ» ص ۱۴۵. بر براءت را تبیین نمایید و با توجه به عبارت «أن إطلاق العنان كما قد يكون بلحاظ أصل عملي قد يكون بلحاظ عمومات الحل التي لا يرفع اليد عنها إلا بمخصص واصل» اشکال شهید صدر رحمه الله بر استدلال را بنویسید. ص ۴۴ و ۴۵

جواب: تقریب استدلال: [در احتجاج یا یهود که خوردن جلال ها را حرام کرده بودند خدا این آیه را بر پیامبر نازل کرده است. که به آنان بگو در آنچه به من وحی شده است حرامی نمی بینم مگر این چند مورد] از این احتجاج فیهیسه می شود نیافتن حکم در شریعت دلیل حکم به ایضه کردن است. چون پیامبر رحمه الله می فرماید حرامی در شریعت نمی بینم مگر... پس غیر از اینها مباح است. نقد شهید صدر رحمه الله : آیه ممکن است ناظر به تمسک به عموم ادله حلیت باشد مثل آیه: «هو الذي خلق لكم ما في الأرض جميعا» که دلالت بر ایضه هر چیزی می کند مگر اینکه دلیل خاصی آن را خارج کند. یعنی همه چیز جلال و مباح است مگر اینکه دلیلی آن را تخصیص بزند، حال که مخصصی نیافتیم پس به عمومات حل تمسک می کنیم. در حالی که مطلوب در استدلال به آیه استفاده حلیت ظاهری و تأمین از عقاب است در جایی که دلیلی بر حکم مشکوک پیدا نکنیم. با توجه به این احتمال دلیل مجمل است و دیگر نمی توان بر براءت استدلال نمود.

۹- چرا بحث «منجزیت علم اجمالی با قطع نظر از اصول ترخیصیه شرعیه» فقط بر اساس مسلک قبح عقاب بلا بیان قابل توجیه است؟ ص ۸۵

جواب: بدلیل اینکه طبق این مسلک همه اطراف علم اجمالی مشکوک است و براءت در همه آنها جاری است. و اگر این اطراف بخواد منجز باشد باید منجزی برای آنها بیاید. که قائلین قبح عقاب بلا بیان می گویند منجز این اطراف، علم اجمالی است. لذا باید از حدود منجزیت علم اجمالی و توانایی آن در اخراج اطراف شبهه از تحت قاعده قبح عقاب بحث کنیم. ولی طبق مسلک حق الطاعه، هر جا احتمال تکلیف داده بشود منجز است لذا اطراف علم اجمالی خود بخود منجز است. نه بخاطر علم اجمالی.

۱۰- یکی از موارد استثناء عدم جواز جریان اصل مومنین در بعضی اطراف علم اجمالی را با توجه به عبارت «ما إذا كان في أحد طرفي العلم الإجمالي أصل واحد مؤمن و في الطرف الآخر أصلان طوليان» با ذکر مثال توضیح دهید. ص ۱۰۹


جواب: در جایی که یک طرف علم اجمالی یک اصل ترخیصی داریم و در طرف دیگر دو اصل ترخیصی طولی داریم. و مراد از طولی بودن دو اصل این است که یکی از این اصل ها حاکم بر دیگری باشد و موضوع آن را تمیذ بردارد. (۱ نمره) مثلاً علم اجمالی داریم به نجاست یکی از دو ظرف الف و ب، و حالت سابقه الف را می دانیم که پاک بوده ولی حالت سابقه ظرف ب را نمی دانیم. لذا در طرف ب فقط اصالة الطهاره جاری می شود و در ظرف الف اصالة الطهاره و اصل استصحاب. ولی چون استصحاب موضوع اصالة الطهاره را بر می دارد بر آن حاکم است چون با جریان استصحاب تمیذ علم به طهارت طرف الف پیدا می کنی و دیگر شک در آن نداریم تا اصالة الطهاره جاری بشود؛ پس فقط اصل استصحاب جاری می شود (البته بنا بر اینکه بگوییم استصحاب بر اصل طهارت حاکم است). (۱ نمره)

۱۱- چرا انحلال «علم اجمالی» با امارات و اصول، حکمی است نه حقیقی؟ ص ۱۳۲

جواب: با قیام اماره یا اصل بر معلوم اجمالی و تنجیز آن، رکن سوم علم اجمالی که طبق مسلک صحیح جریان اصول ترخیصیه در اطراف علم اجمالی می باشد، مخدوش می شود - زیرا فردی که اماره یا اصل بر تنجیز آن قائم شده است مورد جریان اصل ترخیصی نمی تواند باشد - لذا اصل ترخیصی در بقیه افراد بدون معارض جاری می شود عدم انحلال حقیقی [اختلال در رکن دوم] از این جهت است که علم به جامع یا سریان علم از آن به فرد منتحل شود که در اینجا بخاطر نبود علم این سریان منتفی است.

۱۲- مرحوم شهید صدر رحمه الله در دوران امر بین مخدورین می فرماید «إن هذا العلم الاجمالي يستحيل أن يكون منجزاً لأن...» تعلیل ایشان را در استحاله تنجیز بیان نماید. ص ۱۶۶

جواب: زیرا در تکلیف به وجوب موافقت قطعیه و حرمت مخالفت قطعیه غیرمقتور مکلف است، مکلف نمی تواند فعل را هم بیاورد و هم ترک کند. اما تنجیز علم اجمالی نسبت به یک طرف هم غیرمعمول است، زیرا نسبت علم اجمالی به اطراف مساوی است و تنجیز یک طرف معنایش ترجیح بالمرجح است.



امتحانات مرکز تکمیلی (سطح ۳)

شماره ثبت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۵۸
شماره: ۳
تاریخ: ۱۳۹۳/۱۰/۱۵
موضوع: احکامات

نام و نام خانوادگی	شماره پرسنلی	شماره ثبت	شماره

۱- آیا در مقام اثبات، بین دو اصل عملی عقلی، تعارض امکان دارد؟

الف. لا، لعدم تناقض بین اذکارین عقلین

ب. لا، لامکان رفعه بالتخصیص و الحكومة

ج. نعم، ولكن یرتفع بالتخصیص و الحكومة

د. نعم، لوقوع تعارض الاسبول کثیراً فی الفقه

۲- به نظر شهید صدر (ره) در موضوع کدام یک از احکام زیر «آخذ علم به وجوب نماز جمعه» ممکن است؟

الف. حرمة صلاة الجمعة

ب. استحباب صلاة الجمعة

ج. وجوب اداء عند رؤية الهلال

د. وجوب صلاة الجمعة الممائل للوجوب المتأخوذ فيها

۳- در صورتی که واجب اهم از حرام باشد، اگر مکلف پس از ارتکاب مقدمه حرام، ذی المقدمه واجب را اتیان نکند، طبق نظر کدام گروه چنین شخصی مرتکب حرام نشده است؟

الف. متکثرین مطلق ملازمه

ب. قائلین به مطلق ملازمه

ج. قائلین به ملازمه در مقدمه موصله

د. قائلین به ملازمه و متکثرین ملازمه

۴- یا قبول امتناع اجتماع امر و نهی، چرا دلیل نهی بر دلیل امر مقدم می شود؟

الف. ملاحظه نهی اهم است

ب. عبادت منهی عنه مقرئیت ندارد

ج. دلیل خاص، نهی را مقدم کرده است

د. اطلاق شمولی نهی اقوی از اطلاق امر است

۵- دلیل محقق ثانیه (ره) بر قاعده قبح عقاب بلا بیان چیست؟

الف. لیس من زی العبودية الا بخلاف العبد مولاه فی الواقع

ب. لیس مخالفة عدم الحجة خروجاً من زی العبودية

ج. لا مقتضی للتحرك مع عدم وصول التکالیف

د. ان التکالیف مع عدم الوصول لیس حقیقاً

۶- نظر شهید صدر (ره) درباره «حکم عقل عملی» چیست؟

الف. اعتباری

ب. واقعی

ج. عقلانی

د. جملی

۷- اشکال مطرح در عبارت «يعرفون الواجب الغيبي بأنه ما وجب لغيره وقد لوحظ عليهم: ان الصلاة ونحوها من الواجبات لم يوجبها الشارع إلا لما يترتب عليها من المصالح فيصدق عليها أنها وجبت للغير، وهذا يعني ان كل هذه الواجبات تصحح غيرية» را تبیین کرده، جواب آن را بنویسید.

۸- شبهه مفهومی و مصداقیه در مخصّص را با ذکر مثال توضیح دهید. ص ۱۹۹ و ۲۰۰ س ۱۵ و ۱-۲ نمره

جواب: شبهه مفهومی: در فرض شک در نفس مفهوم خاص به این نحو که مجمل باشد مثل «کل ماء طاهر الا ما تغيّر طعمه او لونه او ريحه» که مراد از تغییر معلوم نیست که خصوص تغییر حسی است یا شامل تغییر تقدیری هم می‌شود.

شبهه مصداقیه: در فرض شک در دخول فردی از افراد عام در خاص است با اینکه مفهوم خاص واضح است و اجمالی ندارد مانند همان مثال سابق که شک می‌شود فلان آب آیا با نجاست تغییر کرد تا داخل در حکم خاص شود یا تغییر نکرد و همچنان طاهرست.

۹- سه قولی که در بحث «تعقیب العام بضمیر یرجع الی بعض افراد» وجود دارد را بیان نموده و مختار مصنف را مشخص نمایید. ص ۲۱۱

۲- نمره

جواب: ۱. اصالة العموم جاری می‌شود و ضمیر به بعضی از افراد عام رجوع می‌کند؛ ۲. اصالة عدم الاستخدام جاری می‌شود و از لفظ عام خصوص بعضی از افراد آن که ضمیر به آن‌ها رجوع می‌کند اراده می‌شود؛ ۳. هیچ یک از دو اصل بالا جاری نمی‌شود بلکه کلام مجمل می‌شود و به اصول عملیه رجوع می‌شود.

مختار مصنف: جریان اصالة العموم. (رساندن مفهوم جواب یا تعابیر دیگر نیز درست است.)

۱۰- اعتبارات ماهیت را نام ببرید و ضمن توضیح آن‌ها فرق «مهمله» و «لابشروط مقسمی» را بیان کنید. ص ۲۲۸ و ۲۲۹-۲ نمره

جواب:

اعتبارات ماهیت عبارتند از: ۱. ماهیت بشرط شیء: یعنی ماهیتی که با چیزی خارج از خود مقایسه و مشروط به آن امر در خارج در نظر گرفته شود. ۲. ماهیت بشرط لا: ماهیت مقایسه شده با خارج که مشروط به عدم آن شیء در نظر گرفته شود. ۳. ماهیت لابشروط: ماهیتی که با قطع نظر از وجود یا عدم امر خارجی لحاظ شود. «لابشروط مقسمی» ماهیتی است که با خارج مقایسه شده است و مقسم اقسامی قرار گرفته است ولی «مهمله» آن است که مقایسه با خارج نشده و فقط نظر به ذات و ذاتیات شده است.

۱۱- اقسام انصراف را از حیث منشأ انصراف، نام برده و بیان کنید که کدام یک مانع از تمسک به اطلاق کلام است؟ ص ۲۴۲ و ۲۴۳-۲ نمره

جواب: ۱. انصرافی که ناشی از ظهور لفظ در مقید باشد یعنی بخاطر کثرت استعمال لفظ در آن معنی این مقید از آن ظاهر می‌شود. (۷۵- نمره) ۲. انصرافی که از لفظ ناشی نشود بلکه از سبب خارجی باشد مثل غلبه وجود فرد منصرف الیه یا متعارف بودن این فرد منصرف الیه (۷۵- نمره) تنها در صورت اول، انصراف مانع از تمسک به اطلاق است. (۵- نمره)


۱۲- دو وجه اجمال در آیه شریفه «و السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» (مانده: ۳۸) را بیان فرمایید. ص ۲۵۰ و ۲۵۱-۱ نمره

جواب: ۱. به خاطر لفظ «قطع» که هم بر «پا» اطلاق می‌شود و هم بر «جرح» ۲. به جهت لفظ «ید» که هم بر کل دست اطلاق می‌شود و هم بر کف دست تا اصول اصابع و هم بر دست تا مچ و هم بر دست تا آرنج. (رساندن مطلب کافی است.)

※ سوالات زیر مختصّ طلاب غیر حضوری مکاتبه‌ای می‌باشد:

۱۳- به نظر مصنف (ره) در صورتی که دلیل عام و خاص معلوم التاریخ باشند و خاص زودتر از عام صادر شود و دلیل عام بعد از وقت عمل به خاص برسد، آیا عام ناسخ است یا مخصّص؟ چرا؟ ص ۲۲۰ و ۲۲۱-۲ نمره

جواب: عام تخصیص می‌خورد (۵- نمره) زیرا عمومیت عام فقط بر مراد جدی بودن آن دلالت دارد نه اینکه مدلول آن حکم واقعی باشد که ناسخ خاص شود، و چون ظهور خاص اقوی است بر عموم عام مقدم می‌شود و آن را تخصیص می‌زند [یا زیرا با تقدّم خاص هیچ ظهوری برای دلیل عام در عمومیت متعقد نمی‌شود بلکه از آغاز وجود خاص مقدم قرینه‌ای بر تخصیص است.] (۷۵- نمره) (رساندن مفهوم یک دلیل کافی است.)

امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)		
شهری: نامتکرمی ۱۰ صبح ۱۴ / امتحان: ۷۰ دقیقه شهرستانی: نامتکرمی ۱۰ صبح ۱۶ / امتحان: ۸۰ دقیقه		کوشش: ۳۹۴۳/۱۲ تاریخ: ۱۳۹۵/۰۶/۰۹ مبحث: اصول فقه ۲ کتاب: اصول فقه مظفر جلد اول و دوم، از ابتدای عام و خاص تا پایان مجمل و مسن (ص ۲۵۶-۱۸۹)
مهر مدرسه: 		
نام و نام خانوادگی: _____ نام پدر: _____ کد فکاهی: _____ مدرسه: _____ شهرستان: _____ استان: _____		
۱- استفاده عموم از لفظ «کل» از چه طریقی است؟ ص ۱۹۲		
۰/۵	الف. عقل <input type="checkbox"/> ب. وضع <input checked="" type="checkbox"/> ج. اطلاق <input type="checkbox"/> د. عقل و وضع <input type="checkbox"/>	
۰/۵	۲- با فرض شبهه مفهومی در خاص، در کدام صورت می توان به عام تمسک نمود؟ ص ۱۹۹ تا ۲۰۱ الف. مخصص متصل و دوران امر بین اقل و اکثر <input type="checkbox"/> ب. مخصص متصل و دوران امر بین متباینین <input type="checkbox"/> ج. مخصص منفصل و دوران امر بین متباینین <input type="checkbox"/> د. مخصص منفصل و دوران امر بین اقل و اکثر <input checked="" type="checkbox"/>	
۰/۵	۳- دلیل مصنف (ره) بر جواز «تخصیص قرآن با خبر واحد» چیست؟ ص ۲۱۷ الف. تقدیم سنت قطعی السند بر ظواهر ظنی کتاب <input type="checkbox"/> ب. تقدیم اصالت عدم کذب راوی بر اصالت عموم <input checked="" type="checkbox"/> ج. تقدیم تمام روایات بر ظواهر و نصوص قرآنی <input type="checkbox"/> د. اجمال آیات قرآن و وضوح دلالت اخبار آحاد <input type="checkbox"/>	
۰/۵	۴- تقابل بین اطلاق و تنقیذ در کلام چه نوع تقابلی است؟ ص ۲۲۵ تا ۱۴ الف. ملکه و عدم ملکه <input checked="" type="checkbox"/> ب. تناقض <input type="checkbox"/> ج. تضایف <input type="checkbox"/> د. تضاد <input type="checkbox"/>	
۰/۵	۵- نظر مصنف در مورد موضوع له اسماء اجناس چیست؟ ص ۲۳۷ الف. ذات المعنی به نحو لا بشرط قسمی <input checked="" type="checkbox"/> ب. ماهیت لا بشرط مقسمی <input type="checkbox"/> ج. ماهیت من حیث هی <input type="checkbox"/> د. ماهیت مبهمه مبهمه <input type="checkbox"/>	
۰/۵	۶- در کدام گزینه بین مطلق و مقید تنافی وجود ندارد؟ ص ۲۴۶ الف. فی الغنم زکاة - لیس فی الغنم المملوقة زکاة <input type="checkbox"/> ب. اشرب اللبن - لا تشرب اللبن الحامض <input type="checkbox"/> ج. فی الغنم زکاة - فی الغنم السائمة زکاة <input checked="" type="checkbox"/> د. اعتق رقبة - اعتق رقبة مومنة <input type="checkbox"/>	
۲	۷- اشکال کسانی که می گویند «عموم بدلی از اقسام عموم نیست» را توضیح داده و نقد نمایند. ص ۱۹۱ تا ۸ - ۲ نمره جواب: توضیح: بعضی معتقدند که احتساب عموم بدلی از اقسام عموم، یک نوع مسامحه است؛ زیرا بدلیت با عموم منافات دارد. از طرفی عموم یعنی شمول و فراگیری همه ی افراد و از طرف دیگر بدلیت یعنی اینکه یک فرد از افراد [به صورت لا علی التبعین] مورد نظر است. پس در عموم بدلی [متعلق یا] موضوع حکم فقط یک فرد است در حالی که عموم اقضا دارد که همه افراد، [متعلق یا] موضوع حکم باشند. نقد: مراد از عمومیت در عموم بدلی این است که هر فردی از افراد صلاحیت دارد که موضوع و متعلق حکم قرار بگیرد اگر چه بالفعل تنها یک فرد [متعلق یا] موضوع حکم است. آنچه که از عموم بدلی اراده می شود بیش از این نیست تا اشکال وارد گردد.	

۸- تفاوت جریان هر یک از «اصالة الحقیقة» و «اصالة العوم» را تبیین نمایید. ص ۷۴ - ۶ نمره

جواب: هرگاه شک در اراده معنای حقیقی یا اجزایی نبود و قرینه هم وجود نداشته باشد اصالة الحقیقة جاری می‌شود و هرگاه لفظ عامی وجود داشته باشد و شک شود که آیا عموم اراده شده است یا اینکه تخصیص خورده است و قرینه‌ای هم وجود نداشته باشد اصالة العوم جاری می‌شود.

۹- اگر موضوع له اسامی عبادات، اعم از صحیح و فاسد باشد؛ آنگاه شبهه تصویر جامع موضوع له بین مراتب عبادات را شرح داده و آن را نقد کنید. ص ۸۷ س ۱ - ۲ نمره

جواب: اشکال: در وضع باید واضع موضوع له را تصور کند؛ در حالی که صلاة چه صحیح و چه فاسده دارای مراتب کثیره و مصادیق مختلفه است؛ مثل نماز حاضر و مسافر، قائم و جالس، فاقد یک شرط یا چند شرط و مصادیق دیگر. پس معنا و مصادیق صلاة، دائم در حال تغییر و تبدل است. اشکال این است که چگونه امکان دارد یک قدر جامع بین تمام مراتب را تصور کرد تا موضوع له لفظ صلاة بشود؟

دفع: قبول داریم اجزاء صلاة متبادل و جایجا می‌شود و مراتب و مصادیق دارد ولی هیچ کدام مانع از تصور یک قدر جامع نمی‌شود؛ زیرا در ماهیت مرکباتی که اجزایی دارند [که برخی از آن‌ها وجودشان برای وجود یافتن مرکب، متعین و لازم است و برخی لا بشرطند] تصور قدر جامع ممکن است به این که تمام اجزای صلاة را تصور کرده بعد صلاة را برای عنوان کلی که در همه مراتب محفوظ است وضع کنیم؛ زیرا هر چند افراد عوض می‌شوند ولی عنوان کلی و قدر جامع به حال خود باقی است؛ مثل لفظ کلمه که هر چند حروف در کلمات عوض شود از کلمه بودن خارج نمی‌شوند. [رساندن مفهوم کافی است.]

۱۰- منشأ شبهه عدم جریان بحث مشتق در اسم زمان و جواب مصنف از آن را بیان نمایید. ص ۹۹ و ۱۰۰ - ۲ نمره

جواب: یکی از شرایط جریان نزاع در مشتق این است که مشتق دارای ذات و صفتی باشد که اگر صفت زائل شود، ذات باقی بماند (تا بحث کنیم انصاف آن به ما انقضی عنه المبدأ صحیح است یا خیر؟) در حالی که در اسم زمان با زوال صفت، ذات هم زائل می‌گردد (بخاطر آن که زمان متصرف الوجود است و با آمدن زمان لاحق، زمان سابق منعدم خواهد شد). (۱ نمره)

جواب مصنف: این اشکال وقتی وارد است که برای اسم زمان یک لفظ خاص مستقلی وجود داشته باشد، در حالی که هیئت اسم زمان برای اعم از اسم زمان و مکان وضع شده است، یعنی برای جامع آن دو وضع گردیده است، لذا به خاطر همین معنای جامع صحیح است به خاطر اسم مکان که قابلیت انصاف به مالنقضی عنه المبدأ را دارد، آن را داخل در محل نزاع بدانیم. (۱ نمره)

۱۱- مفهوم موافق و مخالف را با ذکر مثال تعریف کنید و مراد از نزاع در حجیت مفهوم چیست؟ ص ۱۵۶ و ۱۵۷ - ۲ نمره

جواب: مفهوم موافق: مفهومی که حکم در آن موافق سخن حکم موجود در منطوق است. مثل: دلالة اولویة در «لا تقل لهما اف» بر نهی از ضرب و شتم والدین. مفهوم مخالف: مفهومی که حکم در آن با سخن حکم موجود در منطوق مخالف است. مثل: مفهوم شرط در مثال: «ان جاء فاکرمه». «ان لم یجىء زید فلا یجب اکرامه».

نزاع در حجیت مفهوم در حقیقت نزاع در وجود دلالت بر مفهوم است یعنی آیا جمله ظهور در مفهوم دارد یا خیر؟ و الا اگر جمله ظهور داشت قطعاً حجت است.

۱۲- دو مورد از ادله قائلین به مفهوم وصف را به همراه پاسخ آن بیان کنید. ص ۱۷۲ - ۲ نمره

جواب: ۱. اگر وصف ب انتفاء حکم هنگام انتفاء وصف دلالت نکند فایده‌ای نخواهد داشت؛ (۵/۰ نمره) جواب: فایده وصف منحصر نیست در اینکه به حکم مربوط باشد بلکه محدود کردن موضوع حکم و مفید نمودن موضوع نیز به عنوان فایده وصف کافی است. (۵/۰ نمره)

۲. وصف مشعر به علیت است لذا لازم است که حکم منوط به آن باشد؛ (۵/۰ نمره) جواب: این مشعر بودن هر چند مسلم است اما تا زمانی که به اندازه ظهور نرسد برای دلالت بر مفهوم کفایت نمی‌کند. (۵/۰ نمره)

۳. اصل در قیود این است که احترازیه باشد. جواب: این مسلم است ولی معنای احتراز تضییق دایره موضوع و اخراج ماسوای قید از شخص حاکم بر اوست.


۴. استدلال به جمله‌هایی که دلالتشان بر مفهوم ثابت شده است. مثل «مطل الغنی ظلم»

جواب: ما دلالت تقیید به وصف را در جایی که قرینه باشد نفی نمی‌کنیم بلکه موضوع بحث ما جایی است که وصف فقط خودش باشد نه قرینه. (ذکر دو مورد کافی است.)

* سؤال زیر مختص طلاب غیر حضوری مکاتبه‌ای می‌باشد:

۱۳- تفاوت میان دلالت اقتضاء و تنبیه را بیان نموده برای هر یک مثال بزنید. ص ۱۸۶ س ۷ - ۲ نمره

جواب: در دلالت اقتضاء صدق کلام یا صحت آن متوقف بر آن دلالت است ولی در دلالت تنبیه اینگونه نیست و فقط سیاق کلام بگونه‌ای است که به خاطر این دلالت قطع حاصل می‌شود به اراده آن لازم و یا اینکه عدم اراده‌ی آن لازم بعید می‌نماید. مثال برای دلالت اقتضاء: لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام به تقدیر احکام و آثار؛ و مثال برای دلالت تنبیه: انی عطشان برای دلالت بر طلب آب.



امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

شهریور سال تحصیلی ۹۵-۹۴
رشته لغت، تاریخ، اخلاق و ادبیات عرب و روزی مهر ۹۴

مهر مدرسه

کردن:	۳۹۳۳/۰۵	کتاب:	۲۳۹۵/۰۶/۰۷
زمان:	اصول فقه ۱	کتاب:	اصول فقه مظفر
صفحه:	چهار اور و دویم از ابتدای کتاب تا ابتدای عام و خاص (ص ۱۸۸-۲۷)	موضوع:	به استثنای اواخر و توابع (ص ۱۵۲-۱۰۵)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: دروس پایه: شهرت: استان:

- ۱- حکمی که به خاطر «جهل به حکم واقعی» ثابت می‌شود، چه نام دارد؟ دلیل دال بر آن چیست؟ ص ۵۰

الف. اضطراری - فقهاتی

ب. ظاهری - فقهاتی

ج. ثانوی - اجتهادی

د. واقعی - ثانوی

۰/۵
- ۲- «وضع» در کدام گزینه «نوعی» است؟ ص ۶۷ و ۶۸

الف. وضع «الذی» برای صله.

ب. وضع «ان» برای بیان شرطیت.

ج. وضع «انسان» برای حیوان ناطق.

د. وضع هیات «فاعل» برای اسم فاعل.

۰/۵
- ۳- به نظر مصنف (ره) منشأ «أصالت حقیقت و أصالت عموم» چیست؟ ص ۷۵ و ۷۶

الف. اصالت ظهور

ب. اصالت اشتراک

ج. اصالت عدم نقل

د. اصالت عدم تقدیر

۰/۵
- ۴- کدام گروه از کلمات، همگی مشتق در علم اجرام است؟ ص ۸۷

الف. آخ - عالم - رقی

ب. آخ - عالم - عظیم

ج. آخ - عالم - ناطق

د. عالم - عظیم - ناطق

۰/۵
- ۵- دلالت جمله شرطیه بر انحصار شرط به موجب چه امری است؟ ص ۱۶۲

الف. صحت حمل

ب. اطلاق

ج. اطراد

د. وضع

۰/۵
- ۶- مفهوم غایت در عبارت «صم حتی تغیب الشمس» کدام است؟ ص ۱۷۴

الف. لا یجب الافطار بعد ان تغیب الشمس

ب. یجب الصوم قبل ان تغیب الشمس

ج. لا یجب الصوم بعد ان تغیب الشمس

د. افطر بعد ان تغیب الشمس

۰/۵
- ۷- به نظر مصنف (ره) آیا دلالت تابع اراده است؟ توضیح دهید. ص ۶۵ و ۶۶ - ۲ نفره

جواب: بله (۱/۲۵) نمژه زیرا دلالت عبارت است از اینکه از دال به مدلول برسیم و در دلالت‌های وضعی مدلول ما موضوع له است نه صرف انتقال ذهن و تداعی معانی [که موضوع له نیستند] و الفاظ بر معانی شان وضع شده‌اند به این صورت که متکلم از بیان لفظ معنای آن را اراده می‌کند نه صرف انتقال ذهن در نتیجه دلالت در الفاظ تابع اراده است. مثلاً با شنیدن لفظ متکلم به مقصود و مراد او برسیم و بفهمیم که او می‌خواسته است، آن معنی را به ما بفهماند، بنابر این تا وی قصد معنا را نکرده باشد، اصلاً مقصودی وجود ندارد تا بر آن دلالت کند. (۱/۷۵) نمژه (رساندن مفهوم پاسخ کافی است).

۲

به نام خدا

نمونه سوالات اصول فقه 3

سطح 2

برای دانلود نمونه سوالات و جزوات حوزه های علمیه خواهران
به ادرس زیر مراجعه کنید.

<https://bankejozavatehoze.kowsarblog.ir/>



امتحانات سترکز عمومی (سطح ۲)

تیرم، سال تحصیلی ۹۳-۹۲
۹۹ خرداد ماه
۹۹ شهریور ماه


شماره ...

نام و نام خانوادگی	شماره ثبت	شماره کارت

کتاب	۹۹۳۳/۲۱
کتاب	۸-۶-۱۳۹۳
موضوع	اصول فقه ۳
کتاب	درس فی علم الاصول احقنه تالیف سورانی
موضوع	۲ فصل اول فقه در نظر امامان شیعه

نام و نام خانوادگی: _____ شهر: _____ استان: _____

- ۱- اگر شارع در «سیره عقلاء» فقط عمل خارجی را امضاء کند، سیره چه احکامی را اثبات می‌کند؟
- الف. جواز عمل
 ب. احکام خصه
 ج. حکم وضعی
 د. همه احکام
- ۲- یا کدام احتمال در روایات «من بلغ» قاعده «تسامح در ادله سنن» اثبات می‌شود؟
- الف. الارشاد الی حکم العقل
 ب. جعل الحجية لمطلق اللوغ
 ج. انشاء استحباب واقعی نفسی
 د. الوعد المولوی لمصلحة فی نفس الوعد
- ۳- در کدام مرحله از حکم، اخذ قید «علم به جمل» امکان دارد؟
- الف. مطبعت
 ب. اراده
 ج. جعل
 د. مجبول
- ۴- مراد از عبارت «ان الاوامر متعلقة بالافراد و ليس بالطبائع» در بحث «وجوب تخییری» چیست؟
- الف. ارجاع وجوب عقلی به وجوب مشروط
 ب. ارجاع وجوب شرعی به وجوب مشروط
 ج. ارجاع وجوب شرعی به وجوب عقلی
 د. ارجاع وجوب عقلی به وجوب جامع
- ۵- اگر کسی زراعت دیگری را برای انقاد غریق تلف کند ولی بعد از التلافی، غریق را نجات ندهد، در صورت امتناع اجتماع امر و نهی یا چه میثاقی «اتلاف» جایز است؟
- الف. قبول وجوب غیری در مقدمه موصله
 ب. قبول وجوب غیری در مطلق مقدمه
 ج. قبول وجوب غیری عقلی نه شرعی
 د. عدم قبول وجوب غیری مطلقا
- ۶- اشکال استدلال به «مقدمیت عدم شد» برای اثبات «وجوب فعل، مقتضی حرمت شد خاصش است» چیست؟
- الف. مخالفت قطعیه
 ب. تسلسل
 ج. لموت
 د. دور
- ۷- چهار عامل موثر در حساب احتمالات برای حجیت اجماع را نوشته، تاثیر هر کدام بر حساب احتمالات چگونه است؟



امتحانات سراسر عمومی (سطح ۲)

سال تحصیلی ۱۳۹۴-۹۵
شماره دفتر: ۹۵۹۰۰۰۰۰۰
شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۰۰۰۰۰۰

نام و نام خانوادگی	شماره پرسنلی	شماره ثبت	شماره کارت	شماره شناسنامه

۱- بنابر نظر شهید صدر (ره) مدلول سیره عقلانیه تا چه حدی حجت است؟

الف. مختص بالمعامل المباشر فيه عقلاً فی عصر المعصوم.
 ب. لا یصل علی اکثر من الجواز الا بتیة حکم الوصی.
 ج. بمقدار المعارس من السلوک خاصه.
 د. بمقدار النکته المرکوزة العقلانیة.

۲- «عدم ردع» در کدامیک از سیره‌های عقلانیه و متشرعه شرط است؟

الف. برخی اوقات سیره متشرعه
 ب. سیره عقلانیه و متشرعه
 ج. فقط سیره عقلانیة
 د. فقط سیره متشرعه

۳- در فرضی که روایات ناهیه از تفسیر به رأی به حسب اطلاق خودشان شامل عمل به ظواهر کتاب نیز بشوند، چه نسبتی بین «سیره متشرعه بر عمل به ظواهر» و «اطلاق روایات ناهیه» وجود دارد؟

الف. روایات چون دلیل لفظی است مقدم می‌شود.
 ب. روایات، سیره را ردع کرده و مقدم می‌شود.
 ج. اطلاق روایات، مقید سیره متشرعه است.
 د. سیره متشرعه، مقید اطلاق روایات است.

۴- کدامیک از مراتب تکلیف به نقل شهید مشروط به قدرت است؟

الف. ابدان و اراده
 ب. حمل و ابدان
 ج. ملاک و اراده
 د. ملاک و ابدان

۵- اگر واجب تخییری را به شکل واجب مشروط تفسیر کنیم، چه لازمه‌ای دارد؟

الف. تعدد العناب بترک کلا الامرین معاً.
 ب. تعدد الامتثال باتیان کلا الامرین معاً.
 ج. عدم جواز التقرب باحد العنابین بخصوصه.
 د. عدم تعدد الملاک فی الامرین المختلفین.

۶- در چه صورتی دو خطاب «اکرم عالماً» و «لا تکرّم زید العالم»، با یکدیگر قابل اجتماع هستند؟

الف. تعلق وجوب به جامع و عدم سرایش به حصص
 ب. بازگشت وجوب «اکرم» به وجوه مشروطه
 ج. تعلق وجوب به جامع و سرایش به حصص
 د. وجود مادی وجوب در اکرام زید

۷- دو نکته کانسفیت سکوت از اتمشاء در عبارت «و کانسفیه السکوت عن الامضاء یمن ان توجه بنکتین، عقلیه و استظهاریه» را توضیح دهید.

امتحانات سراسر عمومی اصول فقه ۲ - ۱۳۹۴/۹۵

۹- تخریب دلالت آیه شریفه نفر بر وجوب حشر را بیان نمایید و با توجه به عبارت «أن وجوب الحشر مترتب علی عنوان الانتذار دون الإخبار» اشکال آن را توضیح دهید.

□ □

۱۰- به نظر شهید چرا استدلال به آیه شریفه «فَوَالَّذِي نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ مِنْ أَمْرِ الْكِتَابِ وَأُخْرٌ مُتَشَابِهَاتٌ...» «در سر» برای عدم حجیت ظواهر قرآن صحیح نیست؟ (دو وجه بیان نمایید)

□ □

۱۱- مراد از قضیه عقلیه تحلیلیه و ترکیبیه را با ذکر مثال تبیین نمایید.

□ □

۱۲- انواع قیود واجب و معیار شناخت آنها را توضیح دهید.

□ □

۱۳- در ضمن یک مثال کیفیت حل مسائل مقدمات مقومه را با پذیرش شرط متأخر تبیین نمایید.

□ □

۱۴- دلیل کسانی که می گویند ثبوت وجوب غیر لزمه ندارد را بیان نمایید و نمره‌ای که شهید برای آن بیان می کند را به همراه مثال بتوسیع.

□ □

۱۵- کیفیت استدلال به قیاس و استقراء برای استنباط حکم شرعی و دلیل بطلان آن دو را بیان نمایید.

□ □

«سامانه پیام کوتاه ۰۰۰۰۱۷۱۷۱۶۴۶۱ اداره سنجش معادلت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و اطلاعات پیرامون سؤالات امتحان می باشد.»
«در صورت ارسال پیام کوتاه، شماره گزین امتحان و شماره سوال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و به روزگاری ضروری می باشد.»

مستندات حقوقی سرپرست امورالانگه ۳

کد: ۱۳۳۱۰۷۰

بسم الله الرحمن الرحيم
در خصوص استفسار از توجیه در عبارت «لا ازم قدر اول حصار عن واعتر مسلمة بتمتة وان احتمال كالتمة

والتحسين...

۹- تخریب دلالت ایه شریفه نفر بر وجوب حشر را بیان نمایید و با توجه به عبارت «أن وجوب الحشر مترتب علی عنوان الانتذار دون الإخبار» اشکال آن را توضیح دهید.

□ □

۱۰- به نظر شهید چرا استدلال به ایه شریفه «فَوَالَّذِي نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ مِنْ أَمْرِ الْكِتَابِ وَأُخْرٌ مُتَشَابِهَاتٌ...» در سر «برای عدم حجیت ظواهر قرآن صحیح نیست؟ (دو وجه بیان نمایید)

□ □

۱۱- مراد از قضیه عقلیه تحلیلیه و ترکیبیه را با ذکر مثال تبیین نمایید.

□ □

۱۲- انواع قیود واجب و معیار شناخت آنها را توضیح دهید.

□ □

۱۳- در ضمن یک مثال کیفیت حل مسائل مقدمات مقومه را با پذیرش شرط متأخر تبیین نمایید.

□ □

۱۴- دلیل کسانی که می گویند ثبوت وجوب غیر لمره ندارد را بیان نمایید و نمره ای که شهید برای آن بیان می کند را به همراه مثال بتوسیع.

□ □

۱۵- کیفیت استدلال به قیاس و استقراء برای استنباط حکم شرعی و دلیل بطلان آن دو را بیان نمایید.

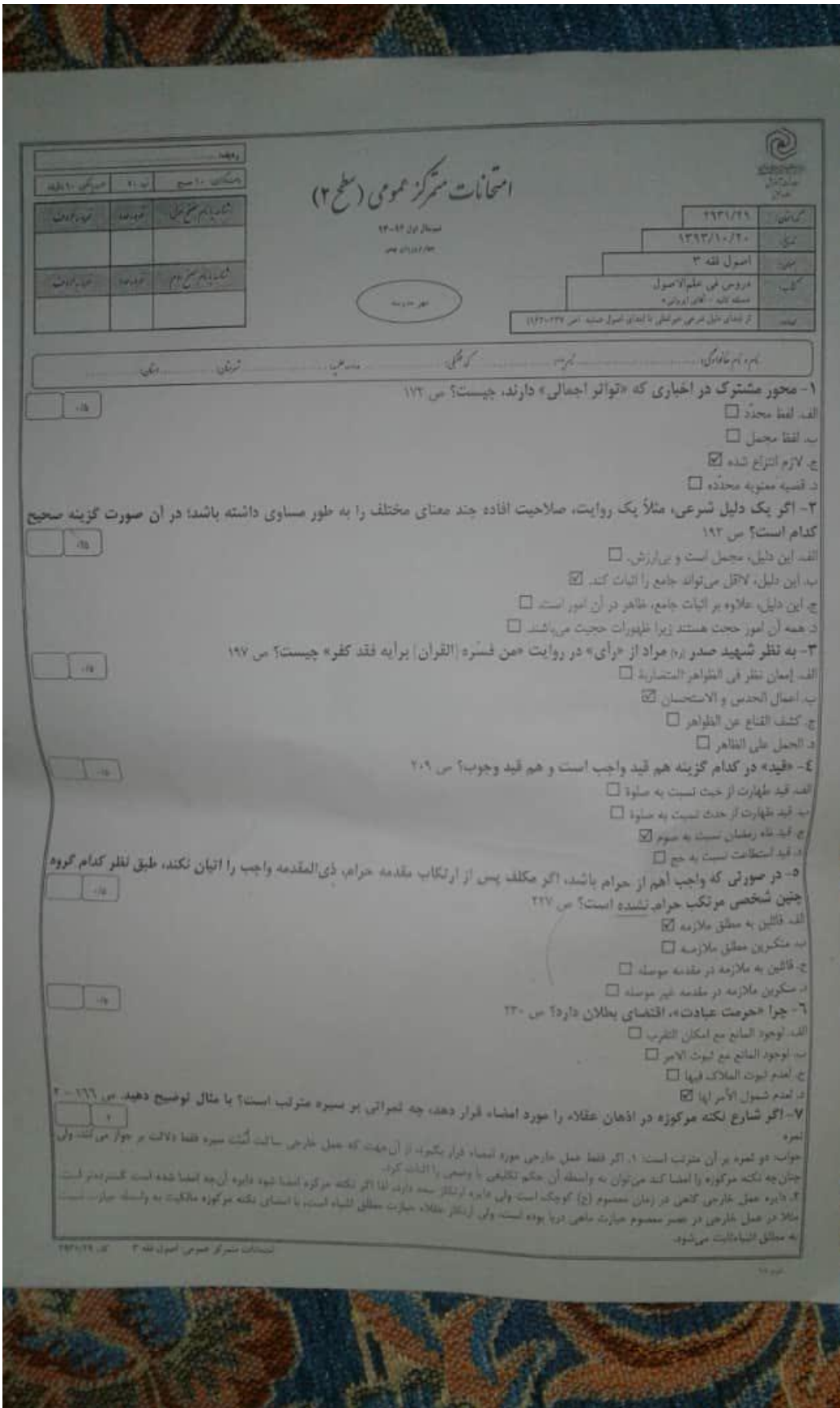
□ □

«سامانه پیام کوتاه ۰۰۰۰۱۷۱۷۱۶۶۶۱ اداره سنجش معادلت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و اطلاعات پیرامون سؤالات امتحان می باشد.»
«بر صورت ارسال پیام کوتاه، شماره گزین امتحان و شماره سوال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و به روزگاری ضروری می باشد.»

مسابقات علمی کورس اصول فقه ۳ - ۱۳۹۱/۹۷

بسم الله الرحمن الرحیم
در ضمن توضیح به عبارات لا ازمقدر والحقار عن واعتر مسلمة بقرينة دل احتمال فائز

والله اعلم



امتحانات سترکز عمومی (سطح ۲)

اسفند ماه ۱۳۹۱ - ۱۳۹۲
شماره ۱۳۹۱/۹۲

شماره پرسشنامه



مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران

نام و نام خانوادگی	شماره پرسشنامه	شماره برگه
نام و نام خانوادگی	شماره پرسشنامه	شماره برگه
نام و نام خانوادگی	شماره پرسشنامه	شماره برگه

شماره پرسشنامه	۱۳۹۱/۹۲
شماره برگه	۱۳۹۱/۹۲ - ۱
موضوع	اصول فقه ۳
کتاب	فروع فی علم الاموال مکته نامه - آثار آیت الله العظمی
تاریخ	از ابتدای خرداد ماه تا ابتدای اسفند ماه ۱۳۹۱ - ۱۳۹۲

نام و نام خانوادگی: کد ملی: شماره پرسشنامه: شماره برگه: نامی:

۱- محور مشترک در اخباری که «تواتر اجمالی» دارند، چیست؟ ۱۷۲

الف. لفظ محدد

ب. لفظ محتمل

ج. لازم اتزان شده

د. قسبه معنویه محذره

۲- اگر یک دلیل شرعی، مثلاً یک روایت، صلاحیت افاده چند معنای مختلف را به طور مساوی داشته باشد؛ در آن صورت گزینه صحیح کدام است؟ ۱۷۳

الف. این دلیل، مجمل است و بی ارزش.

ب. این دلیل، لاقط می تواند جامع را اثبات کند.

ج. این دلیل، علاوه بر اثبات جامع، ظاهر در آن امور است.

د. همه آن امور حجت هستند زیرا ظواهرات حجت می باشند.

۳- به نظر شهید صدر (ره) مراد از «رای» در روایت «من شئره القرآن» برایه فقد کفر» چیست؟ ۱۷۴

الف. ایمان نظر فی الظواهر المتضاربه

ب. اعمال الحدیث و الاستحسان

ج. کشف القناع عن الظواهر

د. الحمل علی الظاهر

۴- «قید» در کدام گزینه هم قید واجب است و هم قید وجوب؟ ۲۰۹

الف. قید طهارت از حیث نسبت به سنویه

ب. قید طهارت از حدت نسبت به سنویه

ج. قید ماه رمضان نسبت به صوم

د. قید استطاعت نسبت به حج

۵- در صورتی که واجب اهم از حرام باشد، اگر مکلف پس از ارتکاب مقدمه حرام، ذی المقدمه واجب را اتیان نکند، طبق نظر کدام گروه چنین شخصی مرتکب حرام نشده است؟ ۲۱۷

الف. فاضلین به مطلق ملازمه

ب. منکرین مطلق ملازمه

ج. فاضلین به ملازمه در مقدمه مومنه

د. منکرین ملازمه در مقدمه غیر مومنه

۶- چرا «حرمت عبادت»، اقتضای بطلان دارد؟ ۲۳۰

الف. لوجود مانع مع امکان التفریب

ب. لوجود مانع مع نیت الامر

ج. لعدم نیت الملائک فیها

د. لعدم حصول الامر ایا

۷- اگر شارع لکنه مرکوزه در اذهان عقلاء را مورد امضاء قرار دهد، چه تصرفاتی بر سیره متقلب است؟ یا مثال توضیح دهید. ۲۶۶ - ۲۶۷

نعمه

جواب: دو نعمه بر آن مترتب است: ۱. اگر فقط عمل خارجی مورد تمیضاء قرار بگیرد، از آن جهت که عمل خارجی سائلت گشته سیره فقط دلالت بر جواز می کند ولی چون چه لکنه مرکوزه را امضاء کند می توان به واسطه آن حکم تکلیفی یا وضعی را اثبات کرد.

۲. دایره عمل خارجی گاهی در زمان مضموم (ح) کوچک است ولی دایره ارتکاز سعه دارد لذا اثر لکنه مرکوزه تمیضاء دایره آن چه امضاء شده است گسترده تر است.

۳. دایره عمل خارجی گاهی در عصر مضموم عبارت ماهی دریا بوده است ولی ارتکاز عقلاء عبارت مطلق اشیا است، با استناد لکنه مرکوزه ملاکیت به واسطه عبارت است.

۴. دایره عمل خارجی در عصر مضموم عبارت ماهی دریا بوده است ولی ارتکاز عقلاء عبارت مطلق اشیا است، با استناد لکنه مرکوزه ملاکیت به واسطه عبارت است.

به مطلق اشیا ملاکیت می شود.

۸- مراد از «خصائص عامه» و «خصائص نسیبه» در تواتر را با مثال توضیح دهید. ص ۱۷۲ - ۲ نمره

جواب: خصائص عامه هر خصوصیتی که با قطع نظر از آورنده خبر، به صحت یا کذب خبر کمک می‌کند از خصوصیات عامه به‌شمار می‌رود. مثل غریب بودن قصه‌ای که نقل شده است. هر مقدار این قسبه عجیب و غریب باشد مؤید دروغ بودن آن است. لذا باورش سخت‌تر است و نیاز به تواتر بیشتری دارد و هر مقدار قسبه بائوس‌تر باشد درستی آن است و با تواتر کمتر به آن یقین حاصل می‌شود.

خصائص نسیبه با توجه به اینکه راوی قابل‌اعتماد باشد، هر خصوصیتی که به صحت و کذب خبر کمک کند از خصائص نسیبه به‌شمار می‌رود. مثل اینکه یک راوی غیر امام خبری را نقل کند که دلالت بر امانت اهل بیت (ع) می‌کند. احتمال صحت این خبر یا توجه به خصوصیتی که ذکر شد قوی‌تر است زیرا امانت این خبر برای او مصلحتی نداشته باشد تا انگیزه دروغ گفتن داشته باشد.

۹- حجیت سیره عقلاء نیازمند «عدم ردع شارع» است. عدم ردع را با توجه به امکان ردع و عدم وصول آن، اثبات کنید. ص ۱۷۸ - ۲ نمره

جواب: از آن جهت که سیره عقلاء مستحکم است لازم است که نهی به صدور مکرر و مناسب با لغت آن از مولی در ردع صادر شود و اگر بولس درباره آن متدد باشد توجه راویان را به خود معطوف می‌کند و درباره آن سوال و جواب‌های فزونی بین آنان و آنه (ع) رد و بدل می‌شود و از آن جهت که انگیزه برای نقل این بولس وجود دارد اگر به دست ما نرسد می‌فهمیم که شارع آن سیره را اضاء کرده است و اگر نه حتماً ردعش به دست ما می‌رسد.

۱۰- دو جواب شهید صدر (ره) بر استدلال به روایت «ما علمتم انه من قولنا فالزموه» و ما له تعلموا فزوه اینا» برای نفی حجیت خبر واحد را بنویسید. ص ۱۷۷ - ۷۵ نمره

جواب: اولاً این روایت از خبر واحد ضعیف است که دلیلی بر حجیتش نداریم. (۱/۵ نمره) ثانیاً این روایت خودش را نیز شامل می‌شود، چرا که صدورش معلوم نیست و علم نداریم از آنکه باشد و احتمال هم نمی‌دهیم که خصوصیتی داشته باشد که موجب ردعش یا بقیه اخبار بشود تا خودش را شامل شود. لذا حجیتش منقطع است زیرا دلالت بر عدم حجیت خودش می‌کند. (۱ نمره)

۱۱- چرا فقط ظهور تصدیقی می‌تواند موضوع حجیت ظواهر باشد و ظهور تصویری نمی‌تواند؟ ص ۱۷۳ - ۱/۵ نمره

جواب: زیرا معنای حجیت، اثبات مراد مستکتم است. به وسیله کلاشق و ظهور تصدیقی گانفد این مراد است. در حالی که ظهور تصویری از آن جهت که فقط موجب احتیاط و تسویر معنا است، کشف از چیزی نمی‌کند تا به دنبال اثبات کردن آن باشیم.

۱۲- دلیل استثناء ظواهر کتاب از تحت حجیت ظواهر در عبارت «ان القرآن الکریم داخل تحت قسم المجمل و لیس تحت الظاهر» را نوشته. جواب شهید صدر (ره) از آن را بنویسید. ص ۱۶۸ - ۱۶۹ - ۲ نمره

جواب: زیرا عقول متعال یا تمدن آن را مجمل قرار داده است تا مردم برای فهم آن نیازمند امام (ع) باشند. اینک واقعیت قرآن از آن جهت که مشتمل بر مفاهیم و معانی بالایی است، چینی انضمامی دارد که فهمش مشکل باشد.

سایح شهید، اما وجه اول صحیح نیست زیرا تعدد شارع در احوال گوی، مخالف حکمت برول قرآن است و مرتبط شدن با امام (ع) هم فرع این است که بر اصل دین حجیت قائم شود که این حجت جز از طریق فهم قرآن ممکن نیست.

و وجه دوم صحیح نیست زیرا اولاً بودن مفاهیم قرآن نباید به گونه‌ای باشد که موجب تقویت هدف قرآن که هدایت است شود. لذا برای اینکه هدف هدایت محقق شود باید معانی قابل فهم باشند. [نوشتن یک دلیل و جواب آن کفایت می‌کند]

۱۳- مراد از شرط متأخر را در ضمن یک مثال تبیین نمایید و دلیل قائلین به استحاله شرط متأخر را بنویسید. ص ۲۱۱ - ۲ نمره

جواب: به شرطی که از جهت زمانی متأخر از وجوب یا واجبه باشد شرط متأخر گفته می‌شود. مثل غسل استنجاسه شب یک شبه که شرط صحت زوره روز شبه است. یعنی مشروطه که روزه است مشروط است بر صحتی که فراتر است شب آورده شود.

وجه استحاله شرط است به مشروطه مانند علت به معلول است. مفسر علت نمی‌تواند متأخر از معلول باشد شرط هم نمی‌تواند متأخر از مشروط باشد.

۱۴- تحقیق شهید صدر (ره) درباره اجتماع امر و نهی در جایی که اختلاف متعلق آن‌ها به اطلاق و تقیید است را طبق مبانی مختلف تبیین نمایید. ص ۲۲۳ و ۲۲۴ - ۲ نمره

جواب: مثلاً امر به طبعی نماز نطق گرفته است و نهی به حصصی از نماز مثل نماز در حمام شده می‌فرماید متعلق وجوب به طبعی مستدعی تخیر عطفی این حصص نماز است. یعنی مکلف هر فرقی از نماز را می‌تواند ایجاب کند. (۱/۵ نمره) با توجه به این مطلب، اگر گفتیم که تخیر عطفی به نحو وجوب مشروطه است. یعنی هر حصصی از نماز وجوب مشروط دارد. در این صورت حصصی که متعلق نهی قرار گرفته است هم متعلق وجوب است و هم حرمت است و از آن‌جا که اجتماع دو حکم متعالی محال است اجتماع امر و نهی منقطع است.

اگر قائل به وجوب مشروطه بشویم و گفتیم وجوب به جامع نطق گرفته است ولی از آن به فرادش حرایت می‌کند یا لاقلاً حدی شارع به آن‌ها نطق می‌گیرد. در این صورت هم لازم می‌آید اجتماع وجوب و حرمت یا حد و نهی بر نهی واحد که این هم محال است و در نتیجه اجتماع امر و نهی طبق این مبنا هم منقطع است. اگر قائل به نطق جمعی به جامع شدیم ولی حرایت یا بیدارباش، متعلق وجوب و حرمت دو شیء مختلف می‌شود و دیگر اجتماع امر و نهی بر نهی واحد نیست تا قائل به انشاع بشویم. (۱/۵ نمره)

۱۵- به همراه مثال توضیح دهید چرا بعد از وقوع شدن اضطرار در صورتی که «امر اضطراری عقیده به شمول اضطرار به تمام وقت نباشد» نیازی به اعاده نیست؟ ص ۲۲۲ - ۲ نمره

جواب: کسی که در اول وقت به دلیل ضعف جسمی شسته نماز می‌خواند واجب نیست پس از برطرف شدن ضعف داخل وقت، نماز را اضافه کند زیرا امر به نماز شسته نطق گرفته و این امر تعیینی نیست زیرا می‌تواند صبر کند و نماز را آخر وقت بعد از برطرف شدن ضعف بخواند پس این امر تحبیری است و به دو نحو می‌تواند این تخیر را فرض نمود. ۱- بین نماز اضطراری در حال حجز و نماز اختیاری در حال قدرت. ۲- تخیر بین جمع نماز اضطراری و اختیاری و نماز اختیاری که در این صورت تخیر بین اقل و اکثر است که خبر معمول پس نحوه اول تحبیر صحیح بوده و معنای تخیر این است که هر کدام را استمال کند کفایت می‌کند پس نیازی به اعاده نیست.

امتحانات عمومی سطح ۲

عنوان: ...

تاریخ	شماره	نام	نام خانوادگی
۱۱۲/۲/۲۲	۹۱/۳/۲۷	اصول فقه ۳	درس فی علم الاموال (المطلقة الثانية)
کتاب	موضوع	روز	تاریخ
۲۰	۲۰	۲۰	۲۰

۱- کدام گزینه از «خصائص نسبه» در تقسیم احتمال خیر متواتر محسوب می‌شود؟

الف. نذرت و نذات مخیر

ب. مترقبه بودن مفاد خیر

ج. فراغت محتوای خیر فی نفسه

د. مخالفت مفاد خیر با اعتقاد مخیر

۲- اگر تقیید موضوع حکم به قید «علم به حکم» را محال و تقابل اطلاق و تقیید را تقابل سلب و ايجاب بدانیم، کدام گزینه صحیح خواهد بود؟

الف. اطلاق محال و احکام مختص به عالم هستند.

ب. اطلاق ضروری و احکام مختص به عالم هستند.

ج. اطلاق ضروری و احکام مشترک بین عالم و جاهل هستند.

د. اطلاق محال و احکام مشترک بین عالم و جاهل هستند.

۳- مورد نزاع اصولیون در موضوع «وجوب مقدمه واجب» کدام است؟

الف. آیا مقدمات واجب و وجوب شرعی خیری دارند یا نه؟

ب. آیا مقدمات واجب و وجوب عقلی نفسی دارند یا نه؟

ج. آیا مقدمات واجب و وجوب عقلی خیری دارند یا نه؟

د. آیا مکلف مسئول ایجاد مقدمات عقلیه و شرعیه است یا نه؟

۴- «وثاقت» در حجت خیر تقه باید چگونه لحاظ شود تا خیر «شخصی که راستگویی او محرز نیست اما قرائنی ظنی به صحت خیر او داریم» حجت باشد؟

الف. طریقیت

ب. موضوعیت

ج. طریقیت و سببیت

د. سببیت و سببیت

۵- مکلف مسئول ایجاد قید در کدام نوع از قیود است؟

الف. قید وجوب و واجب

ب. قید وجوب

ج. قید واجب

د. قید موضوع

۶- در فرضی که روایات ناهیه از تفسیر به رأی به حسب اطلاق خودشان شامل عمل به ظواهر کتاب نیز بشوند، چه نسبتی بین «سیره منتشره بر عمل به ظواهر» و «اطلاق روایات ناهیه» وجود دارد؟

الف. روایات چون دلیل لفظی است مقدم می‌شود.

ب. روایات، سیره را راجع کرده و مقدم می‌شود.

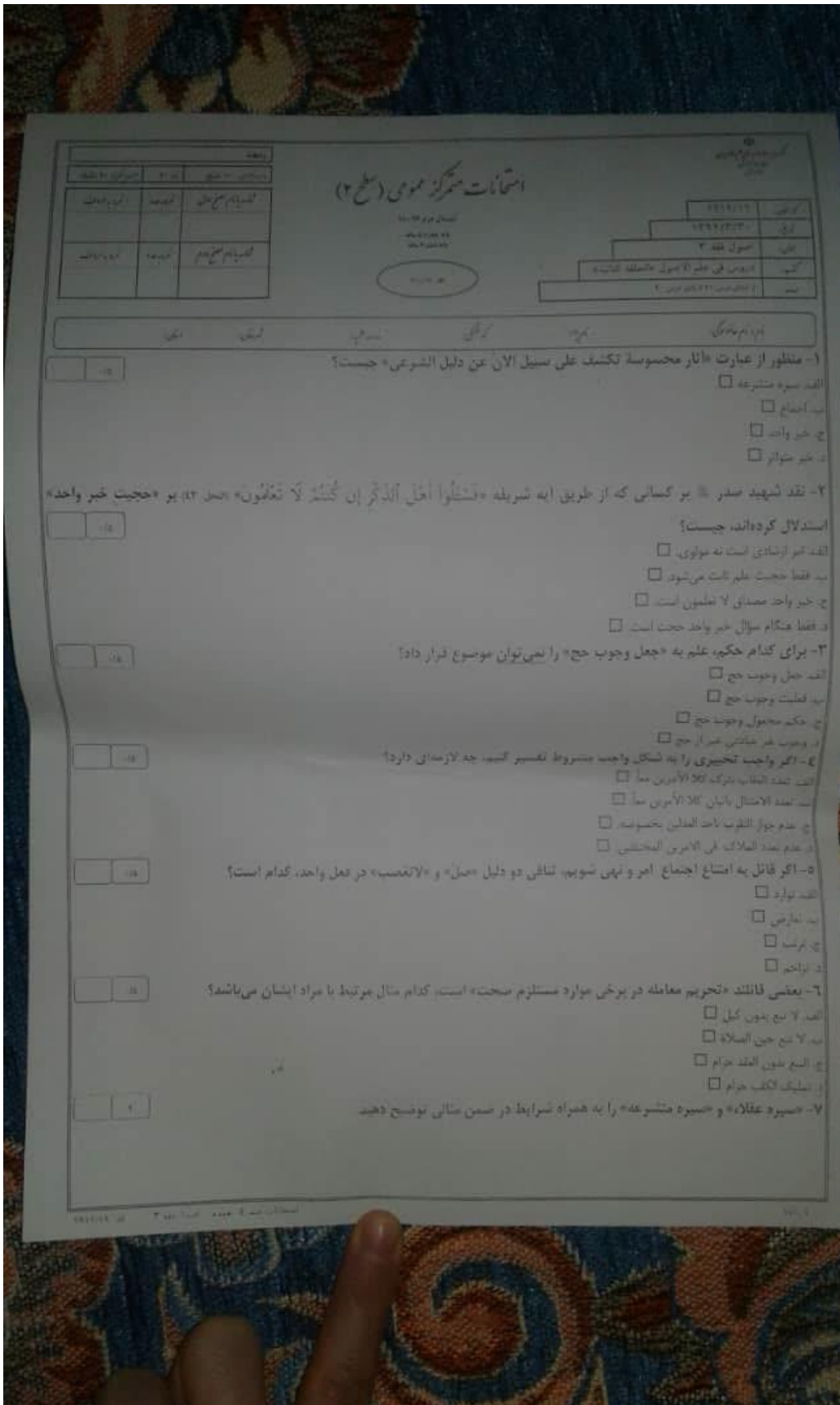
ج. اطلاق روایات، مقید سیره منتشره است.

د. سیره منتشره، مقید اطلاق روایات است.

امتحانات عمومی اصول فقه ۳ - ۱۱۲/۲/۲۲

شماره ۱۲

- ۷- چگونه می توان ثابت کرد که ردعی از جانب معصوم (ع) نسبت به سیره عقلانی معاصر ایشان، صادر نشده است؟ ۲
- ۸- نحوه استدلال به آیه شریفه «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نُفِرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» برای اثبات «حجیت خبر واحد» را تبیین کرده، یک نقد بر استدلال آن بنویسید. ۲
- ۹- دو خصوصیتی را که «مروی خبر عادل» برای حجیت باید داشته باشد، به همراه دلیل آن بنویسید. ۲
- ۱۰- موضوع «حجیت ظواهر»، ظهور ناشی از دلالت تصویری است یا تصدیقی؟ چرا؟ ۱
- ۱۱- با ذکر دلیل توضیح دهید؛ قدرت در کدام یک از مراحل حکم دخالت دارد و در کدام مرحله دخالت ندارد؟ ۲
- ۱۲- مراد از «واجب معلق» را به همراه مثال توضیح دهید. ۱/۵
- ۱۳- آیا می توان فرض کرد، نماز گزار شرعاً مختار باشد بین «سلام دوم» و «سلام دوم و سوم»؟ توضیح دهید. ۱
- ۱۴- بنا بر نظر شهید صدر (ره) آیا بین «وجوب مقدمه» و «وجوب ذی المقدمه» در مقام «جعل» و «اراده» تلازم وجود دارد؟ چرا؟ ۲
- ۱۵- معامله به معنای «سبب» و «مسبب» را توضیح داده، آیا نهی از معامله به معنای سبب، مقتضی بطلان معامله است؟ چرا؟ ۲
- ۱۶- دلیل کسانی که قاتل به عدم حجیت «دلیل عقلی قطعی» هستند را بیان کرده، نقد شهید صدر (ره) را بر آن بنویسید. ۱/۵
- سامانه پیام کوتاه ۰۳۰۰۰۲۱۴۲۲۱ اداره سنجش معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می باشد.
در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می باشد.



امتحانات متمرکز عمومی (مخ)

تاریخ برگزاری: ۱۳۹۹/۰۳/۰۳
مکان: ...

کلاس	۱۳۹۹/۰۳/۰۳
روز	۱۳۹۹/۰۳/۰۳
ساعت	۳
گروه	...
نام	...

نام خانوادگی	...
شماره ثبت نام	...
شماره شناسنامه	...
شماره کارت ملی	...

نام و نام خانوادگی: ... کلاس: ...

- ۱- منظور از عبارت «أثار محسوسة تكشف علی سبیل الآن عن دلیل الشرعی» چیست؟
- الف. سوره متشرعه
 - ب. اجماع
 - ج. خبر واحد
 - د. خبر متواتر
- ۲- تقد شهید صدر «... بر کسانی که از طریق این شریفه «تَشَلُّوا أَعْلَى الْأَذْخَرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْمَلُونَ» (سنن ۱۲) بر «حجیت خبر واحد» استدلال کرده‌اند، چیست؟
- الف. خبر ازشنادی است نه موثقی
 - ب. فقط «حجیت علم ثالث» می‌شود
 - ج. خبر واحد مصداق «لا یطمینون» است
 - د. فقط هنگام سؤال خبر واحد حجت است
- ۳- برای کدام حکیم، علم به «جعل وجوب حج» را نمی‌توان موسوع قرار داد؟
- الف. جعل وجوب حج
 - ب. فعلت وجوب حج
 - ج. حکم جعل وجوب حج
 - د. وجوب هر مشکلی غیر از حج
- ۴- اگر واجب تخییری را به شکل واجب مشروط تفسیر کنیم، چه لازمه‌ای دارد؟
- الف. تعدد التکلیف بزرگ‌تر از الاثرین می‌آید
 - ب. تعدد الامتثال باین «لا الاثرین می‌آید
 - ج. عدم جواز التوب بعد العین بخصوص
 - د. عدم تعدد التکلیف فی الاثرین المختلف
- ۵- اگر قائل به امتناع اجتماع امر و نهی شویم، تلفظ دو دلیل «سنن» و «لا تعصب» در فعل واحد، کدام است؟
- الف. نواز
 - ب. نماز
 - ج. نرس
 - د. نراجم
- ۶- بعضی فائده «تحریم معامله در برخی موارد مستلزم سبحت» است، کدام مثال مرتبط با مراد ایشان می‌باشد؟
- الف. لا بیع بون کف
 - ب. لا بیع بین الصلاة
 - ج. البیع بدون العقد حرام
 - د. تلبیک الکف حرام
- ۷- «سیره عتلاء» و «سیره متشرعه» را به همراه شرایط در ضمن مانی توضیح دهید.

۸- یک دلیل بر «حجیت ظهور» بیان کرده، توضیح دهید موضوع حجیت ظهور چیست؟

۱

۹- در دلالت آیه شریفه نیا بر حجیت خبر واحد اشکال شده است که شرط محقق موضوع است، اشکال و جواب صاحب کفایه از آن را تقریب نمایید

۲

۱۰- چهار احتمال در مدلول روایت «من سمع شیئا من الثواب علی شيء فصنعته کان له و ان لم یکن علی ما یبلغه» را بنویسید

۳

۱۱- برای استدلال بر «عدم حجیت ظواهر قرآن» به روایاتی تمسک شده است که تفسیر به رأی را کفر می دانند، دو جواب شهید صدر «در دو خصوص این روایات را بنویسید»

۴

۱۲- با توجه به عبارت «الا انه یمكن تصور التوبة لو افترضا ان وجوب القضاء یدور مدار فوات الملاك علی المكلف بعد فرض توبته فی حقه رقم عجزه»، نمره اشتراط نفس تکلیف به قنوت و عدم آن را بنویسید

۵

۱۳- شهید صدر «برای اشتراط تکلیف به قدرت به معنای اغیر چه برهانی اقامه می کند؟

۶

۱۴- دو خطبات «صل» و «لا تمسب» طبق کدام مبنا قابل اجتماع و طبق کدام مبنا غیر قابل اجتماع هستند؟ نمره هر یک از این مبانی را در بحث اجتماع امر و نهی توضیح دهید

۷

۱۵- آیا «نسخ حقیقی» در احکام الهی امکان دارد؟ به تفصیل توضیح دهید

۸

سازمان پژوهش‌های فقهی و حقوقی امامت‌پژوهی و تحقیقات پژوهش‌های و تفکرات پیامبر سلامت امتحان می‌باشد
مدرسه عالی حقوق اسلامی تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ایران

۸- یک دلیل بر «حجیت ظهور» بیان کرده، توضیح دهید موضوع حجیت ظهور چیست؟

۹- در دلالت آیه تسویه نیا بر حجیت خبر واحد اشکال شده است که شما محقق موضوع است، اشکال و جواب صاحب کفایه از آن را تقریب نمایید.

۱۰- چهار احتمال در مدلول روایت «من سمع شیئا من التواب علی شیء فصنعه کان له و ان لم یکن علی ما یلقه» را بنویسید.

۱۱- برای استدلال بر «عدم حجیت ظهور قول» به روایاتی تمسک شده است که تفسیر به رأی را کفر می‌دانند، دو جواب شهید صفر در خصوص این روایات را بنویسید.

۱۲- با توجه به عبارت «إلا أنه يمكن تصور التوبة لو افتراها أن وجوب القضاء بدور مدار نوات الملاك علی المكلف بعد فرض التوبة فی حقه رغم عجزه»، توبه استرأط نفس تکلیف به قدرت و عدم آن را بنویسید.

۱۳- شهید صفر در «برای استرأط تکلیف به قدرت به معنی آنچه برهانی اقامه می‌کند؟

۱۴- دو خطاب «صل» و «لا تعصب» طبق کدام منا قابل اجتماع و طبق کدام منا غیر قابل اجتماع هستند؟ توره هر یک از این منا را در بحث اجتماع امر و نهی توضیح دهید.

۱۵- آیا «نسخ حقیقی» در احکام الهی امکان دارد؟ به تفصیل توضیح دهید.

«مسئله پنجم کتابت: (۱۳۳۶) آراء علمای معتزله آمورش آمده «واعت پیشه‌ها و انتقادات پداسون عقائد اهل اتمان می‌باشد»
«در صورت ارسال پیام کوتاه، بشه که اتمان و شماره مثال به صورت دقیق همت امکان بررسی و هوانگونی هوزن می‌باشد»

آشنایی عمومی سطح ۲
۹۰ دقیقه

نام
شماره
تاریخ

نام
شماره
تاریخ

نام
شماره
تاریخ

۱- کدام گزینه از «خصائص نسبه» در قسم احتمال خیر متواتر محسوب می‌شود؟ ص ۱۲۰

الف. سبب و اثبات خبر

ب. سبب و بیان حد خبر

ج. هر دو متواتر خبر می‌شود

د. مخالفت حد خبر با اعتقاد خبر

۲- اگر قصد موضوع حکم به شد «علم به حکم» را بحال و تقابل اطلاق و تسلیم را تقابل سلب و ايجاب بدانیم، کدام گزینه صحیح خواهد بود؟ ص ۱۸۱

الف. اطلاق معانی و احکام مختص به عالم هستند

ب. اطلاق ضروری و احکام مختص به عالم هستند

ج. اطلاق ضروری و احکام مشترک بین عالم و جاهل هستند

د. اطلاق محال و احکام مشترک بین عالم و جاهل هستند

۳- مورد نزاع اصولیون در موضوع «وجوب مقدمه واجب» کدام است؟ ص ۱۶۵

الف. آیا تقدمات واجب و وجوب بر عین دارند یا نه؟

ب. آیا تقدمات واجب و وجوب عین خبر دارند یا نه؟

ج. آیا تقدمات واجب و وجوب عین خبر دارند یا نه؟

د. آیا تکلیف مستول اجزاء تقدمات عین و خبر دارند یا نه؟

۴- «تواتر» در حجت خبر که باید چگونه اتفاق شود تا خبر شخصی که را سگویی او معجز است اما قرآنی خبری به صحت خبر او لازم، حجت باشد؟ ص ۱۰۰

الف. تواتر

ب. تواتر

ج. طریق و سبب

د. سبب و سبب

۵- تکلیف مستول اجزاء در کدام نوع از قیود است؟ ص ۱۸۹

الف. اید و وجوب و واجب

ب. حد و وجوب

ج. حد و واجب

د. حد و موضوع

۶- در فرضی که روایات یافه از تفسیر به رأی به حسب اطلاق خریداران شامل عمل به طواهر کتاب نیز بشود، چه نسبتی بین استنباط مشتمل بر عمل به طواهر و «اطلاق روایات یافه» وجود دارد؟ ص ۱۵۲

الف. روایات مورد نظر استنباط استنباط می‌شود

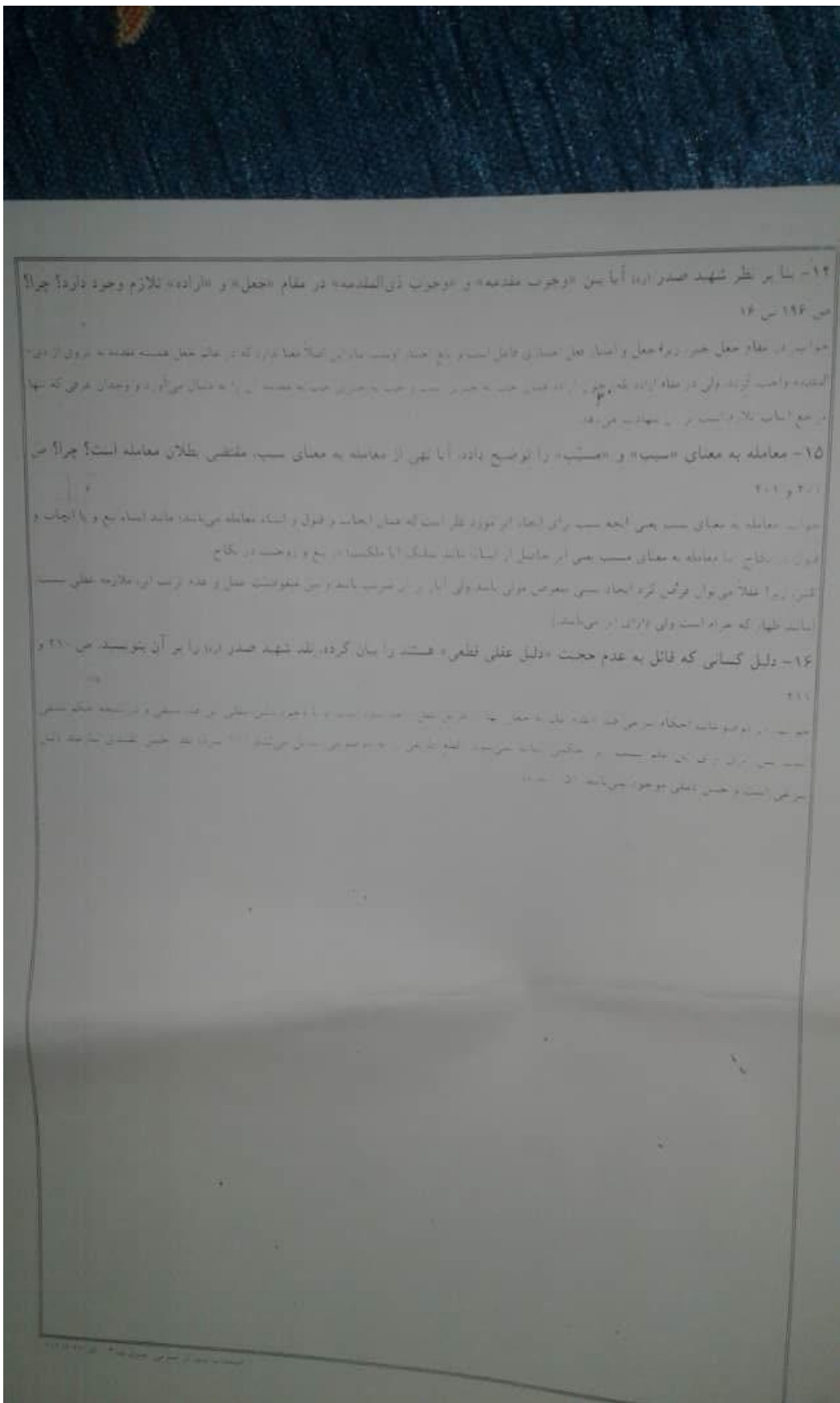
ب. روایات مورد نظر از روایات یافه استنباط می‌شود

ج. اطلاق روایات حد خبر مستوفی است

د. هر دو مورد اطلاق روایات است

.....

.....



۱۴- بنا بر نظر شهید صدر آیه «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ الْأَعْمَىٰ» در مقام «جعل» و «اراده» لازم وجود دارد؟ چرا؟
 ص ۱۹۶ س ۱۶

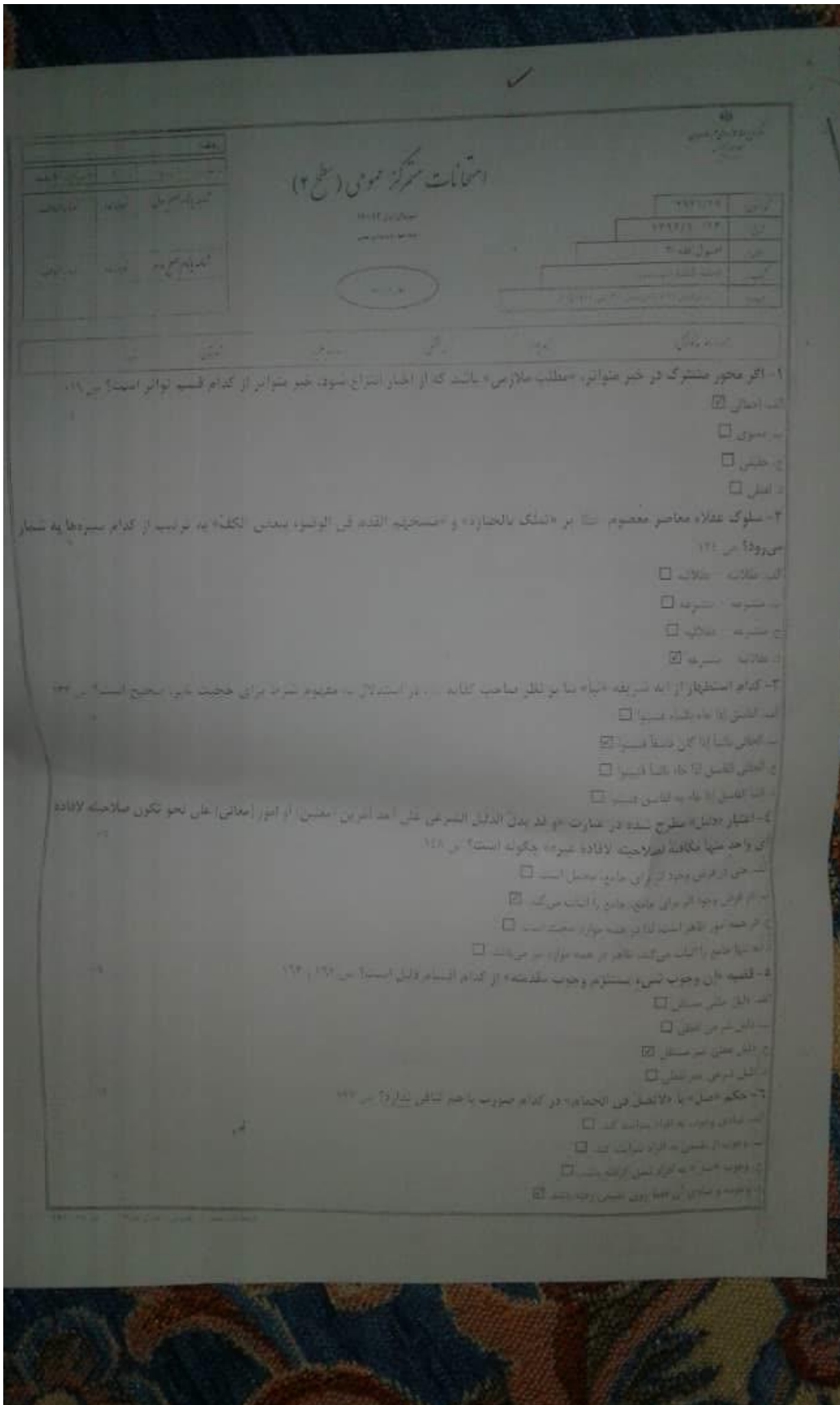
جواب: در مقام جعل خبری، جعل و اتصال فعلی اعتباری قائل است و هیچ اعتباری ندارد. اما در مقام جعل هسته مقدسه، ترویج از این-
 گفته و واجب ترویجی در مقام اراده که چون اراده فعلی خبری است و خبری خبری است و خبری خبری است و خبری خبری است که آنها
 در جمع آنها تلاقی است بر این نهاد می‌رود.

۱۵- معامله به معنای «سبب» و «مستب» را توضیح داده، آیا نهی از معامله به معنای سبب، منطقی تعلق معامله است؟ چرا؟
 ص ۲۰۱ و ۲۰۲

جواب: معامله به معنای سبب یعنی آنچه سبب برای ایجاد اثر می‌شود نظر است که همان ایجاد و قبول است. معامله می‌تواند مانند ایجاد سبب و ایجاد
 اثر در خارج است. معامله به معنای مستبب یعنی اثر حاصل از ایجاد مانند تلنگر آبی تلنگر است. در سبب و روست در کج
 کس زیرا اطلاق می‌توان فرض کرد ایجاد سبب معروض می‌باشد ولی آثار بر اثر سبب باشد و این تفاوت است. عمل و عده بر آن، علاوه عقلی است
 مانند ظاهر که مراد است ولی و از آن در می‌باشد.

۱۶- دلیل کسانی که فائل به عدم حجت «دلیل عقلی قطعی» هستند را بیان کرده، بده شهید صدر آیه را بر آن بنویسند. ص ۲۰۱ و
 ص ۲۰۲

جواب: در این صورت ایجاد اثر می‌شود بلکه دلیل عقلی است. هر چه عقلی است، سبب است و با وجود عقلی بر عقلی و در نتیجه شکل عقلی
 است. پس برای آن که معنی عقلی باشد، هر چه عقلی است، سبب است و با وجود عقلی بر عقلی و در نتیجه شکل عقلی
 بر عقلی است و عقلی وجود می‌تواند آن است.



امتحانات مرکز عمومی (سطح ۲)

شماره پرسشنامه	شماره برگه
شماره برگه	شماره پرسشنامه

ردیف	موضوع	صفحه
۱	مطلب ملازم	۱۱
۲	تسلک بالجماد	۱۲
۳	استظهار از آیه	۱۳
۴	مطرح شده در عبارت	۱۴
۵	واجب است	۱۵
۶	حکم اصل	۱۶
۷

۱- اگر محور مشترک در خبر متواتره «مطلب ملازم» باشد که از اخبار استخراج شود، خبر متواتر از کدام قسمه نواتر است؟ ۱۱

- الف- اعمالی
- ب- عمومی
- ج- خاص
- د- اخص

۲- سلوک عقلاء معاصر معصوم است بر «تسلک بالجماد» و «تسخیر القدم فی الوضوء بدین الکلمه» به ترتیب از کدام سیره‌ها به شمار می‌رود؟ ۱۲

- الف- عقلاء - عقلاء
- ب- مشرکه - مشرکه
- ج- مشرکه - عقلاء
- د- عقلاء - مشرکه

۳- کدام استظهار از آیه در سوره «نبا» بنا بر نظر صاحب کتابه ... در استدلال به مفهوم شهادت برای حجیت شریک صحیح است؟ ۱۳

- الف- اعمالی یا عام بقضاء حسبوا
- ب- اعمالی یا اعمالی یا کما فی سبوا
- ج- اعمالی یا اعمالی یا کما فی سبوا
- د- اعمالی یا اعمالی یا کما فی سبوا

۴- اعتبار «اصل» مطرح شده در عبارت «و قد بدل الذکر الشرعی علی أحد الطرفين» معنی او امور (معانی) خاص نحو تکرار صلاحه ۱۴۷ است که واحد منها تکلیف اصلاحیه لا فایده غیره» چگونه است؟ ۱۴

- الف- هر دو فرضی و جدید است
- ب- هر دو فرضی و جدید است و در آن است
- ج- هر دو فرضی و جدید است و در آن است
- د- هر دو فرضی و جدید است و در آن است

۵- قضیه «ان وجوب نسو مستلزم وجوب تکفیر» از کدام قسمه قابل استناد است؟ ۱۵

- الف- اعمالی مستلزم
- ب- اخص مستلزم
- ج- اعمالی مستلزم
- د- اخص مستلزم

۶- حکم «اصل» یا «لا اخص فی الجماد» در کدام صورت با هم تفاوت دارد؟ ۱۶

- الف- اعمالی و اخص به اول حدیث است
- ب- اعمالی و اخص به اول حدیث است
- ج- اعمالی و اخص به اول حدیث است
- د- اعمالی و اخص به اول حدیث است

